

ما لأبد منه
احكام و مسائل فقه حنفي به زبان
ساده

تالیف:
علامه قاضي ثناء الله پاني پتي (م 1225 هـ. ق -
1810 م)

همراه با ضمیمه‌ی: حج و عمره‌ی آسان
تسهیل، ویرایش، عنوان‌گزاری و ضمیمه‌ی حج
از:
ابو‌الحسین عبد‌المجید مرادزهی خاشی

مشخصات كتاب

نام كتاب: مالابد منه .

تأليف: علامه قاضي ثناء الله پاني پتي .

ويرايش و تسهيل: ابوالحسين عبدالمجيد مرادزهي
خاشي .

ناشر: انتشارات فاروق اعظم .

فهرست عناوین
عنوان
صفحه

11	پیشگفتار چاپ هفتم
	آنچه در این کتاب بخصوص در این چاپ انجام
13	گرفته است
15	کتاب الإیمان
15	عقیده‌ی یک مسلمان
26	اهمیت نماز
29	کتاب الطهارة
29	فرايض وضو
29	سنتهاي وضو
30	مسح موزه‌ها
30	دعای بعد از وضو
31	چیزهایی که وضو را باطل می‌کنند
32	غسل
32	فرايض غسل
32	سنتهاي غسل
32	آنچه غسل را واجب می‌کند
33	حد اقل و حد اکثر مدت حیض:
33	حکم حیض و نفاس
34	بیان نجاست
34	نجاست خفیفه
34	نجاست غلیظه
35	حکم نجاست غلیظه
35	پس خورده‌ی حیوانات
35	انواع آبها و حکم آن
36	آب جاری
37	آب راکد

37	افتادن حیوان در چاه
38	تیمم
38	فرائض تیمم
40	کتاب الصلوة
40	اوقات نماز
41	شرایط نماز
43	نیت در نماز
43	ارکان نماز
43	تکبیر تحریمه
43	قعه اخیره
43	خواندن قرائت قرآن
43	قیام، رکوع، سجده
44	گذاشتن بینی و پیشانی
44	مقدار قرائت
44	ترتیب در ارکان نماز
44	واجبات نماز
45	فرق فرض و واجب
46	نماز با جماعت
46	مستحق امامت
47	تذکر
47	چگونگی ادای نماز
48	سنت در قرائت
52	تسبیحات فاطمی
52	پیش آمدن حدّث در نماز
53	مسائل معروف دوازده گانه
56	طریقه ی قضای نمازهای فوت شده
56	ترتیب در نمازها
57	آنچه نماز را فاسد می کند
59	آنچه در نماز مکروه است

60 بیان حکم مریض
61 احکام سفر
62 آغاز و پایان حکم سفر
62 اقسام وطن
63 قضای نماز در سفر
63 سفر معصیت
63 نماز جمعه
63 شرایط نماز جمعه
64 خطبه‌ی نماز جمعه
66 بیان نمازهای واجب غیر از نمازهای پنجگانه ..
66 روش خواندن نماز عید
67 تکبیر تشریق
68 سنن و نوافل
68 نماز تهجد
69 نماز اشراق، ضحی، تراویح و تحیة المسجد
70 نماز استخاره
71 نماز توبه
71 نماز حاجت
72 نماز تسبیح
73 نماز کسوف
73 طلب باران
74 شروع نماز نفل
74 سجده‌ی تلاوت
77 کتاب الجنائز
77 نحوه‌ی غسل میت
77 نحوه‌ی تکفین میت
78 طریقه‌ی ادای نماز جنازه
80 احکام شهید
81 ماتم و عزاداری

82 زیارت قبور
83 سجده بر قبور
84 کتاب الزکاة
84 زکات بر چه کسی فرض است؟
85 نیت در زکات
85 زکات اموال نامیه
86 نصاب شتر در بحث زکات
88 یادآوری
88 نصاب گاو
90 مستحق و مصرف زکات
90 صدقه‌ی فطر
91 مقدار صدقه‌ی فطر
91 صدقات نافله
93 کتاب الصوم
93 انواع روزه
94 نیت روزه
94 رؤیت ماه
95 روزه‌ی روز شک
95 قضا و کفاره
95 موارد وجوب قضا و کفاره
96 موارد وجوب قضا
97 موارد عدم وجوب قضا
99 روزه‌ی مریض و مسافر
100 روزه‌های نفلی
100 روزه‌ی شش روز شوال
100 روزه‌ی سه روز هرماه
100 روزه‌ی روز عرفه و عاشورا
101 کراهیت صوم دهر و صوم وصال
101 اعتکاف

103	کتاب التقوي
103	بيان خوردنيها
104	آداب غذا خوردن و آب آشامیدن
105	آداب لباس
106	بيان وطى و دواعى آن
108	آداب كسب و تجارت
108	معامله‌ي باطل
109	حكم معامله‌ي باطل
109	معامله‌ي فاسد
109	حرمت ربا
111	اجاره‌ي فاسد
112	كم فروشى
112	نيرنگ در معامله
113	بيع مراجعه و بيع توليه
114	معاملات غير جايز
114	1- بيع نَجَش
115	2- معامله بر معامله‌ي ديگران
115	3- تَلَقَّى الْجَلْب
115	4- بيع الحاضر لِلْبَادِي
115	5- معامله بعد از اذان جمعه
116	احتكار
117	آداب زندگي، حقوق الناس و بعضي از گناهان
117	مسابقه و جوايز آن
117	طعام ولیمه
118	رقص و سرود
118	اخلاص و تصحيح نيت
118	غيبت، سخن‌چيني و بدگويي
119	دروغگويي
120	رجوع به شريعت

120 خود بزرگبيني
121 بازيهاي بيهوده
121 امر به معروف و نهي از منكر
122 مشابهت مردان و زنان
122 حقوق مسلمان
123 انواع گناهان
123 گناهان كبيره
125 تعريف از شخص فاسق
125 نشانه هاي منافق
125 تراشيدن و کوتاه كردن ريش
125 حقوق شوهر
127 كتاب الحج
127 تصوير داخل خانه كعبه
129 خانه ي كعبه
130 حجر اسود
130 مسجد الحرام
131 توسعه ي مسجد الحرام در طول تاريخ
132 فرضيت حج و حكمت مشروعيت آن
133 حكمت مشروعيت حج
136 فضيلت حج
136 شرايط فرضيت حج
137 شرايط صحت حج
138 ارکان حج
138 واجبات حج
138 سنتهاي حج
139 انواع حج
140 چگونگي ادای حج طبق برنامه ي روزانه
140 آمادگي سفر
141 مواقيت احرام

142	احرام و چگونگی آن
142	سنتهاي احرام
143	ممنوعات احرام
143	احرام زن
144	ورود به مکه
145	طواف خانه‌ي کعبه
145	سنتهاي طواف
146	سعی بین صفا و مروه
146	سنتهاي سعی
148	خروج از احرام براي مُعْتَمِر و مُتَمَتِّع
148	ماندن در مکه
148	روز ترویبه (هشتم ذی الحجه)
149	روز عرفه
149	وقوف به عرفات
150	شب گذرانی در مُزْدَلِیْه
151	گرد آوری سنگریزه‌ها از مزدلفه
151	حرکت به سوی مِیْی
151	روز عید
151	رمی جمرة العقبة
152	قربانی (دم شکر)
152	حلق یا تقصیر
152	طواف زیارت
153	خروج از احرام
153	ایام تشریق و اعمال آنها
153	رمی جمرات سه گانه
153	رمی روز دوازدهم
154	طواف وداع
156	آداب اقامت در مدینه
157	زیارت اماکن خاص در مدینه‌ی منوره

158	وداع با مدینه
159	عمره و چگونگی ادای آن
160	زمان عمره
160	فرائض عمره
160	واجبات عمره
160	چگونگی ادای عمره
161	هدی
161	انواع هدی
162	جنايات و جريمه هاي آن

پیشگفتار چاپ هفتم

سپاس بیکران ذات با عظمت و خالق دو جهان را و درود و سلام بر امام الأنبیاء، برگزیده بارگاه ایزدی، حضرت ختمی مرتبت محمد بن عبدالله و بر اهل بیت و یاران جان نثار و اصحاب اخیارش من الیوم اِلی یوم الدین.

رساله‌ی حاضر کتابی است در فقه حنفی که توسط حضرت مولانا قاضی ثناء الله پانی پتی رحمہ الله، یکی از دانشمندان و بزرگان معروف هندوستان تألیف شده است.

وی یکی از علمای زبده و شخصیت‌های علمی و الامقام سرزمین هند بوده که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ نموده و در سن شانزده سالگی از علوم اسلامی فارغ التحصیل شد. در دوران تحصیل، علاوه بر کتب درسی، حدود سیصد و پنجاه عنوان کتاب را مطالعه کرد و از محضر مرشد والای وی، حضرت میرزا مظهرجان جانان رحمہ الله لقب «عَلْمُ الْهُدَى» و از محضر حضرت شاه عبدالعزیز محدث دهلوی؛ لقب «بیهقی وقت» به او داده شد.

در تمام مدت زندگی در افاضه‌ی فیض ظاهر و باطن و نشر علوم، حل و فصل اختلافات و افتاء مصروف بود. در علم تفسیر، فقه، کلام، تصوف و عرفان تبحر خاصی داشت و بیش از سی عنوان کتاب و جزوه در زمینه‌های مختلف تألیف نموده که معروفترین آنها تفسیر قرآن «التفسیر المظہری» گنجینه‌ی تحقیقات علمی و فقهی وی است.

پس از سپری کردن عمر پر برکت خویش در راه خدمت به اسلام و فرهنگ مسلمین، در اوایل ماه رجب سال 1225) هجری قمری) دار فانی را وداع گفت.

يکي از کتب معروف وي همين کتاب «مالابدمنه» در فقه حنفي است که به زبان فارسي دري به رشته ي تحرير درآمده و در مدارس ديني احناف تدریس مي‌گردد. از سوي شوراي هماهنگي مدارس علوم اسلامي استان سيستان و بلوچستان به بنده پيشنهاد شد که چون کتاب «مالابدمنه» به نثر فارسي قديم رايج در هند نگاشته شده و بر اثر نا مأنوس و هندي بودن بعضي از کلمات و اصطلاحات آن، در حال حاضر استفاده از آن براي مبتديان و فارسي زبانان امروز مشکل مي‌نمايد، لذا بهتر است به فارسي ساده تر برگردانده شود. امري که در محافل و مراکز علمي امروز معمول و مروج است.

اين امر مهمي بود ولي با توکل به خدای متعال و استعانت از وي آن را شروع کردم بطوري که براي خوانندگان گرامي مشهود است، به پايان رساندم، و پس از چاپ چهارم آن در يکي از جلسات شوراي هماهنگي مدارس علوم اسلامي که در محل حوزه ي علميه دارالعلوم زاهدان منعقد شده بود، به عنوان متن درسي شوراي هماهنگي به جاي نسخه ي قديم آن تصويب گرديد و بازنگري آن براي رفع اشکالات احتمالي و حصول اطمینان بيشتري، به جناب مولانا دين محمد دركزهي از علمای محقق منطقه واگذار گرديد که ايشان با دقت تمام بازنگري و مواردی را براي اصلاح به بنده اعلام نمود که در چاپهاي بعدي اصلاح گرديد.

اين کتاب تا به حال شش بار به چاپ رسیده و با استقبال بي نظير اقشار مختلف مواجه شده است. اينک با تجديد نظر و اصلاحات لازم براي چاپ هفتم آماده مي‌شود.

آنچه در این کتاب بخصوص در این چاپ انجام گرفته است:

- 1- در اصل کتاب، نظر چهار امام اهل سنت در مورد بسیاری از مسائل بیان شده ولی با توجه به اینکه بیشتر استفاده کنندگان این کتاب مبتدیان و نوآموزان و عامه‌ی پیروان فقه حنفي هستند که از اختلاف مذاهب، فلسفه و استدلال آن، آگاهی ندارند و طرح چنین مسائلی باعث سرگردانی و تذبذب مذهبی‌شان در مسایل فقهی می‌شود، لذا نظر دیگر ائمه حذف گردید و بر ذکر مذهب امام اعظم ابوحنیفه: بسنده شد و سعی به عمل آمد تا نظر «مفتی‌به» (نظر معتبر و قابل افتاء) فقه حنفي بیان شود.
 - 2- بعضی از مسایل فقهی که مشکل و مفصل به نظر رسیدند و در حد فهم مبتدیان و خیلی ضروری هم نبودند، حذف گردیدند.
 - 3- سعی شده تا با باقی ماندن اصل مسئله، صورت آن با عباراتی سهل و ساده بیان شود و چنانچه نیازی به توضیح بوده در پاورقی و یا داخل قوسین (پرانتز) توضیح آن ذکر شده است و آنچه انجام گرفته جنبه‌ی تسهیلی و تلخیصی دارد.
 - 4- بحث زکات سوائم (حیوانات) در اصل کتاب ذکر نشده و مؤلف رحمه الله علت آن را چنین بیان کرده که: «چون این حیوانات در سرزمین هند به حدی که زکات در آنها لازم شود، وجود ندارند، لذا از بیان احکام آنها صرف نظر شد».
- اما چون در مناطق ما اینگونه حیوانات به حد وافر موجودند و دانستن نصاب زکات آنان لازم است، این نصاب در متن کتاب افزوده شد.

5- با توجه به اینکه حج یکی از ارکان و فرایض پنج گانه ی اسلام است و در این کتاب بحث حج آورده نشده و مؤلف مرحوم علت نیاوردن آن را چنین بیان داشته که: در هندوستان در آن زمان افرادی که واجد شرایط حج باشند تعدادشان بسیار اندک بوده، ضرورتی برای ذکر بحث حج در این کتاب احساس نشد لذا از بیان آن صرفنظر گردیده است.

ولی در حال حاضر که سفر حج و عمره در دیار ما به کثرت صورت می‌گیرد، لازم است مردم از احکام و مسایل آن، آگاهی داشته باشند. به همین منظور لازم دانستم ضمیمه ی حج و عمره را در آخر کتاب به صورت مختصر اضافه کنم.

6- در اصل کتاب، کلمات و واژه های متعدد هندی به کار رفته بود که معادل فارسی آن انتخاب گردید.

در پایان، از صاحب نظران و خوانندگان محترم استدعا می‌شود تا هر گونه اشتباه و تسامحی را به بنده اطلاع دهند تا انشاء الله العزیز در چاپهای آینده اصلاح گردد.

به امید اینکه از دعای خیر فراموش نفرمایند.

ومن الله التوفيق وإليه المآب، حسبنا الله ونعم

الوكيل

أبوالحسين عبدالمجيد مرادزهي خاشي

24/2/1415 هـ. ق.

کتاب الایمان

عقیده ي يك مسلمان:

حمد و ستایش از آن ذات مقدسي است که با وجود بی‌چون خویش موجود است و هم‌ه‌ي عالم به ایجاد او از کتم عدم به عرصه‌ي وجود آمده و در بقا و وجود خود، به وي محتاج است. ذات مقدس و منزهي که به هیچ چیز نیازمند نیست.

عقیده : 1

خداوند عالم، یگانه در ذات و صفات و افعال است.

احدي در هیچ امري با وي شريك نیست. وجود و حیاتش شبیه و مانند وجود و حیات جهان نیست.

«علم»، «سمع»، «بصر»، «اراده»، «قدرت» و «کلام» او را با علم، سمع، بصر، اراده، قدرت و کلام مخلوقات، شباهت و مماثلتي نیست. جز مشارکت اسمي و لفظي در صفات، شريك و همجنسي هم ندارد.

عقیده : 2

تمام صفات او متعلق به ذاتش و قدیم‌اند. مثلاً «علم» صفتي است قدیم برای خداوند جل و علا و انکشافی است بسیط که معلومات ازل و ابد با احوال متناسب و متضاد کلي و جزئي با اوقات مخصوصه‌ي خویش با آن صفت برایش نمایان و هویداست.

عقیده : 3

کلام خداوند، کلامي است بسیط که تمام کتابهاي نازل شده بر پیامبران، تفصیل و شرح همان کلام‌اند. «خلق و تکوین» هم مختص ذات بی‌چون خداوند متعال است.

عقیده : 4

«مُمْكِن» نمی‌تواند به وجود آورنده ای ممکن دیگر باشد.

تمام ممکنات چه جوهر و چه عرض و چه افعال اختیاری بندگان، همه مخلوق او هستند.

اسباب و واسطه‌ها پرده و روپوش بر فعل او می‌باشند، و در واقع دلیلی بر فعل اویند. چنان که دانشمندان از حرکت جمادات به مُحَرِّکِ آن پی می‌برند و می‌دانند که این حرکت، مناسب حال این جماد نیست، این را فاعلی است و رای خودش.

این سببها در نظرها پرده‌هاست
در حقیقت فاعل هر شیء خداست

نیز عارفان و راهروان راه طریقت که دیدی بصیرتشان با سرمه شریعت، سرمه داده شده، به یقین می‌دانند که «ممکن» نمی‌تواند ممکن دیگر خواه فعلی از افعال باشد یا عرضی از اعراض را به وجود آورد.

آری! فرق و تفاوتی که میان افعال اختیاری و حرکت جماد متحقق است- و ایمان بدان هم واجب- در این است که خداوند بندگان را صورت قدرت و اراده داده است. و قانون خداوند چنین حاکم بر طبیعت است که هرگاه انسان قصد انجام عملی را کند، خداوند آن عمل را بر دست او به وجود می‌آورد.

بنابراین، خداوند را «خالق» اعمال و بنده را «کاسب» آن گویند و چه در کسب عمل، بنده مختار است، پاداش، کیفر، مدح و ذم هم بر آن مترتب خواهد شد. غیر خدا را خالق چیزی از چیزها دانستن هم کفر است.

به همین دلیل بود که پیامبر اکرم μ فرقه‌ی «قَدْرِیَه» را مجوس این اُمَّت خواندند.

عقیده : 5

خداوند عزوجل در هیچ چیزی حلول نمی‌کند، و هیچ چیزی هم در او حلول نخواهد کرد (یعنی: نه حال در شيء آخر و نه محل برای شيء آخر است) بر همی اشیاي عالم با احاطه‌ي ذاتي محیط است و قرب و معیتش به همی اشیا تعلق دارد، البته نوع احاطه و قرب در حد فهم قاصر ما نیست. فقط شایسته‌ي مقام کبریایی اوست.

آنچه صوفیان با کشف و مراقبه مشاهده می‌کنند آن نیز، منزله و مبراست هر چه مکشوف و مشهود گردد، شبه و مثالی بیش نیست. آن را در زیر تیغ «لا» نفي باید نمود و بر غیب باید ایمان آورد.

قرب و معیت خداوند نصیب بندگان خاص همانند پیامبران، اولیاء و عامه‌ي مؤمنین هم خواهد شد و این نوع قرب درجات غیر متناهی دارد. مولانا رومی می‌فرماید:

اي برادر بـي‌نـهـايـت درگهـيـسـت
هر چه بر وي مـيـرسي بر وي مایست

عقیده : 6

مسائلي که در نصوص قرآني و احادیث نبوی p از قبیل استواء حضرت حق بر عرش، نزول پر برکت وي در نیمه‌ي آخر شب به آسمان دنیا، ثبوت «ید» و «وجه»، مطرح و ثابت گردیده، بدون هیچگونه چون و چرا باید آنها را پذیرفت.

نه آن عناوین را بر ظاهر حمل کرد و نه در صد توجیه و تأویل برآمد، توجیه واقعی اش را به علم خداوند محول نمود و با همان صورت اجمالی، بدان ایمان آورد. زیرا هر چند کاوش و قیل و قال در بحث صفات و افعال الهی بیشتر بینجامد، هیچ چیزی جز جهل و تحیر بیشتر عاید بشر بیچاره بلکه حتی

نصیب فرشتگان مقرب بارگاهش هم نخواهد شد. انکار نصوص، کفر است و تأویل آن، جهل مرکب! دور بینان بارگاه اُست غیر از این پی نبرده اند که «هست»

عقیده : 7

هر نوع اعمالی که انسان مرتکب آن شود از قبیل: خیر و شر، کفر و ایمان، طاعت و عصیان، همه طبق اراده و مشیت الهی است. البته رضا و خشنودی خداوند به اعمال خیر، ایمان و طاعت بنده متعلق است و وعده‌ی پاداش نیک بر چنین اعمالی داده شده است.

خداوند از کفر و معصیت هرگز راضی و خشنود نخواهد شد، و چنین اعمالی وعده‌ی کیفر داده و انواع عذابهایی مقرر فرموده است. اراده و رضا با هم فرق دارند، نمی‌بایست در اشتباه واقع شد و این دو را در هم آمیخت.

عقیده : 8

هزاران درود و سلام بر روان پاک انبیاء ﷺ، بزرگترین محسنین و منت‌گزاران بر بشر که توسط آنان، بشر منحرف از جاده‌ی مستقیم، به شاهراه توحید هدایت داده شد. ایمان به حقانیت تمام پیامبران - علیهم الصلوة والتسلیم - امری است لازم و ضروری.

اولین آنها ابوالبشر حضرت آدم v و آخرین و برترین آنان حضرت ختمی مرتبت «محمد p» می‌باشند.

معراج پیامبر اکرم p و سیر و سفرشان از مکه به مسجد الأقصى و آنجا به آسمان هفتم و سدره المنتهی با جسم و جان در حال بیداری حق است و ایمان بدان هم لازم.

همه ي کتابهاي آسماني که بر انبياء † نازل شده اند از قبيل تورات، انجيل، زبور، قرآن مجيد، صحيفه هاي ابراهيمي و غيره حقاند، و ايمان بدانها لازم و ضروري است.

عقیده : 9

تمام پیامبران † از هر نوع گناه چه صغیره و چه کبیره معصوم و مبرا هستند و عصمت ایشان با دلایل قطعي ثابت گردیده، هر کسي به عصمت آنها معتقد نباشد، مسلمان نخواهد بود.

فرشتگان، بندگان مقرب خداوند اند و از هر گونه گناه، معصوم و نیازهاي بشري دور اند. نیازی به ازدواج، خوردن و نوشیدن و غیره ندارند.

پیام آوران وحی و حاملان عرشاند. به هر امري که مأمور شوند، قائم بر آن اند و در انجام آن تأخیر نخواهند کرد.

عقیده : 10

فرشتگان و پیامبران با توجه به اینکه اشرف مخلوقات و مقرب بارگاه حضرت ایزد منان اند، لکن همانند سایر مخلوقات هیچ علم و قدرت و اختیاري ندارند، مگر آنچه خداوند به آنها عنایت نموده. مؤمن به ذات و صفات باري تعالی اند و در ادراك كُنْهِ او با عجز و قصور معترف و در ادای وظایف بندگی به شکر توفیق الهی ناطق!

بندگان خاص خداوند را در صفاتی که مخصوص خداوند است از قبیل بخشیدن، فرزند دادن، میراندن، زنده کردن، رزق دادن، عالم غیب بودن و غیر را با او شريك ساختن کفر است. هر کس چنین عقیده ای داشته باشد کافر خواهد شد.

بعضی از کفار با انکار پیامبران کافر شدند و مسیحیان با پسر خدا قرار دادن عیسی و مشرکان

عرب با دختر قرار دادن فرشتگان برای خداوند و معتقد به عالم غیب بودن آنها، کافر گردیدند. پیامبران و فرشتگان را در صفات الهی نباید شریک ساخت و غیر پیامبران را در صفات پیامبران شریک ساختن هم جایز نیست.

عقیده : 11

به جز پیامبران و فرشتگان، احادی از یاران پیامبر و یا اهل بیتش و یا از سایر مؤمنین و ائمه، از گناه معصوم نیست. مقام «عصمت» فقط مختص پیامبران و ملائکه است.

فقط از پیامبر عظیم الشان باید اتباع و پیروی کرد. کسی دیگر واجب الإطاعة نیست. البته پیروی و تقلید از ائمه دین و «أولی الامر» مسلمان و عادل، در آنچه مخالف با راه پیامبر نباشد، به حکم اتباع از پیامبر است. به آنچه پیامبر اکرم μ ما را خبر داده است، باید ایمان آورد و بر فرمایشات ایشان عمل کرد و از منهیات باز آمد.

عقیده : 12

گفتار و کردار هر کسی که مخالف با گفتار و کردار پیامبر باشد، باید آن را رد کرد.

عقیده : 13

حضور دو فرشته «مُنْکَر» و «نَکیر» در قبر و بازپرسی از میت حق است. نیز عذاب در قبر برای کافران و بعضی از گنهکاران مسلمان ثابت و حق است.

عقیده : 14

حشر بعد از مرگ روز قیامت، نفخ صور برای میراندن و نفخ دوباره آن، برای زنده کردن حق است. شکافته شدن آسمانها، ریختن ستارگان، درهم پاشیده شدن کوهها، از بین رفتن زمین بعد از نفخه «أولی»، بیرون آمدن مردگان از قبور خویش،

و موجود شدن عالم با «نفخه ي ثانيه»، پس از معدوم شدن آن، ثابت و حق است.

عقیده : 15

حساب روز قیامت، وزن اعمال در ترازوي مخصوص، شهادت اعضاي بدن علیه مجرمان و خطاکاران، گذشتن از پل صراط که از شمشیر برنده تر و از مو باریکتر است و از بالای دوزخ می‌گذرد، حق است. بعضی از عابرين بر پل صراط مانند برق با سرعت عبور می‌کنند.

بعضی مانند باد و بعضی مانند اسب تیزرو و بعضی آهسته و بعضی در دوزخ سقوط خواهند کرد. خلاصه، هر کس بر حسب اعمال خودش از آن عبور می‌کند.

عقیده : 16

«شفاعت» پیامبران و اولیاء و نیکوکاران به إذن پروردگار برای خطاکاران حق است.

حوض کوثر که حضرت پیامبر اکرم p از آن خبر داده است، است: آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین تر است. در اطرافش کوزه هایی پر از آب مانند ستارگان وجود دارد، هر کس از آن بنوشد، هرگز احساس تشنگی نمی‌کند.

عقیده : 17

بر حسب قانون و ضابطه ي خداوند، کسانی که مرتکب گناه کبیره شوند، باید به کیفرش برسند مگر اینکه توبه کنند. البته اگر خداوند بخواهد بدون توبه هم، آنان را مورد آمرزش خویش قرار می‌دهد، و اگر بخواهد بر انجام گناه صغیره هم مؤاخذه و بر آن کیفر می‌دهد. خلاصه، مالک تام الاختیار همه ي جهان است.

کافران و مشرکان برای همیشه در دوزخ باقی خواهند ماند، مسلمانان گناهکار اگر به دوزخ

برده شوند، پس از اینکه به کیفر اعمال بدشان می‌رسند، دیر یا زود از دوزخ اخراج شده، به بهشت وارد می‌شوند و باز برای همیشه در آنجا باقی خواهند ماند.

عقیده : 18

شخص مسلمان بر اثر ارتکاب گناه کبیره کافر نمی‌شود و از ایمان هم خارج نمی‌شود. آنچه پیامبر اکرم μ از انواع شکنجه‌ها در دوزخ خبر داده است از قبیل: مار، کژدم، زنجیر و طوقه‌های آتشین، آتش، آب گرم، زقوم، غسلین (فضاله‌ی گوشت و زرد آب و خون و چرک دوزخیان) و قرآن هم گویای آن است، حق است و بر آن باید ایمان داشت.

آنچه از انواع نعمت و موهبت در بهشت از قبیل: خوردنیها، نوشیدنیها، حور، قصرها و آپارتمانها، و غیره خبر داده شده نیز حق و مطابق با واقعیت است.

عمده‌ترین نعمتهای بهشت، ملاقات و دیدار با خداوند است که مسلمانان در بهشت بدون پرده و حجابی، جمال بی‌چون آفریدگار خویش را بی‌جهت و بی‌کیف و مانند، رؤیت خواهند نمود.

عقیده : 19

تمام یاران و اصحاب رسول اکرم μ عادل و مقبول بارگاه الهی بوده‌اند و اگر احیاناً کسی مرتکب معصیتی شده، تائب و مورد مغفرت و آمرزش قرار گرفته است.

نصوص قرآن و احادیث پیامبر اکرم μ بطور متواتر از مدح و ستایش آنان مملو است و قرآن به صراحت حاکی است که آنها با هم محبت و الفت داشتند و بر کفار سخت و خشین بودند.

۱۰۰ توبه (سوره توبه / 100)

«و پیشروان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان خشنود شد و [آنان نیز] از او خشنود شدند. و برایشان باغهایی که فرودست آن جویباران روان است آماده ساخت که در آنجا همیشه جاودانه اند. این کامیابی بزرگ است.»

3- ۱۸ فتح (سوره فتح / 18)

«همانا خداوند از آن مؤمنان (صحابه) که در زیر درخت (حدیبیه) با تو بیعت کردند خشنود و راضی است.»

یاد آوری: حدود 1400 نفر از صحابه در زیر درخت حدیبیه بر دست پیامبر اکرم برای گرفتن انتقام خون حضرت عثمان بیعت کردند آنگاه این آیه نازل شد. خداوند در جایی دیگر خطاب به صحابه چنین میفرماید:

4- ...

﴿سوره حجرات، / 8-﴾

(7).

يعني: «ولى خداوند ايمان را در نظر شما محبوب گرداند و آن را در دلهايتان آراست و كفر و فسق و نافرمانى را برايگان ناپسند گرداند، اينانند كه راه يافته اند * به فضل و نعمتى از سوى خدا. [چنين مقرر شده است] و خداوند داناي فرزانه است.»

عقيده : 20

از نصوص و اجماع صحابه رضي الله عنهم ثابت است كه افضل ياران پيامبر حضرت ابوبكر صديق مي باشد پس از وي، خليفه ي دوم حضرت عمر فاروق پس از وي، خليفه ي سوم حضرت عثمان ذي النورين پس از او خليفه ي چهارم حضرت علي المرتضي (رضي الله عنهم) است.

بعد از رحلت پيامبر اكرم p به اتفاق تمام اصحاب، حضرت ابوبكر صديق r در محل «سقيفه ي بني ساعده» به عنوان خليفه و جانشين رسول برگزيده شد و بر حسب نظر و پيشنهاد او پس از وي حضرت عمر فاروق r به عنوان خليفه انتخاب گرديد. پس از شهادت او، ياران پيامبر p سه روز متوالي با هم شورا و تبادل نظر نمودند، سپس حضرت عثمان r را خليفه انتخاب کرده با وي بيعت کردند. پس از شهادت حضرت عثمان r تمام مهاجرين و انصاري كه در مدينه بودند با حضرت علي r بيعت نموده، وي را به عنوان چهارمين خليفه برگزيدند.

عقيده : 21

اختلافات و جدالهايي كه ميان حضرت علي و حضرت امير معاويه (رضي الله عنهما) روي داد، حضرت علي مجتهد بر حق و حضرت امير معاويه مجتهد مخطيء (يعني

در اجتهادش به خطا رفت) بوده و هر يکي براي موضع‌گيري و نظر خویش استدلالهاي داشته‌اند که ما به هیچ‌کدام از آن دو گروه نباید سوء ظني داشته باشیم.

زیرا آنها مسائل اعمال خویش بوده‌اند و ما مسائل اعمال خودم هستیم¹. بلکه موضع‌گيري و نظريه‌ي هر فریق را بر مبنای صحیح و جایز توجیه نماییم و زبانهای خویش را از آلوده نمودن با طعن و تشنیع یاران پیامبر μ باز داریم.

عقیده‌ي صحیح و حق از نظر اهل سنت در این باره چنین است که آنان را به حال خودشان واگذاریم و نسبت به همه، خوشبین بوده و اظهار حسن ظن نماییم. زیرا گذشته از اینکه بحث و جدل در این رابطه هیچ سودي ندارد، آتش اختلاف و بد گمانی را بر افروخته و باعث ضعف ایمان می‌شود.

این بود چکیده‌اي از عقاید اهل حق در باب «عقیده» که بر هر مسلمان لازم است از نظر عقیدتی به این عقیده‌ها پایبند و معتقد باشد.

اهمیت نماز:

پس داشتن عقائد صحیح، مهم‌ترین و عمده‌ترین عمل در باب عبادات، نماز است. در صحیح مسلم از حضرت جابر روایت است که

1- قرآن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ ۖ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ ۖ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾
 ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقْوَاهُ ۖ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾

(بقره / 134). یعنی: «آن امتی بود که گذشت و رفت آنان مسؤول اعمال خویش بودند و شما مسؤول اعمال خویش هستید و شما از اعمال آنان سؤال نخواهید شد».

پیامبر اکرم فرمودند: «مانع در میان بنده و کفر نماز است».

يعني ترك نماز انسان را به کفر مي‌رساند. همچنین ترمذي و نسائي و احمد از بریده τ روایت کرده‌اند. که آن حضرت ρ فرمودند: «در میان ما و مردم، عهد و قرار داد تأمین، نماز است». هر کسي آن را ترك کند کافر شود.

ابن ماجه از ابوالدرداء τ روایت مي‌کند که مرا خليل و محبوب- حضرت- چنین وصیت کرد: «به خدا هرگز شرك نکني ولو اینکه کشته شوي یا سوخته شوي و از پدر و مادر نافرمانی مکن گرچه تو را امر کنند که از زن و فرزند و مال خود دست بردار، نماز فرض را هرگز عمداً ترك نکن! هر کس نماز فرض را عمداً ترك کند، ذمه‌ي خدا از وي بري است».

مسند احمد و دارمي و بيهقي از حضرت عمرو بن العاص τ روایت مي‌کنند که آن حضرت ρ فرمودند: «هر کس بر نمازهاي فرضي مداومت و محافظت کند در روز قیامت برایش نور و روشنایی و حجت و نجات از عذاب، خواهد بود و هر کس محافظت نکند، برایش نه نوري و نه برهان و نجاتي وجود دارد و با فرعون و هامان و قارون و ابي بن خلف محشور مي‌شود».

ترمذي از عبدالله بن شقيق روایت کرده که یاران پیامبر اکرم ترك هیچ چیزی را کفر نمی‌دانستند مگر ترك نماز را.

از نظر فقه امام احمد حنبل:؛ هر کس يك نماز را عمداً ترك کند، «کافر» مي‌شود و از نظر امام شافعي: «واجب القتل» است و از نظر امام اعظم ابوحنيفه: «واجب الحبس» است که تا وقت توبه زندانش کنند تا پشیمان شود و توبه کند.

بنابراین، باید کوشید تا حتی‌الوسع نمازي از
انسان فوت نشود.
خداوند به همهي مسلمين چنين توفیقي عنایت
فرماید. **آمین**

کتاب الطهاره

فرايض وضو:

در وضو چهار عمل فرض است:

- 1- شستن صورت در طول از بالاي پيشاني (ابتدای محل روپیدن موي سر) تا زیر چانه و زنخدان و در عرض تا هر دو گوش.
- یادآوری: چنانچه ریش کسی انبوه و گنجان باشد، رسانیدن آب در بن موهاي ریش لازم نیست.
- 2- شستن هر دو دست تا آرنجها.
- 3- مسح يك چهارم سر.
- 4- شستن هر دو پا با شتالنگها (استخوان پاشنه‌ي پا، قوزك)
- چنانچه از چهار عضو مذکور به اندازه‌ي يك ناخن یا کمتر از آن هم خشك بماند، وضو صحيح نیست.

سنتهاي وضو:

سنتهاي وضو بدین ترتیب هستند:

- 1- خواندن بسم الله الرحمن الرحيم در ابتدای وضو.
- 2- سه بار شستن هر دو دست تا مچ دست.
- 3- سه بار با دست آب در دهان و بینی کردن.
- 4- مسواك زدن.
- 5- سه بار شستن هر دو دست با آرنجها.
- 6- یکبار تمام سر را مسح کردن.
- 7- مسح هر دو گوش با آن مقدار رطوبت و خيسی، که از مسح سر باقي مانده است.
- 8- سه بار هر دو پا را با قوزکها شستن.

مسح موزه‌ها:

موزه باید با طهارت کامل پوشیده شود، آنگاه مسح بر آن جایز است. شخص مقیم می‌تواند به مدت يك شبانه روز و مسافر به مدت سه شبانه روز از هنگام بی‌وضو شدن، بر موزه‌های خویش مسح کند. فرض در مسح موزه‌ها به مقدار سه انگشت دست است و سنت

است که با هر پنج انگشت دست از سر انگشتان پا تا ابتدای ساق مسح کند. اگر موزه‌ها چنان پاره شوند که در راه رفتن مقدار سه انگشت پا ظاهر شود، مسح بر آنها روا نیست.

اگر شخصی با وضو بود و يك موزه را از پا بیرون کشید به طوری اکثر قدم از محل خود، در ساق موزه بیرون آمد، یا این که مدت مسح موزه تمام شد، در هر دو صورت، هر دو موزه را بیرون کشیده، فقط پاها را بشوید و برگرداندن تمام وضو لازم نیست.

دعای بعد از وضو:

»

«1.

1- ترجمه: شهادت می‌دهم که بجز الله، معبودی «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی برای او نیست، و شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده‌ی اوست، پروردگارا! مرا از توبه‌کنندگان بگردان و جزو کسانی قرار ده که کاملاً طهارت می‌کنند و پاکیزه‌اند، خداوندا! پاکی تو را بیان می‌کنم، و تو را ستایش می‌نمایم، و گواهی

این دعا را پس از اتمام وضو خوانده، آنگاه دو رکعت نماز «تحیة الوضو» بخواند.

چیزهایی که وضو را باطل می‌کنند:

- 1- هر چیزی که از مجرای دفع ادرار یا مقعد بیرون آید، وضو را باطل می‌کند.
 - 2- بیرون آمدن خون یا چرک از هر جای بدن و رسیدن آن به محلی که شستن آن محل لازم است.
 - 3- استفراغ زردآب، آب، خون منجمد به اندازه‌ی پری دهان.
 - 4- خفتن بر پشت، یا بر پهلو، یا تکیه زده به چیزی که اگر آن برداشته شود، بیفتد.
 - 5- دیوانگی
 - 6- مستی
 - 7- بیهوشی.
 - 8- خندیدن با صدای بلند در نمازی که دارای رکوع و سجده باشد.
 - 9- مباشرت فاحشه.
- تمام مواردی که ذکر شدند، وضو را باطل می‌کنند. اگر به مقدار پُرّی دهان، بلغم استفراغ کرد به طوری که اگر هم‌هی آنها جمع شوند، به اندازه پُرّی دهان می‌رسند، از نظر امام محمد:؛ در صورتی که تهوع یکی باشد، وضویش باطل می‌شود. از نظر امام ابویوسف:؛ اگر مجلس یکی باشد وضو باطل می‌شود.
- خواب در حال ایستادن یا نشستن بدون تکیه یا در حال رکوع و سجده‌ی مسنونه وضو را باطل نمی‌کند.

می‌دهم که بجز تو، دیگر معبودی «بحق» نیست، از تو طلب مغفرت می‌کنم، و در حضورت توبه می‌نمایم.

غسل

فرايض غسل:

- در غسل سه چیز فرض است:
- 1- شستن تمام بدن از سر تا پا.
 - 2- آب در دهان کردن.
 - 3- آب در بيني کردن.

سنتهاي غسل:

سنت در طريقيه ي غسل آن است که اول دستها را بشويد، سپس نجاست را از بدن خويش پاک کرده، وضو کند آنگاه تمام بدن را سه بار بشويد. چنانچه در محلي که غسل ميکند، آب غسل جمع ميشود، پاهاي خود را پس از اتمام غسل بشويد. مسأله:

رسانيدن آب در بن موهاي بافته شده، بر زنان فرض است. اما شکافتن آنها لزومي ندارد و مرد اگر موي بافته شده داشته باشد، شکافتن و شستن تمام موها از سر تا بن فرض است.

آنچه غسل را واجب ميکند:

- 1- جماع به هر صورت که باشد چه با زن يا با مرد (عمل نامشروع لواط) گرچه انزال مني نشود.
 - 2- هنگام انقطاع خون حيض و قاعدگي.
 - 3- هنگام انقطاع خون نفاس.
 - 4- احتلام.
- اگر کسي احتلام شد ولي مني بيرون نيامد و آثار مني هم مشاهده نگرديد، غسل بر او واجب نميشود.

حد اقل و حد اکثر مدت حیض:

حداقل مدت حیض سه روز و حداکثر آن ده روز است. حداکثر مدت نفاس چهل روز است و برای کمترین مدت نفاس حد معینی وجود ندارد، البته بستگی به عادت هر زن دارد.

در طی روزهای حیض و نفاس هرگونه خونی که مشاهده شود حیض یا نفاس شمرده می‌شود، به جز خون سفید خالص که نشانه‌ی پاک شدن است.

حداقل مدت پاک‌ی در یک ماه در میان دو حیض پانزده روز است آنچه از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر در حیض و از چهل روز بیشتر در نفاس، خون دیده شود، خون «استحاضه» (یک نوع بیماری است که بر اثر آن زن خونریزی می‌کند) محسوب می‌شود، که مانع از نماز، روزه و جماع نیست.

اگر زنی را بیش از عادت دائمی‌اش خون حیض ادامه یافت، تا ده روز حیض حساب می‌شود و آنچه اضافه بر عادت آمده باشد، استحاضه است.

زنی که برای اولین بار حائضه شده مدت حیض او در هر ماه ده روز و اضافه بر ده روز استحاضه به شمار می‌آید.

در طی مدت حیض و نفاس اگر اندک مدتی پاک‌ی یافت شود، تمام آن مدت حیض یا نفاس حساب می‌شود.

حکم حیض و نفاس:

نماز در حالت حیض و نفاس، به طور کلی ساقط می‌شود و قضای آن لازم نیست. ولی روزه دائماً ساقط نمی‌شود، بلکه قضای آن واجب است. در طی مدت حیض و نفاس هم‌خوابی حرام است اما در حالت استحاضه حرام نیست.

چنانچه قبل از تمام شدن ده روز خون حیض منقطع شد، تا زمانی زن غسل نکند، جماع حلال نیست. مگر این که از وقت انقطاع خون حیض تا حین جماع وقت يك نماز کامل بگذرد، آنگاه جماع رواست و پس از تمام شدن ده روز قبل از غسل هم جماع جایز است ولی بهتر آن است که بعد از غسل عمل جماع انجام گیرد.

مسأله:

در حالت حیض و نفاس و جنابت، خواندن قرآن، داخل شدن در مسجد، طواف خانه کعبه، مس قرآن کریم بدون پوش و غلاف، جایز نیست و شخص بی‌وضو هم نباید بدون پرده و غلاف به قرآن دست بزند.

بیان نجاست:

نجاست بر دو قسم است:

- 1- نجاست غلیظه.
- 2- نجاست خفیفه.

نجاست خفیفه:

نجاست خفیفه (سبک) مانند ادرار جانوران حلال گوشت، مدفوع پرندگان حرام گوشت.

نجاست غلیظه:

نجاست غلیظه (سنگین) مانند ادرار انسان (اگرچه بچه‌ی کوچک هم باشد) ادرار جانوران حرام گوشت، مدفوع چهارپایان، مشروب و منی. مدفوع پرندگان حلال گوشت، به جز مرغان خانگی و مرغابی پاک است.

حکم نجاست غلیظه:

حکم نجاست غلیظه آن است که مقدار يك درهم يعني به اندازه ي مساحت كف دست در صورت رقيق بودن¹، و در صورت غلظت و جرم دار بودن مقدار چهار و نیم عدد ماش² معاف است، و بیش از آن نجس و مانع نماز است.

اما در هر صورت اگر نجاستي به مقدار فوق با آب مخلوط شود آب را نجس مي‌کند.

پس خورده ي حيوانات:

باقیمانده ي غذاي گربه، و موش، و ديگر جانوران خانگي و پرندگان حرام گوشت مکروه است. باقیمانده ي غذاي حيوانات حرام گوشت مانند: خوک، سگ، و غيره نجس است.

باقیمانده ي غذاي انسان (گرچه کافر هم باشد) و باقیمانده ي چیزی که جانوران حلال گوشت و اسب از آن خورده اند، همچنين عرق جانوران مذکور و استر و الاغ پاک است.

مسأله:

قطرات و ذرات بسيار ریزه ادرار که روي پارچه یا لباس پاشیده و یا ریخته شوند، معاف است.

انواع آبها و حکم آن:

آبها بر دو قسم هستند:

1- آب مطلق خالص.

2- آب مقید و ناخالص.

آب مطلق به آبي گفته مي‌شود که طهارت با آن جایز است و بر شش نوع مي‌باشد:

1 - به مساحت شش سانتیمتر مربع.

2 - به وزن يك مثقال شرعي 86/4 گرام.

- 1- آب باران.
 - 2- آب دریا.
 - 3- آب نهر و جويها.
 - 4- آبي که از ذوب شدن برف و يخ به دست آيد.
 - 5- آب چشمهها.
 - 6- آب چاهها.
- آب مقيد يا مضاف به آبي گفته ميشود که طهارت با آن جايز نيست. مانند: انواع آب ميوهها، آب درختان و برگ آنها.
- در صورتي که با آب مطلق چيز پاكي مانند خاک، صابون، زعفران و غيره مخلوط شود و رقت و جريان آب را از بين ببرد، وضو با آن جايز نيست. مثلاً يك كيلو گلاب در يك كيلو آب يا دو كيلو گلاب در يك ليتر آب مخلوط شود، يا نام آب از آن دور شود، مانند آتش، شوربا، گلاب، سرکه و غيره در اين صورت هم وضو و غسل با چنين آبهاي صحيح نيست. ولي چنانچه پارچه يا ديگر چيز نجسي، با آبهاي فوق شسته شود، پاك ميشود.

آب جاري:

آب جاري و آب كثير از افتادن نجاست در آن، يا عبور آب بر نجاست در صورتي که رنگ، مزه، و بوي نجاست در آن ظاهر نشود، نجس نميشود.

مسأله:

اگر در نهر كوچك آب، سگ يا ديگر حيوان نجسي افتاده بود و آب از روي آن عبور ميكرد، يا متصل با ناودان ساختمان، شيء نجسي قرار داشت که آب بام ساختمان از روي آن عبور ميكرد، در صورتي که اكثر آب از روي حيوان نجس يا نجاست بگذرد، آب نجس ميشود وگرنه، پاك است.

آب راکد:

آب راکد اگر کثیر و بسیار باشد از وقوع نجاست در آن، نجس نمی‌شود و اگر قلیل باشد نجس می‌شود¹.

افتادن حیوان در چاه:

اگر جانوری در چاه افتاد و باد کرد و قطعه قطعه شد، باید تمام آب چاه کشیده شود و اگر باد نکرد و ریزه ریزه نشد، چنانچه جانور بزرگ است مانند شتر، گوسفند، انسان، گربه و امثالهم، تمام آب چاه را بکشند و اگر متوسط باشد مانند کبوتر، مرغ و غیره، چهل دلو تا شصت دلو آب کشیده شود و اگر کوچک است مانند گنجشک و امثاله بیست دلو تا سی دلو کشیده شود. سه گنجشک حکم یک کبوتر را دارد. والله اعلم.

مسأله:

منی اگر غلیظ و خشک باشد با مالیدن و خراشیدن پاک می‌شود و اگر تر باشد باید شسته شود. شمشیر، چاقو و هر آن چیزی که سفت و سخت باشد با مسح و مالیدن بر روی خاک و زمین پاک می‌شود. زمین، دیوار، آجر، خشت مفروش، اگر نجس شوند در صورتی خشک شوند و اثری از نجاست بر آنها باقی نماند، برای نماز پاک می‌شوند، اما برای تیمم پاک نیستند. درخت و گیاه غیر مقطوع و مقطوع با شستن پاک می‌شوند.

مسأله:

نجاستی که ظاهر و نمودار باشد باید شسته شود به طوری که عینش زایل شود، آنگاه پاک است و اگر

1 - چنانچه مساحت کل حوض یا مجتمع آب به مقدار 9/20 متر مربع برسد، آب آن کثیر است و اگر کمتر از آن باشد، قلیل است.

بعد از شستن، اثر آن باقی بماند مانند خون و غیره اشکالی ندارد.
نجاستی که ظاهر و نمودار نباشد، آن را سه تا هفت بار باید شست آنگاه پاک می‌شود. مدفوع حیوانات در صورتی که سوخته و خاکستر شود، پاک است. اگر حیوان نجسی در نم‌زار افتاد و نمک گردید، پاک است.
پوست حیوان نجس با رنگ کردن پاک می‌شود.

تیمم:

تیمم به جای وضو و غسل با شرایط زیر جایز است:

- 1- عدم دسترسی بر استفاده‌ی آب به سبب دوری آب به اندازه‌ی چهار هزار قدم.
 - 2- احساس ترس بیماری یا شدت آن بواسطه استفاده از آب.
 - 3- ترس از دشمن یا وجود حیوان درنده‌ای در محل آب.
 - 4- فراهم نشدن وسائل کشیدن آب از چاه یا وجود دیگر عذر موجه شرعی.
- تیمم بر آن چیزی جایز است که از جنس زمین بوده و پاک هم باشد. مانند خاک، ریگ، کلوخ، سنگ، گچ، آهک و غیره.

فرائض تیمم:

در تیمم سه چیز فرض است:

- 1- نیت کردن.
- 2- هر دو دست را بر زمین زدن و یکبار بر تمام صورت و چهره مالیدن.
- 3- هر دو دست را بر زمین زدن و دستها را تا آرنج مالیدن.

اگر مقدار يك ناخن يا کمتر از آن، از دست و صورت باقي بماند كه بر آن، دست مالیده نشده باشد، تیمم صحیح نیست. هنگام تیمم باید انگشتر و ساعت را بیرون آورد و انگشتان را خلال نمود.

مسأله:

تیمم قبل از وقت نماز هم جایز است و با يك تیمم هر چند نماز فرض و نفل بخواند، صحیح است.

مسأله:

اگر پس از تیمم بر آب توانایی حاصل کرد، تیممش باطل می‌شود. و اگر در وسط نماز، آب میسر شد، نمازی که با تیمم شروع کرده باطل می‌شود.

مسأله:

چنانچه بدن و لباس کسی نجس باشد و آب برای رفع نجاست میسر نشود و دیگر لباس پاکی هم به اندازه‌ی پوشیدن عورت نداشته باشد، خواندن نماز با همان نجاستها صحیح است.

کتاب الصلوة

نماز یکی از ارکان مهم و اساسی اسلام است، و بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، که پاک از حیض و نفاس باشد، فرض است.

مسأله:

هر نماز به محض رسیدن وقت آن، بر عهده‌ی انسان لازم می‌شود. اگر کافری مسلمان شد، یا کودکی بالغ گشت، یا دیوانه‌ای به هوش آمد و به مقدار گفتن تکبیر تحریمه از وقت آن نماز باقی بود، آن نماز بر وی فرض می‌شود. پس از قطع خون حیض و نفاس اگر وقت به مقدار غسل کردن و گفتن تکبیر تحریمه باقی باشد، آن نماز نیز بر وی فرض می‌شود.

اوقات نماز:

1- وقت نماز فجر از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب است.

2- وقت نماز ظهر از نظر امام اعظم:؛ بعد از زوال آفتاب است تا اینکه سایه‌ی هر چیز به اندازه‌ی دو برابر آن (بدون از سایه‌ی اصلی) برسد و از نظر صاحبین تا یک برابر آن.

3- وقت نماز عصر از پایان وقت ظهر (بر اساس دو نظر فوق) تا هنگام زرد شدن و کم نور شدن آفتاب است که از آن پس تا غروب کامل، وقت مکروه شروع می‌شود و هیچگونه نمازی در آن موقع صحیح نیست مگر عصر همان روز که با کراهت تحریمی ادا می‌شود.

4- وقت نماز مغرب از غروب آفتاب تا غروب شفق سرخ رنگ است و از نظر امام اعظم:؛ تا غروب شفق سفید. لیکن تأخیر آن تا وقتی که ستارگان نمایان و انبوه شوند، مکروه است.

5- وقت نماز عشاء پس از پایان وقت مغرب طبق هر دو نظریه، تا هنگام طلوع فجر است. نماز وتر بعد از عشاء خوانده می‌شود و وقتش نیز تا طلوع فجر امتداد دارد. البته تأخیر آن تا طلوع فجر مکروه تحریمی است.

تأخیر نماز ظهر در تابستان و تأخیر نماز عشاء تا ثلث اول شب خواندن نماز صبح پس از روشنائی کامل هوا، بطوری که با قرائت مسنون خوانده شود و در صورتی که فاسد شود، باز با قرائت مسنون ادای آن ممکن باشد، مستحب است.

ادای بقیه نمازها در اول وقت به نظر بنده بهتر است. اندکی تأخیر جهت شرکت مردم در جماعت اشکالی ندارد.

هنگام طلوع آفتاب و استواء شمس (قرار گرفتن خورشید بر نصف النهار هر منطقه) و غروب آفتاب جایز خواندن هیچ نمازی ادای سجده تلاوت و نماز جنازه نیست.

ادای نوافل بعد از طلوع صبح صادق به استثنای سنت فجر، و بعد نماز عصر تا غروب آفتاب و پیش از نماز مغرب هم مکروه است. البته قضای نماز در این اوقات جایز است.

مسأله:

گفتن اذان و اقامه برای ادا و قضای نمازها مسنون و روش آن معروف است. ترك اذان برای مسافر مکروه است و هر کس در خانه نماز می‌خواند اذان محله برایش کافی است.

شرایط نماز:

شرایط نماز بدین ترتیب می‌باشند:

1- پاک بودن بدن نمازگزار از نجاست حقیقی و حکمی آنگونه که شرح آن قبلاً بیان گردید.

2- پاك بودن لباس و مكان نماز.

3- استقبال قبله.

4- پوشاندن عورت.

عورت مرد از ناف تا زير زانو و عورت كنيز
نيز از ناف تا زير زانو، سينه و شكم و قسمت
پشت كنيز هم عورت است، و تمام بدن زن خانواده
عورت است مگر صورت و هر دو كف دست و هر دو مچ
و كفهاي پا كه به سبب ضرورت پوشاندن آنها
لزومي ندارد.

مسأله:

اگر يك چهارم عضوي از اعضاي عورت مرد يا زن
در نماز برهنه باشد، نماز فاسد مي‌شود. گيسوهاي
زن يك عضو مستقلي هستند و چنانچه يك چهارم آن
برهنه باشد نماز فاسد مي‌شود.

مسأله:

صداي زن عورت است و چنانچه زن با صداي بلند
در نماز قرائت بخواند نمازش باطل مي‌شود.

مسأله:

اگر كسي را پارچه و لباسي به مقدار پوشاندن
عورت ميسر نشود، نماز او برهنه جايز است.

مسأله:

اگر جهت قبله براي كسي معلوم نبود و نمي‌دانست
به کدام طرف نماز بخواند، بايد بينديشيد، سپس
طبق نظرش نماز بخواند، اگر بدون تفكر و اندیشه،
نماز را شروع كرد، نمازش صحيح نيست.

مسأله:

اگر شخصي به سبب ترس از دشمن يا بر اثر
بيماري، نمي‌تواند رو به جانب قبله كند، به هر
سو كه ممكن است نماز بخواند.

خواندن نماز نفل در صحرا و بیابان بر چهارپا، ماشین، موتور، به هر سمتی که در حرکت‌اند، جایز است، گرچه رو به جانب قبله هم نباشد.

نیت در نماز:

یکی از شرایط نماز نیت است. برای ادای نماز نفل، سنت و تراویح، نیت مطلق هم جایز است، ولی برای فرض و وتر، همزمان با تکبیر تحریمه باید نیت تعیین شود. بدین صورت که قطعاً بداند که نماز ظهر یا عصر را می‌خواند. مقتدی باید نیت اقتداً به پشت سر امام را بکند، اما نیت تعداد رکعات لازم نیست.

ارکان نماز:

فرائض داخل نماز عبارتند از:

تکبیر تحریمه

قعه اخیره

بعد از دو رکعت فجر و چهار رکعت ظهر، عصر، عشاء و بعد از سه رکعت مغرب و وتر و بعد از هر دو رکعت نفل، نشستن فرض است.

خواندن قرائت قرآن:

خواندن قرائت در دو رکعت از نمازهای پنجگانه و در هر سه رکعت وتر و در هر رکعت نفل فرض است.

قیام، رکوع، سجده:

رکوع، سجده و ایستادن در تمام رکعات، فرض است.

گذاشتن بيبي و پيشاني:

يکي از فرايض و ارکان نماز گذاشتن پيشاني و بيبي بر زمين است ولي بنابر ضرورت، اکتفا به يکي از آن دو هم جايز است.

مقدار قرائت:

خواندن حداقل يك آيه در نماز از نظر امام اعظم؛ فرض است و از نظر صاحبين خواندن سه آيه ي کوچک يا يك آيه ي بزرگ که به قدر سه آيه ي کوچک باشد، فرض است.

ترتيب در ارکان نماز:

ترتيب در ارکان نماز بدین گونه فرض است که: هر رکعي بايد در محل خود ادا گردد، مگر سجده ي دوم. يعني اگر در رکعتي يك سجده فراموش شد، نماز فاسد نمی شود و سجده ي فراموش شده را در رکعت دوم بايد قضا کرد، سپس سجده ي سهو جفا آورد. قعده ي اولي و خواندن تشهد در آن، نیز خواندن تشهد در قعده اخيره واجب است. به پايان رساندن نماز با جمله ي «السلام عليكم» هم واجب است.

واجبات نماز:

در نماز پانزده چيز واجب است:

- 1- قرائت فاتحه.
- 2- ضم سوره يا يك آيه ي طويله يا سه آيه ي کوچک با فاتحه در تمام رکعات نفل و وتر و در دو رکعت اول از فرايض.
- 3- خواندن قرائت در دو رکعت اول از نماز.
- 4- رعايت ترتيب در سجده.
- 5- ادای ارکان با اطمینان خاطر.

- 6- «قَوْمَه» (راست ایستادن بعد از رکوع).
- 7- «جَلْسَه» (درست نشستن میان هر دو سجده).
- 8- قعده ي اولي.
- 9- خواندن تشهد در قعده ي اولي.
- 10- بجا آوردن ارکان پشت سر هم و بدون تأخیر (پس اگر شخصی دوبار رکوع کرد یا سه سجده نمود یا بعد از تشهد اولي درود خواند، سجده ي سهو بر وي لازم مي‌شود).
- 11- خواندن تشهد در قعده ي اخيره.
- 12- قرائت با صدای بلند براي امام در دو رکعت فجر، و مغرب، و عشاء، و جمعه، و عیدین، و آهسته خواندن در ظهر، و عصر، و نوافل روز.
- 13- به پایان رساندن نماز با لفظ «السلام علیکم».
- 14- خواندن دعای قنوت در وتر.
- 15- تکبیرات عیدین.

فرق فرض و واجب:

فرق میان فرض و واجب این است که از ترك فرض، نماز باطل می‌شود و از ترك واجب در صورت فراموشی، سجده ي سهو لازم می‌شود و نماز صحیح است و اگر سجده ي سهو نکرد یا واجبی را عمداً ترك کرد برگرداندن نماز واجب است.

مسأله:

طریقه ي سجده ي سهو این است که بعد از سلام دو سجده کند و تشهد، درود و دعا بخواند و به هر دو جانب سلام گوید.

و اگر قبل از سلام سجده ي سهو کرد جایز است و اگر در يك نماز، واجبات متعددی سهواً ترك گردید، ادای یکبار سجده ي سهو کافی است.

مسبق به پیروی از امام، سجده‌ی سهو کند و اگر در بقیه‌ی نماز خود سهو رفت دوباره سجده‌ی سهو کند.

نماز با جماعت:

ادای نماز با جماعت سنت مؤکده (نزدیک به واجب) است اگر در حین خواندن سنتهای فجر که مؤکدترین سنتها هستند، احتمال فوت جماعت بود، سنتها را باید ترك کرد و در جماعت شريك شد.

مسأله:

چنانچه اهل محله‌ای ترك نماز با جماعت را پیشه کردند و با ارشاد و راهنمایی هدایت نشدند، طبق قوانین اسلامی با آنها باید جهاد نمود. ادای نماز با جماعت برای زنان گرچه امام زن باشد، مکروه است.

مستحق امامت:

شایسته‌تر برای امام شدن کسی است که به مسایل و احکام شرع از بقیه آگاه‌تر و داناتر باشد. بعد از آن، شخص قاری که از احکام فقهی هم اطلاع کامل داشته باشد.

برای فاسق مکروه است که امام جماعت شود.

اقتدای مرد قاری بالغ، به زن، کودک و أمّی (کسی که از قرآن هیچ بلد نیست) و اقتدای کسی که می‌خواهد نماز فرض بخواند پشت سر کسی که قصد خواندن نماز نفل را دارد، جایز نیست.

همچنین أمّی نمی‌تواند امام جماعت کسانی که از نظر قرائت چیزی بلد نیستند و کسانی که بلد هستند، بشود.

نماز کسانی که ایستاده نماز بخوانند پشت سر امامی که نشسته و نماز کسی که وضو دارد پشت سر کسی که تیمم کرده جایز است. نماز کسی که رکوع و سجده می‌کند پشت سر اشاره کننده جایز نیست.

مسأله:

اگر مقتدی يك نفر باشد در سمت راست و برابر با امام بایستد و اگر دو نفر یا بیشتر باشند، پشت سر امام بایستند.

ایستادن تنها بیرون از صف مکروه است و اگر مقتدی از امام مقدم باشد نمازش باطل می‌گردد.

تذکر:

نماز با جماعت ثواب بسیار دارد. چنان‌که حضرت انس π از پیامبر اکرم ρ روایت می‌کند، که آن حضرت ρ فرمودند: «نماز مرد در خانه اش يك ثواب دارد و نماز او در مسجد محله بیست و پنج ثواب دارد، و در مسجد جامع پانصد ثواب و در مسجد اقصی يك هزار ثواب دارد، و در مسجد من (یعنی مسجد نبوی) پنجاه هزار ثواب، و در مسجد الحرام یکصد هزار ثواب دارد».

پس باید کوشید تا همیشه نماز با جماعت خوانده شود.

چگونگی ادای نماز:

سنت در طریقه‌ی خواندن نماز بدین گونه است که: اولاً اذان داده شود، سپس اقامه شود وقتی اقامه کننده «حي علي الصلوة» می‌گوید: امام برخیزد و وقتی «قد قامت الصلوة» گفته می‌شود هر دو دست خویش را تا نرمه‌ی گوش بلند کند و تکبیر بگوید، و پس از تکبیر امام، مقتدی بلا درنگ تکبیر گوید

و دست راست را بر دست چپ زیر ناف بنهد و زن هر دو دست را تا دوش بلند کند و دستهاي خود را بالاي سينه ببندد، سپس امام و منفرد و مقتدي «سبحانَ اللهم» را آهسته بخوانند و مسبوق در قضاي ركعات گذشته اعوذ بالله و بسم الله را آهسته بخواند و مقتدي نخواند.

آنگاه امام و منفرد (كسي كه تنها نماز ميخواند) فاتحه بخوانند سپس امام و منفرد و مقتدي آمين را آهسته بگويند، آنگاه امام و منفرد با سوره ي فاتحه سوره ي ديگر ضم كنند.

سنت در قرائت:

سنت در قرائت آن است كه در حالت مقيم بودن و اطمينان خاطر، در نماز فجر و ظهر، «طوال مفصل» (از سوره ي حجرات تا سوره ي بروج) در نماز عصر و عشاء، «اوساط مفصل» (از سوره ي بروج تا سوره ي لم يكن) و در نماز مغرب قصار سوره ها (از لم يكن تا آخر قرآن) خوانده شود ولي بدين صورت هميشه لازم گرفتن و عمل كردن مسنون نيست. زيرا پيامبر اكرم ρ گاهي در نماز فجر «معوذتين» (هر دو قل أعوذ) ميخواندند، و گاهي در نماز مغرب سوره ي «طه» و سوره ي «النجم» و «المرسلت» را ميخواندند. پس اگر مقتديها فارغ و مشتاق هستند، خواندن قرائت طويل اشكالي ندارد.

چنانكه حضرت ابوبكر صديق τ در نماز فجر در يك ركعت سوره ي «بقره» را خواند و آن حضرت در دو ركعت مغرب سوره ي «اعراف» را خواندند و حضرت عثمان τ در يك ركعت اكثر سوره ي «يوسف» را ميخواند.

ولی با این وجود رعایت حال مقتدیان لازم است به خصوص در این زمان، تا مردم از جماعت متنفر نشوند.

حضرت معاذبن جبل τ يك شب در نماز عشاء سوره ي «بقره» خواند يك نفر از مقتدیان نزد پیامبر اکرم ρ شاکي شد، آن حضرت فرمودند: «اي معاذ! مگر تو مردم را در فتنه و معصیت می‌اندازی؟ سوره هاي مختصري همچون "سبح اسم" و "الشمس" و مانند آنها بخوان».

پیامبر اکرم ρ در نماز فجر روز «جمعه» سوره ي «الم سجده» و سوره ي «دهر» را می‌خواندند. پس سنت است که در نماز فجر روز جمعه گاهی این سوره ها هم خوانده شوند.

هنگامي که امام مشغول قرائت است باید ساکت و متوجه قرائت امام بود. در نوافل اگر آیات ترغیب و ترهیب، خوانده شوند، دعا، استغفار و پناه خواستن از دوزخ و درخواست بهشت سنت است. وقتی از قرائت فارغ شود، تکبیر گویان به رکوع رود و در رکوع هر زانوي خود را با هر دو دست محکم بگیرد و انگشتان را گشاده نگاه دارد و سر و پشت خود را با کمر برابر کند و به نسبت درنگ کردن در قیام، در رکوع درنگ نماید و «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»¹ گوید.

حد اقل سه بار تسبیح در رکوع سنت است و بیشتر هم اشکالی ندارد. اما رعایت عدد طاق کند یعنی هر چند بار می‌گوید، فرد گوید نه جفت. مقتدی بعد از امام به رکوع رود، زیرا جلو رفتن مقتدی از امام در تمام ارکان، حرام است.

1- پروردگار بزرگم پاک و منزّه است.

آنگاه امام سر را بلند کرده، «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»¹ گوید، و منفرد هم «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ»² گوید و از نظر صاحبین امام هر دو را گوید. سپس تکبیر گویان به سجده رود، بدین صورت که اول هر دو زانو را گذاشته سپس هر دو دست را سپس بینی و پیشانی را میان هر دو دستها قرار دهد و انگشتان دست را به هم چسبانده بسوی قبله قرار دهد. نیز انگشتان پاها را به طرف قبله متوجه سازد.

مرد در حالت سجده بازوها را از پهلو، شکم را از ران و ساق، و ذراع دست را از زمین دور نگه دارد و زن در سجده این همه اعضا را به هم بچسباند و به نسبت قیام و رکوع، سجده کند و تسبیح سجده را طاق بخواند و حداقل سه بار تسبیح سنت است. در خواندن تسبیح عجله نکند بلکه با آهستگی و اطمینان بخواند. سپس تکبیر گویان سر را از سجده بلند کرده با اطمینان بنشینند و در نوافل این دعا را بخواند.

»
«³.

آنگاه تکبیر گویان بلند شود، بدین صورت که اولاً سر خویش را از سجده بردارد و سپس هر دو دست و بعد زانوها را برداشته و به طور مستقیم بایستد و رکعت دوم را مانند رکعت اول ادا کند. البته در رکعت دوم، ثناً و تعوذ نیست.

1- الله شنید و قبول کرد ستایش کسی را که او را ستایش نمود.

2- پروردگارا! حمد و ستایش از آن توست.

3- بار الها! مرا ببخش. به من رحم کن، مرا هدایت کن، کوتاهی‌های مرا جبران کن، و به من عافیت و رزق عطا کن، و مقامم را رفیع گردان.

هنگامي که رکعت دوم تمام شود، پاي چپ را پهن کند روي بنشینند و پاي راست را قائم کرده انگشتان هر دو پا را به سوي قبله متوجه سازد و هر دو دست را بر هر دو ران گذاشته دو انگشت «خنصر» و «بنصر» از دست راست را گره کند و يا انگشت وسطی و ابهام را حلقه نماید و انگشت شهادت را گشاده نگه دارد و تشهد بخواند. هنگام گفتن کلمه شهادت با انگشت شهادت اشاره کند. انگشتان هر دو دست راست را به طرف قبله متوجه کند و در قعده ي اولي فقط تشهد بخواند بعد از آن، تکبیر گویان به سوي رکعت سوم برخیزد و در رکعت سوم و چهارم فقط سوره ي فاتحه با «بسم الله» را آهسته بخواند هنگامی که از رکعت چهارم فارغ شود، قعده ي اخيره را مانند قعده ي اولي به جا آورد و بعد از خواندن تشهد، درود بخواند سپس مانند دعاهایی که در قرآن و ادعیه ي مأثوره، منقولاند، دعا کند بخصوص این دعا را همیشه ورد زبان سازد:

»

«¹.

آنگاه سلام گوید و به نمازش خاتمه دهد. زن در هر دو قعده بر نشیمنگاه چپ خود بنشیند و هر دو پا را از جانب راست بیرون آورد. چون سلام يك نوع دعا هست لذا کسی که تنها نماز میخواند سلام خویش ملائکه را نیت کند و امام در سلام خود، ملائکه و مقتدیان آن سو را نیت کند و

1- الهی! من از عذاب قبر، و از فتنه ی مسیح دجال، و فتنه ی زندگی و مرگ به تو پناه می برم. بار الها! من از گناه و زیان، به تو پناه می آورم.

مقتدي در سلام خود، ملائکه و امام و آنهایی را که در طرف او قرار دارند، نیت کند. کسی که نماز میخواند سعی کند همیشه نماز را با خشوع و خضوع تمام ادا کند. عجله نکند و در حین قیام، نگاهش بر محل سجده باشد و به جز جای سجده، جای دیگر را نگاه نکند.

تسبیحات فاطمی:

پس از سلام يك بار آية الكرسي را با تسبیحات فاطمی (تسبیحاتی که حضرت رسول به فاطمه زهرا رضي الله عنها تعلیم دادند) بدین گونه بخواند:

«سبحان الله» سي و سه بار؛

«الحمد لله» سي و سه بار؛

«الله اكبر» سي چهار بار؛

«¹»

»

يكبار

پیش آمدن حَدَث در نماز:

اگر کسی را حَدَثی (چیزی که باطل کننده وضو باشد) در نماز پیش آید، از نماز خارج شود، بدون اینکه حرفی بزند یا کاری انجام دهد، وضو گرفته فوراً به محلی که اول نماز میخوانده، برگردد و بر همان نماز بنا کند (یعنی باقیمانده نماز را بخواند) و در صورتی که تنها نماز میخواند، برگرداندن نماز بهتر است.

1- بجز الله یگانه، دیگر معبودی نیست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته اوست، و او بر هر چیز تواناست.

و اگر امام باشد، هنگام خروج از نماز براي خود جانشيني تعيين کند و وضو گرفته، برگردد با مقتديها بایستد.

اگر مقتدي را حدثي پيش آمد، برود وضو بگیرد و به مکان اول خود باز گردد و هر چند رکعت که امام خوانده است، بدون قرائت ادا نماید سپس با امام شريك شود و اگر امام از نماز فارغ شده بود، مقتدي اختيار دارد که به مکان اول خود برگردد يا همان جايي که وضو گرفته بقيه نماز را تمام کند. چنانچه کسی عمداً خود را در نماز بيوضو کرد، نمازش فاسد مي‌شود.

اگر کسی در نماز ديوانه يا احتلام شد، يا با صدای بلند خندید، نجاستي که مانع نماز است بر وي افتاد، يا زحمي به وي رسيد يا به گمان بيوضو شدن از مسجد بيرون رفت، يا بيرون از مسجد از حد صفوف بيرون آمد، سپس معلوم شد که بيوضو نشده و اين ظن محض بوده، در تمام اين صورتها نماز فاسد مي‌شود و بايد نماز را اعاده بکند. و چنانچه از مسجد يا محوطه صفها بيرون نرفت، مي‌تواند بر همان نماز بنا کند.

اگر بعد از تشهد حَدَث پيش آمد، برود وضو بگیرد و برگردد سلام بدهد.

اگر بعد از تشهد عمداً خود را بيوضو ساخت از نظر امام اعظم:؛ فرضيت آن نماز از وي ساقط مي‌شود و نمازش ادا شده است.

مسائل معروف دوازده‌گانه:

- 1- اگر بعد از تشهد و قبل از سلام، تیمم کننده‌اي بر استفاده از آب توانايي حاصل کرد؛
- 2- يا کسی که قرائت ياد نداشت، سوره‌اي را آموخت؛

- 3- يا به برهنه‌اي كه نماز را در حالت برهنه‌گي مي‌خواند، پارچه‌اي رسيد؛
 - 4- يا اشاره كننده‌اي بر ركوع و سجده توانايي حاصل كرد؛
 - 5- يا مدت مسح موزه‌ها تمام شد؛
 - 6- يا موزه‌ها را از طريق انجام عمل كم از پا بيرون كشيد؛
 - 7- يا صاحب ترتيبي نماز فوت شده‌اي به يادش آمد؛
 - 8- يا شخص قاري كسي را كه نمي‌داند چه بخواند (أمي) جانشين خويش تعيين نمود؛
 - 9- يا آفتاب در نماز فجر طلوع كرد؛
 - 10- يا وقت ظهر نماز جمعه به پايان رسيد؛
 - 11- يا صاحب‌العذر از معذوريت خويش رهايي يافت؛
 - 12- يا باند زخم بر اثر بهبودي زخم افتاد؛
- در تمام صورتهاي بيان شده از نظر امام اعظم؛ نماز باطل مي‌شود، زيرا بيرون آمدن از نماز بايد با عمل شخص نمازگزار باشد. و از نظر صاحبين باطل نمي‌شود.

مسأله:

اگر كسي در حالت ركوع يا سجده بي‌وضو شد و خواست بر همان نماز بنا كند، ركوع و سجده‌اي را كه در آن بي‌وضو گرديده، اعاده نمايد و اگر در حالت ركوع يا سجده، به يادش آمد كه يك سجده از ركعت اول ترك گرديده يا سجده تلاوتي فوت شده، سجده فراموش شده را قضاء كند ولي اعاده اين سجده هم مستحب است.

اگر امام داراي يك مقتدي باشد و امام بي‌وضو شود همان مقتدي خود به خود قائم مقام امام تعيين مي‌شود و اگر مقتدي زن يا كودك باشد نماز امام و مقتدي هر دو باطل مي‌شود.

و طبق يك روايت از مذهب، در صورتی که امام، آن زن یا کودک را رسماً جانشین خویش تعیین نکند، نماز امام فاسد نمی‌شود.

مسأله:

اگر امام در خواندن قرائت گیر کرد و نتوانست به قرائتش ادامه دهد، در صورتی که به مقدار صحیح شدن نماز، خوانده بود، بلافاصله به رکوع برود.

مسأله:

مقتدی امام را در هر رکعتی از ارکان نماز یافت، در انجام آن رکن تأخیر نکند بلکه با همان حال اقتدا کند و تابع امام شود.

در صورتی که رکوع يك رکعت را یافت، يك رکعت کامل را یافته و اگر رکوع را نیافت آن رکعت فوت گردیده است.

پس از اینکه امام نماز را به پایان رساند، مسبوق برخیزد و مقتدی نمازی که از او فوت گردیده، بدین صورت بخواند که به اعتبار قرائت، اول نماز را در نظر بگیرد و به اعتبار قعددهي تشهد، آخر نماز را.

مسأله:

اگر کسی بعد از دو رکعت در قعددهي اولی نشست و به طرف رکعت سوم بلند شد، در صورتی که به سوی قعدده نزدیک‌تر است برگردد، بنشیند و تشهد بخواند و سجده‌ي سهو لازم نیست. و اگر به سوی قیام نزدیک‌تر است، برای قعدده برگردد و برای جبران آن، سجده‌ي سهو ادا کند.

اگر بعد از چهار رکعت روی قعددهي اخیره نشست و به طرف رکعت پنجم بلند شد تا زمانی که برای رکعت پنجم سجده نکرده برگردد به سوی قعدده اخیره و تشهد بخواند و به محض اینکه برای رکعت

پنجم سجده کرد، فرض او باطل می‌شود و يك رکعت دیگر بخواند تا همگی نفل حساب شوند و فرض را دوباره برگرداند.

طریقه‌ي قضاي نمازهاي فوت شده :

براي قضاي نمازهاي فوت شده بهتر است مانند بقيه‌ي نمازها اذان و اقامه گفته شود و در صورتی که با جماعت قضا آورده شود، در نمازهاي جهري، جهر خواندن قرائت لازم است و اگر به صورت انفرادي می‌خواند قرائت آهسته خوانده شود.

ترتیب در نمازها :

ترتیب در میان نمازهاي فوت شده و نمازهاي حال حاضر که می‌خواهد بخواند، فرض است. پس اگر در حالی که نماز می‌خواند نماز فوت شده‌اي به یادش هست نماز وقتیه فاسد می‌شود. آنگاه اگر فائته را قضا کرد قبل از اینکه دومین نماز وقتیه را ادا کند، فرضیت نماز وقتیه اولی باطل می‌شود و اگر قبل از قضا نمودن نماز فائته، پنج نماز وقتیه ادا کرد، همه‌ي آن وقتیات فاسد می‌شوند البته فسادشان موقوف است. آنگاه اگر بعد از آن، وقتیه‌ي ششم را پیش از ادا کردن فائته ادا کرد همه وقتیات صحیح می‌شوند.

مسأله :

اگر کسی نماز عشا را به فراموشی در حالت بی‌وضوئی ادا کرد سپس برای خواندن سنتها و نماز وتر وضو گرفت، در این صورت طبق قول امام اعظم :؛ فقط فرض را با سنتها برگرداند، اعاده‌ي وتر لازم نیست. بر خلاف نظر صاحبین که می‌گویند: اعاده‌ي وتر هم لازم است و احتیاط در قول صاحبین است.

مسأله:

ترتیب بین نمازهاي فائته و وقتيات با سه چیز ساقط می‌شود.

یکي- به سبب تنگي وقت؛

دوم- به فراموشي؛

سوم- هنگامي که بر ذمه‌ي او شش نماز فائته‌ي جدید یا قدیم باشد.

پس هر گاه فوائت را ادا کند، ترتیب دوباره برگشت می‌کند و اگر شش نماز فوت شده را قضا نکرد بلکه بعضي را قضا نمود، طبق قول مفتي به ترتیب دوباره عود نمی‌کند، تا زمانی که مجموع شش نماز را قضا نکند.

آنچه نماز را فاسد می‌کند:

سخن (گرچه سهواً یا در حال خواب در نماز باشد) نماز را فاسد می‌کند.

همچنین درخواست چیزی که طلب آن از مردم ممکن باشد (مثل اینکه بگوید: خدایا به من زن، منزل یا فلان شیء را بده و امثال اینها) موجب فساد نماز می‌گردد.

نیز ناله کردن، اوه، اف گفتن، گریستن با صدای بلند بر اثر درد مصیبت (نه از یاد دوزخ و عذاب خدا و نعمتهای بهشت).

بدون عذر تنجیح کردن (گلو صاف کردن و صدا در آوردن از سینه).

جواب عطسه گفتن یا جواب خیر دهنده را با «الحمد لله» و «إنا لله..» گفتن.

یا جواب خیر تعجب‌آور را با «سبحان الله» یا «لاحول و لا قوة» گفتن.

خلاصه: هر کلام یا سخنی که ربطی با نماز نداشته باشد، نماز را فاسد می‌کند. همچنین خوردن،

آشامیدن، خواندن قرآن کریم از روی متن آن و انجام عمل زیاد نماز را فاسد می‌کند. عمل زیاد آن است که بیننده تصور کند وی در حال خواندن نماز نیست. اگر کسی روی نجاست سجده کرد نمازش فاسد می‌شود.

غذایی که در لای دندانها وجود دارد اگر با زبان بیرون آورد و بخورد در صورتی که کمتر از یک نخود باشد نمازش فاسد نمی‌شود و اگر مقدار یک نخود یا اضافه بر آن باشد نمازش فاسد می‌شود.

اگر به نوشته‌ای نگاه کرد و مفهومش را فهمید نمازش فاسد نمی‌شود و اگر با زبان تلفظ کرد نمازش فاسد می‌گردد.

اگر بر روی زمین یا مکان مرتفعی نماز می‌گزارد و کسی از جلو عبور کرد نمازش فاسد نمی‌شود ولو اینکه عابر حیوان یا زن باشد.

اگر عابر شخص عاقل و بالغی باشد، گنهکار می‌گردد و نباید عبور نماید، مگر اینکه شخص نمازگزار در چنین مکان بلندی نماز بخواند که سر عابر به موازات پاهای آن شخص هم قرار نگیرد در چنین حالی عبور اشکالی ندارد.

مسأله:

برای کسی که در محل عبور عابری نماز می‌گزارد، مستحب است در مقابل ابروی راست یا چپ خود شتره‌ای به طول حدود نیم متر و ضخامت یک انگشت عموداً قائم کند و اگر شتره‌ای وجود نداشت و کسی از جلوی عبور کرد با تسبیح یا اشاره وی را دفع کند.

مسأله:

اگر روی پارچه‌ای نماز خواند و آن پارچه آستر دار و یا دولایه بود و آستر یا لایه‌ی دوم آن نجس بود در صورتی که آستر و آن لایه با پارچه کلاً دوخته

و متصل باشد نماز فاسد می‌گردد و اگر دوخته نیست و پیوست کلی ندارد، نماز فاسد نمی‌شود. اگر روی پارچه ای نماز می‌خواند که یک طرف آن نجس و طرف دیگر پاک است، نماز صحیح است خواه از حرکت دادن یک طرف، طرف دیگر هم متحرک شود یا خیر.

آنچه در نماز مکروه است:

- 1- بازی کردن در نماز با لباس یا بدن خویش در صورتی که منجر به عمل کثیر نشود. اگر عمل کثیر بیانجامد نماز فاسد می‌گردد.
- 2- دفع سنگریزه‌ها یا هموار نمودن آنها از محل سجده در صورتی که سجده به راحتی انجام پذیرد. و اگر ادای سجده با مشقت باشد، یک یا دوبار بطوری که امکان سجده باشد، محل سجده را صاف کند.
- 3- بازی کردن با انگشتان و به صدا در آوردن آنها و دست نهادن بر تهی‌گاه خود و به طرف راست و چپ خود نگاه کردن. و اگر در حالت نگاه کردن سینه‌اش از قبله منحرف شود نماز فاسد می‌شود.
- 4- همیشه با لباسها متوجه و مشغول بودن و جمع نمودن آنها از هر سو تا خاک آلود نشوند، انداختن دستمال روی سر و دوش که دو طرف آن آویزان باشد.
- 5- خمیازه، سرفه و تمطی (تکان دادن و بجرکت در آوردن بدن جهت رفع خستگی) بدون عذر.
- 6- بستن چشمها در نماز (بلکه نظر سجده کننده بر محل سجده قرار داشته باشد) و جمع کردن موها بر بالای سر (بلکه سنت است که موها را در نماز به صورت آویزان بگذارد تا آنها هم به حالت سجده درآیند).

- 7- ادای نماز در لباسی که مخصوص کار است، یا لباس خواب، یا با زیر پیراهنی و سر برهنه.
- خواندن نماز در محلی که تصویر جاندار در آن محل وجود داشته باشد، یا در لباسی که تصویردار باشد.
- 8- شمردن تسبیحات و آیة‌ها با دست خویش.
- 9- ایستادن امام در داخل محراب یا در محل مرتفعی که مردم پایین‌تر از او باشند.
- 10- تنها ایستادن بیرون از صف در صورتی که داخل صف جای خالی باشد.
- و اگر جای نبود يك نفر را از داخل صف بیرون آورده، با هم بایستند.
- مسأله:
- کشتن مار، کژدم در داخل نماز در صورت احساس خطر اشکالی ندارد ولو اینکه منجر به عمل کثیر شود.

بیان حکم مریض:

بیمار اگر توانایی ایستادن برای ادای نماز را ندارد یا خطر شدت مرض وجود دارد، بنشیند و با رکوع و سجده نماز گزارد، و اگر توانایی رکوع و سجده ندارد ولی توانایی ایستادن را دارد، بنشیند و برای رکوع و سجده اشاره کند و اشاره‌ی خود را برای سجده اندکی از اشاره‌ی رکوع پایین‌تر نماید، و اگر ایستاد و با اشاره نماز خواند نیز جایز است، و اگر توانایی نشستن و اشاره کردن ندارد، بر پشت بخوابد و هر دو پاها را به سوی قبله دراز کند و با سر خویش اشاره کند، و اگر بدین گونه هم توانایی ادای نماز را ندارد، نماز از وی ساقط می‌شود، و اگر در میان نماز بیماری شدت یافت یا در حال ادای

نماز مريض شد، به هر نحوي که ممکن باشد نماز را به پايان برساند.
مسأله:

اگر مريض در حالت نشستن با رکوع و سجده نماز ميخواند و در ميان نماز بر ايستادن توانايي حاصل کرد، بایستد و نماز را به پايان برساند، و از نظر امام محمد:؛ نماز را از نو آغاز کند، و اگر با اشاره نماز ميخواند و در ميان نماز بر رکوع و سجده توانايي حاصل کرد به اتفاق همه، نماز را از اول آغاز کند.
مسأله:

اگر کسي به مدت يك شبانه روز ديوانه يا بيهوش شد، نمازهاي فوت شده را بعد از سالم شدن قضا آورد و اگر از يك شبانه روز بيشتر بيهوش يا ديوانه شد، قضاي نمازهاي فوت شده لازم نيست.

احکام سفر:

کسي که از منتهاي آبادي محلهي خویش به مسافت سه مرحله¹ عزم سفر کند، مسافر است و نمازهاي چهار رکعتي را قصر و دو رکعت بخواند، و اگر قصر نکرد و چهار رکعت کامل خواند و پس از دو رکعت اول قعه نمود، نمازش صحيح است و دو رکعت ديگر نفل حساب ميشوند اما به علت سرپيچي از دستور خداوند متعال گنهکار ميشود. و اگر بعد از دو رکعت قعه نکرد، نماز فرضي اش باطل ميشود و هر چهار رکعت نفل حساب ميشوند و براي ترك واجب سجدهي سهو لازم ميشود.

1 - تقريباً 78 كيلومتر (13 فرسخ) م.

آغاز و پایان حکم سفر:

از زمان شروع سفر تا حين برگشت و ورود به وطن، حکم سفر همچنان باقی است و آخرین نقطه‌ي پایان حکم سفر همان شروع آبادیهاي شهر یا محله است. اگر در شهر یا محله‌اي به مدت پانزده روز یا بیش از آن، نیت اقامت نمود، حکم سفر نقض و مقیم می‌گردد. نیت اقامت در بیابان، دشت و کوه اعتباری ندارد.

کسانی که همیشه صحرانورد و بیابان‌نشین هستند و در جای خاصی مقیم نیستند، همیشه باید نماز مقیمی بخوانند، مگر زمانی که قصد مسافرت به مکانی به مسافت 78 کیلومتر را بنمایند آنگاه حکم مسافر را دارند. مسافر اگر در داخل وقت نماز، به مقیمی اقتدا کرد، چهار رکعت بخواند و خارج از وقت (یعنی در صورت قضا) اقتدای مسافر به مقیم صحیح نیست. مقیم می‌تواند پشت سر مسافر اقتدا کند چه در وقت و چه خارج از وقت، اما مسافر دو رکعت خویش را خوانده سلام بدهد و مقیم بلند شود چهار رکعت خود را تمام کند.

اقسام وطن:

وطن بر دو قسم است:

«وطن اصلی» و «وطن اقامه» وطن اصلی به محل تولد و زادگاه، و محل متأهل شدن می‌گویند، و وطن اقامه به محلی گفته می‌شود که: مسافر در آن محل، نیت اقامت 15 روز یا بیش از آن را بکند و به آن، «وطن سفر» هم می‌گویند. وطن اصلی با وطن اصلی باطل می‌شود و با سفر و وطن اقامه باطل نمی‌شود، و وطن اقامه با وطن اقامه و وطن اصلی و وطن سفر باطل می‌شود.

قضای نماز در سفر:

نمازي که در حال مقيمي فوت شده و در سفر ميخواهد قضا کند، چهار رکعت بخواند و نمازي که در سفر فوت گرديده همان حکم نمازهاي سفر را دارد يعني دو رکعت بخواند.

سفر معصيت:

سفر معصيت (سفري که براي انجام گناهي بيانجامد مانند قتل، دزدي، زنا، ...) از نظر امام اعظم ؛ و فقه حنفي حکم سفر در آن جاري ميشود و آن شخص شرعاً مسافر است.

نماز جمعه

شرایط نماز جمعه:

براي صحت ادای نماز جمعه و ساقط شدن فرض ظهر، از ذمه ي انسان، شش شرط وجود دارد:

شرط اول: مصر، يعني شهري که داراي حاکم و قاضي باشد¹، يا فنای مصر². پس در روستاها و قريه هايي که واجد شرایط لازم نباشند، طبق مذهب حنفي اقامه ي نماز جمعه در آنها جایز نيست.

شرط دوم: حضور سلطان (وجود پادشاه، رئيس جمهور وقت، در مملکت) يا نماينده ي او.

شرط سوم: وقت ظهر.

- 1 - تعريف واضحتر اين است که داراي خيابان، کوچه، مغازه به صورت بازار در دو طرف خيابان باشد و اکثر مايحتاج مردم از آنجا تأمين شود. م
- 2 - فنای مصر آن است که براي مصالح شهر مهيا ميشود مانند ايستگاه اتوبوس، فرودگاه، محل استقرار پادگان ارتش و غيره، براي فنای مصر حد معيني نيست با بزرگي و کوچکي شهر متفاوت است. م

شرط چهارم: خواندن خطبه.
 شرط پنجم: جماعت که حداقل آن سه نفر است.
 شرط ششم: اذن عام (يعني براي همهي مردم اجازهي ورود به مسجد جهت اقامه‌ي نماز باشد، و هر کس بخواهد بيايد مانعي نباشد).

خطبه‌ي نماز جمعه:

بر حسب قول و نظر صاحبين لازم است که خطبه مشتمل بر ذکر طويل داراي حمد و صلاة و تلاوت آيه‌هاي از قرآن کریم و توصيه‌ي مسلمانان، و استغفار و دعا براي خود و اهل اسلام باشد. و از نظر امام اعظم:؛ خواندن يك تسبيح هم کفايت مي‌کند ولي مکروه است و عمل بر قول صاحبين است.

مسأله:

اگر در ميان نماز همهي مردم فرار کردند و تعداد لازم براي جماعت باقي نماند، نماز جمعه امام و بقيه فاسد مي‌شود و دوباره بايد نماز ظهر را بخواند.

مسأله:

نماز جمعه بر کودک، برده (غلام)، مسافر، بيمار و نابينا واجب نيست و اگر غلام، بيمار، مسافر، نابينا در نماز جمعه شرکت کنند جايز است و نماز ظهر از آنها ساقط مي‌گردد.

مسأله:

امام شدن غلام، بيمار، مسافر در نماز جمعه صحيح است، و اگر گروهی از مسافرين، در شهر نماز جمعه اقامه کنند و در ميان آنها هيچ فرد مقيمي وجود نداشته باشد، نماز آنها جايز و بلاشکال است.

مسأله:

کسي که از محدوده‌ي شهر خارج است و اذان را ميشنود نماز جمعه بر وي فرض و لازم است.

مسأله:

کسي که معذور نباشد و قبل از ادای نماز جمعه، تنها در خانه اش نماز ظهر را ادا کند، ظهر او ادا می‌گردد اما با کراهت تحریمی، آنگاه اگر برای نماز جمعه حرکت کرد و امام هنوز از نماز فارغ نشده بود به محض حرکت وي ظهرش باطل می‌گردد. پس اگر نماز را دریافت فبها، و گرنه نماز ظهر را دوباره بخواند، و از نظر صاحبین اگر جمعه را نیافت ظهرش به محض حرکت باطل نمی‌شود.

مسأله:

کسي که امام را در تشهد نماز جمعه یا در سجده‌ي سهو دریافت و به او اقتدا نمود بعد از سلام امام با همان تحریمه نماز جمعه بخواند.

مسأله:

هنگامي که اذان اول نماز جمعه گفته شد: رفتن به سوي مسجد واجب است و بجز آمادگي براي نماز، انجام هر نوع کار دنيوي حرام می‌گردد. وقتي امام براي خواندن خطبه برخيزد، حرف زدن، نماز خواندن، زماني که از خطبه فارغ نشده ممنوع است (زیرا خطبه به منزله‌ي نماز است و باید سکوت کامل را اختیار نمود، و به خطبه گوش داد) و چون امام بر منبر بنشینند، اذان دوم، رو به روي او گفته شود و مردم به سوي او متوجه شوند.

مسأله:

در نماز جمعه سنت است که سوره‌ي «جمعه» و «منافقون» و به روایتي «سبح اسم» و «هل أتى» خوانده شوند.

مسأله:

در يك شهر خواندن نماز جمعه در مواضع متعدد جایز است (اما بهتر آن است که در هر شهر در يك

مکان، نماز جمعه خوانده شود زیرا هم ثواب بیشتر دارد و هم وحدت و شکوه مذهبي و سياسي مسلمانان حفظ مي‌شود).

بيان نمازهاي واجب غير از نمازهاي پنجگانه:

جز نمازهاي پنجگانه طبق مذهب امام اعظم:؛، نماز وتر و نماز عيدالفطر و عيد اضحي هم واجب هستند. نماز وتر سه رکعت است با يك سلام که در هر رکعت فاتحه و سوره خوانده شود، و پس از قرائت و قبل از رکوع، در رکعت سوم، دعاي «قنوت» خوانده مي‌شود، و اين دعا هميشه بايد خوانده شود. مستحب است که در رکعت سوم سوره ي «اخلاص» خوانده شود.

شرایط وجوب و ادای نماز عيد مانند شرایط نماز جمعه است مگر اینکه در عيد خطبه واجب نيست بلکه سنت است که بعد از نماز عيد دو خطبه خوانده شود که مناسب آن عيد، احکام صدقة الفطر، اضحيه، و تکبيرات تشریق بيان شوند. مسأله:

در روز عيد فطر سنت است که قبل از بيرون شدن به سوي عيدگاه، چيزي بخورد و صدقه ي فطر ادا کند و غسل نمايد، مسواک بزند و بهترين لباس را بپوشد و از عطر استفاده کند، سپس تکبير گويان به طرف عيدگاه حرکت کند و آهسته تکبير بگويد. وقت اقامه ي نماز عيد بعد از بالا آمدن آفتاب به حدي که ضعف و کم نوري آن از بين برود تا قبل از زوال شرعي، مي‌باشد.

روش خواندن نماز عيد:

بدین طريق نماز بخواند: بعد از تکبير تحریمه در رکعت اول سه تکبير زوايد بگويد، و با هر تکبير

دستها را بلند کرده، بعد از تکبیرات و ثناء، قرائت خوانده، رکوع و سجده کند، و در رکعت دوم بعد از قرائت و قبل از رکوع سه تکبیر زواید دیگر بگوید، و با هر تکبیر دستها را بلند کند، سپس با تکبیر چهارم رکوع کند و این شش تکبیر در نماز عید واجب هستند و به آنها «تکبیرات زواید» می‌گویند.

اگر کسی با امام نماز عید را نیافت، قضا لازم نیست. و اگر به موجب عذری نماز عید در روز اول از امام و مقتدیها فوت گردید، نماز عید فطر را روز دوم با جماعت و عید اضحی را تا روز سوم می‌توانند ادا کنند.

طریقه‌ی ادای نماز عید اضحی مانند عید الفطر است، مگر در عید اضحی مستحب است که قبل از نماز چیزی نخورد بلکه بعد از نماز، از اضحیه‌ی خویش بخورد و قربانی کردن قبل از نماز برای کسانی که در محل آنها نماز عید خوانده می‌شود جایز نیست. در مسیر راه به سوی عیدگاه تکبیرات با صدای بلند گفته شوند.

تکبیر تشریق:

در محلی که نماز جمعه و عید خوانده می‌شوند بعد از نماز صبح روز عرفه تا عصر روز سیزدهم طبق نظر صاحبین و تا عصر روز عید طبق نظر امام ابو حنیفه؛ تکبیرات تشریق خوانده شوند، و قول مفتی به، قول صاحبین است. و تکبیر تشریق، یکبار با صدای بلند خوانده شود، تکبیر تشریق این است: «الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر، والله الحمد»

و اگر امام تکبیر تشریق را ترك کرد مقتدیها باید بخوانند.

سنن و نوافل:

خواندن دو رکعت قبل از نماز فجر و چهار رکعت قبل از جمعه و طبق نظر امام ابو یوسف؛ شش رکعت و چهار رکعت بعد از جمعه و بعد از مغرب دو رکعت و بعد از عشاء هم دو رکعت خوانده شود. ادای چهار رکعت بعد از نماز ظهر با دو سلام و قبل از نماز عصر دو رکعت یا چهار رکعت و بعد از مغرب چهار رکعت، مستحب است، و بعد از عشاء هم چهار رکعت و بعد از وتر دو رکعت خواندن مستحب است. در رکعت اول سوره ي «زلزال» و در رکعت دوم سوره ي «کافرون» بخواند.

نماز تهجد:

نماز تهجد سنت مؤکده است پیامبر اکرم μ هیچگاه آن را ترك نفرمودند، و اگر گاهی فوت گردیده، دوازده رکعت در همان روز قضاء آورده اند. نماز تهجد از چهار رکعت کمتر و از دوازده رکعت بیشتر ثابت نیست، و مقدار متوسط آن هشت رکعت است. پیامبر بزرگوار نماز وتر را بعد از تهجد، یعنی آخر شب میخواندند، و سنت هم همین است که هر کس بر بیدار شدن خویش اعتماد دارد، نماز وتر را تا آخر شب تأخیر کند، و اگر اعتماد ندارد قبل از خوابیدن بخواند.

پیامبر اکرم μ نماز تهجد را گاهی چهار رکعت، و گاهی هشت رکعت، گاهی ده رکعت، و گاهی دوازده رکعت میخواندند. گاهی همه را با يك سلام، و گاهی دو رکعت با يك سلام، گاهی چهار رکعت با يك سلام، و گاهی هر دو رکعت را با وضو و مسواک جدید میخواندند. همه ي این روشها جایز و صحیح اند.

از نظر قرائت گاهي در چهار رکعت، در رکعت اول سوره ي بقره و دوم آل عمران، و در سوم نساء و در چهارم سوره ي مائده را ميخواندند. در رکوع، سجده، قومه و جلسه هم به نسبت قيام، درنگ ميکردند. گاهي در يك رکعت هر چهار سوره را با هم ميخواندند.

حضرت عثمان τ در يك رکعت وتر تمام قرآن کریم را ختم ميکردند و ليکن مستحب آن است که روزانه مقداري بخواند که بتواند هميشه بر آن عمل و دوام داشته باشد. در ماه يك يا دو و يا سه بار قرآن کریم را ختم کند.

اکثر صحابه ي کرام در هفت شب يك بار قرآن را ختم ميکردند شب اول: سه سوره ي بقره، آل عمران، و نساء، شب دوم: پنج سوره، و شب سوم: هفت سوره، شب چهارم: نه سوره، شب پنجم: يازده سوره، شب ششم: سيزده سوره، شب هفتم: تا آخر قرآن، و اين ختم را «فمي بشوق» مينامند.

نماز اشراق، ضحي، تراويح و تحية المسجد:

بعد از ادای نماز صبح با جماعت، تا بر آمدن آفتاب، در ذکر و ثنای الهي مشغول شدن مستحب است.

پس از بر آمدن آفتاب دو رکعت يا چهار رکعت نماز نفل خوانده شود، و اين نماز را «نماز اشراق» ميگویند، و به مقدار يك حج و يك عمره کامل ثواب دارد به شرطي که قبل از آن، ذکر و ثناء هم باشد.

قبل از زوال آفتاب هم هشت رکعت نماز مستحب است و آن را نماز «ضحی» ميگویند، و بعد از زوال قبل از ظهر هم چهار رکعت خوانده شود.

نيز بعد از وضو دو رکعت «تحيّة الوضوء» مستحب است.

هنگام دخول مسجد هم دو رکعت «تحيّة المسجد» سنت است. جماعت در نفل مکروه است مگر در ماه مبارك رمضان که بيست رکعت نماز تراويح با جماعت ادا مي‌شود، و هر دو رکعت با يك سلام خوانده مي‌شود. در کل ماه مبارك رمضان در نماز تراويح يك بار ختم قرآن ثواب بسيار دارد، و در صورتی که مقتديان اشتياق بيشتري داشته باشند دو ختم، سه ختم هم سنت است. و بعد از هر چهار رکعت مقداري نشسته در ذکر خدا مشغول شود.

نماز وتر فقط در رمضان پس از تراويح با جماعت خوانده مي‌شود. در بقيه اوقات خواندن آن با جماعت مکروه است.

نماز استخاره:

«استخاره» يعني: از خداوند متعال طلب خير نمودن در امري که انسان در آن حيران و سرگردان آيد، و نمي‌داند کدام جانب را اختيار کند. در چنين صورتی وضو گرفته دو رکعت نفل بخواند و بعد از حمد خداوند و درود بر پيامبر اکرم μ اين دعا را بخواند:

»

(()):

((:))

«¹.

آنگاه به هر سو که تمایل بیشتر حاصل شد، همان را اختیار کند.

نماز توبه:

اگر کسی مرتکب گناهی شد، فوراً وضو گیرد و دو رکعت نماز بخواند و استغفار کند و از انجام آن گناه، با قلب پاک توبه کند، و برگزیده نادم و پشیمان شود و عزم کند که آینده مرتکب چنین معصیتی نشود، امید است خداوند متعال از وی گذشت نماید. این نماز را نماز «توبه» می‌گویند.

نماز حاجت:

اگر کسی را حاجتی پیش آمد برای حل آن حاجت وضوء گرفته دو رکعت نماز بخواند و پس از حمد و صلوة این دعا را بخواند:

1. رواه البخاری فی صحیحہ. ترجمه‌ی دعا: «ای الله! به وسیله‌ی علمت از تو طلب خیر می‌کنم، و بوسیله‌ی قدرتت از تو توانایی می‌خواهم، از تو فضل بسیار را مسألت می‌نمایم، زیرا تو توانایی و من ناتوان، و تو میدانی و من نمی‌دانم، و تو داننده‌ی امور پنهان هستی. الهی! اگر در علم تو این کار - حاجت خود را نام می‌برد - باعث خیر من در دین و آخرت است - یا می‌گوید: در حال و آینده‌ی کارم - آن را برایم مقدر و آسان بگردان، و در آن برکت عنایت فرما، و چنانچه در علم تو این کار برایم در دنیا و آخرت باعث بدی است - یا می‌گوید: در حال و آینده‌ی کارم - پس آن را از من، و مرا از آن، منصرف بگردان، و خیر را برای من هر کجا که هست مقدر نما، و آنگاه مرا با آن خشنود بگردان».

»

«.

امید است خداوند متعال حاجت او را برآورد.

نماز تسبیح:

از پیامبر اکرم μ روایت شده که: برای استغفار از تمام گناهان صغیره و کبیره به عموی خود حضرت عباس τ چهار رکعت نماز اینگونه تعلیم دادند: در هر رکعت بعد از قرائت 15 بار «

«¹ بخواند. در رکوع ده بار، در قومه ده بار، در سجده هم ده بار، در سجده‌ی دوم هم ده بار و بعد از آن هم ده بار که مجموعاً در هر رکعت هفتاد و پنج بار (75) و در مجموع نماز سیصد (300) بار بخواند، و مستحب است کسی که توانایی دارد در هر روز يك بار و گرنه هر هفته یکبار و گرنه هر ماه یکبار و إلا هر سال یکبار و إلا در تمام عمر این نماز را یکبار بخواند، و این را «صلوة التسبیح» گویند، و بهتر آن است که در این نماز از سوره‌های مسبحات که هفتاد خوانده شود. و مسبحات اینها هستند: سوره‌ی بنی‌اسرائیل، سوره حدید، سوره حشر، سوره صف، سوره جمعه، سوره تغابن، سوره اعلی.

1- «الله پاک و منزّه است، و حمد از آن اوست، و هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگترین است.»

نماز کسوف:

وقتي آفتاب را کسوف (يعنی گرفته) شد، سنت است که امام جمعه دو رکعت نماز با جماعت و قرائت طولاني بخواند، و رکوع و سجده را هم طولاني کند، و بعد از نماز به ذکر و دعا مشغول شود تا آفتاب روشن گردد، و اگر جماعت میسر نشود، هر کس به صورت جداگانه نماز بخواند. همچنین در خسوف، (گرفته شده مهتاب) زلزله، و طوفان شدید، مردم به صورت انفرادي باید نماز بخوانند و درخواست رفع آن حالت را بکنند.

طلب باران:

پیامبر اکرم μ براي استسقا (طلب باران) گاهي فقط دعا مي کردند، و گاهي در خطبه هاي نماز جمعه دعا مي نمودند. خليفه ي دوم حضرت عمر فاروق اعظم τ براي طلب باران بيرون مي رفتند و فقط استغفار مي کردند، لذا طبق مذهب حنفي براي طلب باران، نماز سنت مؤکده نيست بلکه استسقا فقط به دعا و استغفار گفته مي شود، و اگر به صورت نماز هم خوانده شود اشکالي ندارد.

نماز با جماعت از نبی اکرم μ با روايت صحيح در استسقا ثابت شده است، بنا بر اين صاحبين و اکثر علماء قائل بر اين اند که: امام با مردم به عيدگاه يا صحرا بيرون رفته دو رکعت نماز با جماعت بخوانند و قرائت جهراً خوانده شود و بعد از نماز مانند عيد دو خطبه خوانده شود که مشتمل بر حمد و ثناء و استغفار و دعاي منقول استسقا باشد و آن دعا اين است:

«¹.

»

آنگاه فقط امام شال خویش را به عنوان نيك فالي
قلب نماید.²

شروع نماز نفل:

نماز نفل به محض شروع واجب می‌شود. پس اگر شروع نمود و فاسد کرد، دو رکعت قضا بجا آورد و اگر قبل از قعده‌ي اولي فاسد کرد دو رکعت و بعد از قعده‌ي اولي چهار رکعت قضا لازم می‌گردد. اگر کسی نذر کرد که فلان روز باید نفل بخوانم، یا روزه بگیرم، و در آن روز معین عذري پیش آمد که نتوانست روزه گیرد یا نفل بخواند، قضاي آن نفل و روزه لازم می‌شود. خواندن نماز نفل در حالت نشستن بدون عذر هم جایز است، ولي بهتر آن است که در حالت ایستاده بخواند.

سجده‌ي تلاوت:

کسی که آیه‌ي سجده را بخواند یا از دیگری بشنود، سجده بر وي لازم می‌گردد و لو اینکه قصد شنیدن نداشته باشد. از قرائت آیه‌ي سجده توسط امام، سجده کردن بر مقتدیها هم لازم می‌شود گرچه امام آهسته بخواند و از خواندن مقتدي بر دیگران سجده لازم نمی‌شود، مگر بر کسی که در حال خواندن نماز نباشد و از او بشنود.

1- «الهی! به ما بارانی عطا فرما که باعث نجات گردد، گوارا و با خیر و برکت باشد، مفید و بدون ضرر باشد، زود ببارد و دیر نکند».

2 - یعنی: قسمت بالا را پایین و قسمت پایین را بالا برد و این اشاره بر این است که خدا این حال بد ما را به حال نیک و خوب تبدیل فرما.

خواندن آیهی سجده در رکوع، سجده، قومه، جلسه، و تشهد سجده را واجب نمی‌کند. اگر کسی بیرون از نماز آیهی سجده خواند و دیگری مشغول نماز بود و سجده را شنید در داخل نماز نباید سجده کند بلکه بعد از فراغت از نماز سجده کند، و اگر داخل نماز سجده کرد، سجده صحیح نیست و اعاده اش بعداً لازم است و نمازش باطل نمی‌شود.

اگر امام آیهی سجده خواند و کسی که خارج از نماز بود آن را شنید سپس به امام اقتدا کرد، اگر قبل از سجده کردن امام اقتدا نمود، با امام سجده کند، و اگر بعد از سجده کردن امام در همان رکعت اقتدا کرد اصلاً سجده نکند، و اگر در رکعتی دیگر اقتدا کرد بعد از نماز سجده کند مانند کسی که اقتدا نکرده.

سجدهی تلاوتی که در نماز واجب شده در نماز ادا شود و بعد نماز قضا نکند. اگر کسی آیهی سجده بیرون از نماز خواند سپس به نماز مشغول شد و باز همان آیه را در نماز خواند، برای هر دو یک سجده کافی است، و اگر اول سجده کرد باز در نماز خواند، سجده‌ای دیگر بر وی لازم می‌گردد.

اگر شخصی در یک جلسه آیهی سجده را تکرار کرد، یک سجده کافی است، و اگر در یک جلسه آیات متعدد سجده را تلاوت کرد یا جلسه متعدد شد، به تعداد جلسات و آیات متعدده سجده هم لازم می‌گردد. اگر جلسه‌ی قرائت کننده، یکی است و جلسه‌ی شنونده متعدد، بر خواننده یک سجده و بر شنونده سجده‌های متعدد لازم می‌شود. اگر جلسه‌ی خواننده متعدد و جلسه‌ی شنونده یکی است، بر شنونده یک سجده و بر خواننده سجده‌های متعدد لازم می‌شود.

طريقه‌ي سجده آن است که: اول واجد شرايط نماز باشد سپس تکبير گويد، و فوراً به طرف سجده رود، و در سجده تسبيح گويد، سپس تکبيرگويان سر خود را از سجده بردارد. اين يك سجده‌ي تلاوت حساب ميشود، و در سجده‌ي تلاوت تکبير تحریمه، تشهد، سلام و قرائت وجود ندارد، خواندن سوره و ترك آيه‌ي سجده مکروه است، و بهتر است که آيه‌ي سجده را آهسته بخواند تا بر شنونده‌ها سجده لازم نگردد.

کتاب الجنائز

به یاد آوردن مرگ و همراه داشتن وصیتنامه‌ای مشتمل بر آنچه وصیت به آن لازم است مستحب است. هنگامی که مسلمانی مُحْتَضَر شد (در حال مرگ قرار گرفت) به شهادتین (کلمه‌ی طیبه لا إله إلا الله محمد رسول الله) تلقین شود، و سوره‌ی یس بر وی خوانده شود و چون بمیرد صورتش را بپوشانند و در دفن او عجله کنند.

نحوه‌ی غسل میت:

هنگامی که بخواهند میت را غسل دهند ابتدا بر همان محل غسلش که تخته یا چیز دیگری باشد خوشبو بمالند سپس لباسهایش را درآورده، عورتش را بپوشانند، اگر نجاستی وجود داشت آن را پاک کنند و وضویش بدهند، بدون اینکه مضمضه و استنشاق داده شود، آنگاه با آب گرم غسل دهند، و سر و ریشش را با شامپو و بقیه‌ی بدنش را با صابون، پاک و نظیف کنند.

ابتدا بر پهلوئ چپ سپس بر پهلوئ راست بخوابانند، و آب بریزند، سپس تکیه‌اش بدهند و شکمش را آهسته ماساژ دهند، و اگر چیزی بیرون آید پاک کنند ولی برگرداندن غسل ضروری نیست، آنگاه با حوله‌ای خشک کرده، بر سر و ریشش خوشبو (مانند عطر، گلاب، ادکلن و غیره) بزنند و بر اعضای سجده‌اش کافور بمالند.

نحوه‌ی تکفین میت:

میت را این گونه کفن کنند: برای مرد کفنی تا نصف ساق درست می‌کنند که آن را «قمیص» می‌گویند، و دو کفن دیگر از سر تا پا که آنها

را «ازار» و «لفافه» گویند، و مرد را سه کفن سنت است. و در حدیث روایت شده که پیامبر اکرم ρ را در سه چادر کفن کردند. بستن عمامه یا دیگر شیء اضافه بر میت جایز نیست. اگر سه کفن میسر نشود پس هرچند که به دست آمد، در همانها کفن کنند، زیرا حضرت حمزه τ عموی پیامبر ρ را در يك چادر کفن کردند، آن هم کفایت نمی‌کرد اگر سرش را می‌پوشانیدند پاهایش ظاهر می‌شد و اگر پاهایش را می‌پوشانیدند سرش ظاهر می‌شد، در آخر، رسول گرامی ρ فرمودند: «سرش را بپوشانید و روی پاهایش مقداری گیاه بریزید».

چنان که به همین صورت عمل شد.

زن را پنج کفن سنت است، دو کفن دیگر که با یکی سینه‌اش را تا زانو می‌پوشانند و با دیگری موهای سرش را جمع کرده می‌بندند و روی سینه می‌گذارند.

غسل دادن مسلمان، کفن کردن و نماز جنازه بر وی گزاردن و دفن کردن، فرض کفای است. بدون غسل و کفن، نماز جنازه صحیح نیست.

برای امامت در نماز جنازه اولاً سلطان یا رئیس جمهور مستحق است، ثانیاً امام جمعه و محله، ثالثاً نزدیکترین ولی میت.

طریقه‌ی ادای نماز جنازه:

نماز جنازه دارای چهار تکبیر است اول نیت کند، سپس تکبیر گوید، بعد از تکبیر اول ثنا خوانده شود، و بعد از تکبیر دوم درود بر پیامبر اکرم ρ ، و بعد از تکبیر سوم این دعا را برای میت و جمیع مسلمانان بخواند:

»

«¹.

(در صورتی که جنازه زن باشد به جای ضمیر مذکر ضمیر مؤنث بیاورد).
بر جنازه ی کودک این دعا خوانده شود:

«².

»

پس از تکبیر چهارم سلام گوید. اگر کسی بعد از اینکه امام چند تکبیر گفته بود، به نماز حاضر شد، منتظر تکبیر دیگر امام شود آنگاه با امام تکبیر گوید، و پس از اینکه امام سلام گفت، تکبیرات فوت شده را قضا کند.

نماز جنازه باید در حالت ایستاده و رو به قبله خوانده شود. خواندن نماز جنازه در داخل مسجد مکروه است.

خواندن نماز جنازه بر میت غائب یا کسی که کمتر از نصف اعضای بدنش موجود است، روا نیست. اگر کودکی از دارالخراب اسیر شد، یا بدون اجازه ی والدین خود مسلمان شد و یا یکی از والدینش مسلمان شد، سپس آن کودک وفات کرد، در هر سه صورت، نماز جنازه بر وی خوانده شود.

1- «الهی! زنده و مرده، حاضر و غایب، کوچک و بزرگ، مرد و زن ما را مورد آمرزش قرار دهد، یا الله! هرکسی را از میان ما زنده نگه می‌داری بر اسلام زنده اش نگاه دار، و هرکسی را میرانی بر ایمان بمیران. بار الها! از اجر این متوفی ما را محروم مگردان، و بعد از وی ما را گمراه نکن.»

2- «خدایا! او را میزبان و ذخیره و شفاعت کننده ای که شفاعتش قبول شود برای ما قرار بده.»

سنت است که چهار نفر تابوت جنازه را حمل نموده، آهسته حرکت کنند، و بقیه‌ی مردم به دنبال جنازه در حرکت باشند، تا زمانی‌که جنازه بر زمین گذاشته نشده، مردم ننشینند. همچنین کندن لحد در قبر و گذاشتن میت از جانب قبله داخل قبر سنت است. هنگام گذاشتن این دعا را بخوانند: «بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»¹. رویش را به جانب قبله مایل کنند، سپس لحد را با خشت خام یا نی ببندند و قبر را به صورت «مُسَنَّم» (کوهان مانند) در آورند. استفاده از آجر، سیمان و آهک، در قبر مکروه است.

مسأله:

ساختن گنبد بر قبور گرچه صاحب قبر از اولیا هم باشد و روشن کردن شمع یا چراغ و انجام خرافاتی از این قبیل، مکروه و حرام است، لذا باید از آنها احتراز کرد.

مسأله:

اگر میت دفن شد و نماز جنازه بر وی خوانده نشد، تا مدت سه روز پس از دفنش خواندن نماز جنازه بر قبرش جایز است بیش از سه روز جایز نیست.

احکام شهید:

کسی که توسط کفار یا باغی‌ها یا به دست قطاع الطریق (راهزنها) کشته شود یا در میدان کارزار مسلمین با کفار یافته شد، و بر وی اثر قتل ظاهر بود، یا از دست مسلمانی ظلماً و عمداً به قتل رسید و قبل از مردن برای معالجه، خوردن،

1- «به نام الله و ملت رسول الله ﷺ میت را در قبر می‌گذارم».

آشامیدن، وصیت کردن، فرصتي نیافت، و پس از مجروح شدن تا حدي که نمازي بر وي فرض شود، زنده نماند، چنین فردي «شهید» نامیده می‌شود و در صورتی که کودک، یا جنب، یا زن حائضه، یا دیوانه نباشد، غسل داده نمی‌شود و با همان لباسهایش دفن شود.

اگر این شروط یافت نشود و با مظلومیت به قتل رسیده بود، حق شهید اخروي دارد، یعنی: از نظر اجر و پاداش شهید است اما از نظر احکام دنیوي غسل داده و کفن می‌شود. اگر کسی در حد شرعي یا بطور قصاص به قتل رسید، شهید نیست، غسل داده شود و نماز جنازه بر وي بخوانند. اگر راهزن یا باغي به قتل رسید، غسلش بدهند و کفن کنند، نماز جنازه بر وي نخوانند.

ماتم و عزاداري:

زني که شوهرش فوت کرده تا مدت چهار ماه و ده روز عزاداري کند، و در طی این روزها در همان خانه‌ي شوهر بنشیند و از استفاده‌ي بوي خوش، سرمه، حنا و دیگر وسایل آرایش پرهیز کند، و لباسهاي زیبا هم نپوشد و از خانه بیرون نرود مگر اینکه عذري برایش پیش آید. اگر کسی دیگر از خویشاوندان و فاميلهاي او غیر از شوهر فوت کند، تا مدت سه روز سوگواري جایز است بیش از آن جایز نیست.

اظهار غم و اندوه و گریه کردن برای میت اشکالي ندارد ولي گریستن صدای بلند و نوحه کردن و چاک دادن گریبان و زدن بر سر و صورت و سینه همي اینها حرام اند، و در اکثر احادیث ذکر شده است:

«بر اثر نوحه خواني خویشاوندان و ارتکاب اعمال غير شرعي در عزاداري، به شخص مرده عذاب داده مي‌شود».
 لذا از اينگونه اعمال شديداً بايد احتراز کرد تا به مرده عذابي نرسد.
 سنت است که مسلمان در مقابل هر مصيبتی از خود تحمل و صبر نشان دهد و در مصيبتها همیشه اين دعا را بخواند: »
 «¹.

زيارت قبور:

زيارت قبرها براي مردان جايز و مستحب است و لي براي زنان جايز نيست. هنگام رفتن به زيارت قبرها خواندن دعای ذيل سنت است:

]

»

«².

[

از حضرت علي τ روايت است که پيامبر اکرم ρ فرمودند: هر کس بر قبرها بگذرد و سوره ي اخلاص را يازده بار بخواند، و به مردگان ايصال ثواب کند، همان قدر که به آنها ثواب مي‌رسد به خواننده هم مي‌رسد.

1- يعنی: «بدون ترديد ما از آن الله هستيم و بازگشت همی ما بسوی اوست. الهی! مرا در مقابل مصيبت، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهتری به من عنایت فرما».

2- يعنی: «سلام بر شما ای اهل این منزل، که مؤمن و مسلمان هستيد، شما پيش روان هستيد و ما بعد آينده گان، همانا ما نیز - إن شاء الله - به شما ملحق خواهيم شد، و خداوند بر گذشتگان و آيندگان ما رحم کند، از خدا برای خودمان و شما عافیت می طلبيم».

از حضرت ابو هريره τ روایت شده که: هر کس «فاتحه» و سوره «اخلاص» و سوره ي «تکاتر» را بخواند و ثواب آنها را به مردگان ببخشد مردگان روز قیامت برای او شفاعت خواهند کرد. از حضرت انس τ روایت شده: هر کس سوره ي «یس» را هنگام عبور بر قبرها بخواند، از عذاب آنها کاسته می‌شود.

خواندن نوافل، دادن صدقه و انجام دیگر عبادات بدني و مالي و ایصال ثواب به مردگان، ثواب زیادی دارد.

سجده بر قبور:

سجده بر قبور اولیا و بزرگان و امامان و طواف کردن آنها و کمک خواستن از آنها و دادن نذر برای آنان، همي اینها حرام و خلاف شرع‌اند بلکه بعضي از این اعمال مشرکانه، انسان را به کفر هم می‌رسانند.

پیامبر اکرم p چنین افرادی را نفرین کرده و فرموده است: «قبر م را پرستشگاه خود قرار ندهید».

کتاب الزکاة

يکي ديگر از ارکان اساسي و مهم اسلام، زکات است که بر مسلمانان فرض گرديده است. هنگامي که پيامبر اکرم p وفات کردند، عده اي از قبایل عرب، از دادن زکات امتناع ورزیدند، آنگاه خليفه ي اول مسلمين حضرت ابوبکر صديق ؓ با آنان اعلام جهاد کرد و اجماع امت هم بر اين منعقد شده که چنانچه افراد و گروه هايي از دادن زکات منکر شوند بايد با آنان جهاد نمود. منکر فرضيت زکات کافر و تارك آن فاسق است.

زکات بر چه کسي فرض است؟

زکات بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، که مالک نصاب باشد و آن نصاب اضافه بر مايجتاج روزمري زندگي و قرض هايش باشد و آن نصاب «نَامِي» هم باشد و يك سال تمام بر آن بگذرد، واجب است. مسأله:

«مال ضَمَار» يعني: مالي که گم شده يا در دريا افتاده يا کسي آن را غصب کرده و صاحب مال بر آن گواه ندارد و از دريافت آن عاجز است، يا در جايي دفن نموده که محلش معلوم نيست، يا به کسي قرض داده و مقروض منکر است و گواه هم موجود نيست، يا دولت آن را مصادره کرده، در چنين مالي زکات واجب نيست، و اگر زماني مال فوق به دست آمد، زکات سالهاي گذشته واجب نمي شود. اگر به شخصي قرض داده که اعتراف مي کند ولي مُفليس است يا گواه موجود است يا اموال در خانه دفن و پنهان شده اند، آنگاه به دست آمده اند، در چنين صورتهايي زکات سالهاي گذشته واجب مي شود و بايد پردازد.

مسأله:

اگر کسی بر مردم قرض دارد و زکات آن قرضها را قبل از قبض دیون اداء کرد صحیح است و اگر زکات آنها را ادا نکرد تا وقتی که به دست آورد، باید زکات سالهای گذشته را بدهد.

نیت در زکات:

نیت ادای زکات باید همراه با وقت ادا یا جدا کردن مقدار زکات از بقیه مالها باشد. اگر کسی همهی اموالش را در راه خدا صدقه کرد، زکات از وی ساقط می‌شود.

مسأله:

کامل بودن نصاب زکات در اول و آخر سال معتبر است وسط سال اعتباری ندارد.

زکات اموال نامیه:

اموال نامیه که در آنها زکات واجب است بر سه نوع اند:

نوع اول: نقود یعنی طلا و نقره که نصاب نقره دوصد درهم «یعنی 612 گرام» نقره یا قیمت آن به نرخ روز و طلا بیست مثقال «یعنی 87 گرام» می‌باشد.

مسأله:

اگر طلا و نقره مغشوش باشند (یعنی با آنها فلز و غیره آمیخته باشد) حکم طلا و نقره‌ی خالص دارند، و اگر اغلب در آنها فلز و غیره باشد، حکم عروض و اسباب تجارت دارند.

نوع دوم: اموال تجارت که قصد و نیت خرید و فروش در آنها با زکات در آنها لازم می‌شود و در هر شهر و محله‌ای که باشند نرخ و قیمت همان شهر معتبر است. اموال تجارت هنگام ادای زکات به نرخ فروش روز باید قیمت گذاری شوند.

نوع سوم: «سوائيم» هستند يعني: گوسفند، شتر و گاو که اغلب سال در بيابان مي‌چرند اگر به حد نصاب برسند زکات لازم است. نصاب گوسفند چهل رأس است، يعني: اگر چهل رأس گوسفند باشد که يك سال بر آنها بگذرد و اغلب سال در بيابان بچرند يك رأس در آنها زکات لازم است تا 120 رأس و از 121 رأس دو رأس تا 200 رأس، و از 201 رأس سه رأس تا چهارصد رأس، آنگاه از هر صد رأس گوسفند يك عدد گوسفند زکات لازم است.

نصاب شتر 5 شتر است که يك سال کامل بر آنها بگذرد و اغلب سال را در بيابان چريده باشند. يك گوسفند زکات در آنها لازم مي‌شود، و از ده شتر دو گوسفند، از 15 شتر سه گوسفند، از بيست شتر چهار گوسفند، از بيست و پنج شتر يك بچه شتر يك ساله واجب مي‌شود. در اين باره به جدول ذيل توجه شود¹.

نصاب شتر در بحث زکات:

مقدار نصاب	مقدار واجب در آن
از 5-9	يك رأس گوسفند يك ساله
از 10-14	دو رأس گوسفند يك ساله
از 15-19	سه رأس گوسفند يك ساله
از 20-24	چهار رأس گوسفند يك ساله
از 25-35	يك بچه شتر يك ساله (بنت مخاض)

1 - مؤلف، نصاب زکات گوسفند، گاو و شتر را ذکر نکرده است و علت آن را عدم وجود اين حيوانات به حد کافي در سرزمين هند بيان کرده. با توجه به ضرورت آن در اين مناطق نصاب آنها در متن کتاب افزوده شد. مراد زهي.

از 36- 45	يك بچه شتر دو ساله (بنت لبون)
از 46- 60	يك بچه شتر سه ساله (حقه)
از 61- 75	يك بچه شتر چهار ساله
از 76- 90	دو نفر شتر دو ساله
از 91- 124	دو نفر شتر سه ساله
از 125 - 129	دو نفر شتر سه ساله و يك رأس گوسفند
از 130 - 134	دو نفر شتر سه ساله و دو رأس گوسفند
از 135 - 139	دو نفر شتر سه ساله و سه رأس گوسفند
از 140 - 144	دو نفر شتر سه ساله و چهار رأس گوسفند
از 145 - 149	دو نفر شتر سه ساله و يك بچه شتر يك ساله
از 150 - 154	سه نفر شتر سه ساله
از 155 - 159	سه شتر سه ساله و يك رأس گوسفند
از 160 - 164	سه شتر سه ساله و دو رأس گوسفند
از 165 - 169	سه شتر سه ساله و سه رأس گوسفند
از 170 - 174	سه شتر سه ساله و چهار رأس گوسفند
از 175 - 185	سه شتر سه ساله و يك بچه شتر يك ساله
از 186 - 195	سه شتر سه ساله و يك بچه شتر دو ساله
از 196 - 204	چهار شتر سه ساله يا پنج شتر دو

ساله

در جدول فوق طرح چگونگی ادای زکات در شترها از 150 تا آخر، به شرح ذیل بیان شد: که بعد از 150 شتر در هر پنج شتر يك گوسفند لازم است، سپس از 1 تا 35 يك بچه شتر يكساله و از 36 تا 45 يك شتر دو ساله و از 46 تا 50 يك شتر سه ساله لازم می‌شود سپس طبق روش بیان شده از هر پنج شتر يك گوسفند الخ بدینگونه تا هزارها شتر طرح زکات برای ما مشخص می‌شود.

یادآوری:

- 1- گوسفند باید يك سال تمام بر او بگذرد و نر و ماده مساوی‌اند یعنی مجاز است که گوسفند نر بدهد یا ماده.
- 2- هر جا که چهار شتر سه ساله واجب می‌شود در عوض آنها می‌تواند پنج شتر دو ساله بدهد.
- 3- شتری که زکات می‌دهد باید حتماً شتر ماده باشد دادن شتر نر جایز نیست، مگر اینکه شتر نر و ماده قیمت شوند و در صورت اضافه شدن قیمت شتر ماده از نر اگر بخواهد نر بدهد، یا به تفاوت قیمت را همراه با شتر نر زکات بدهد.
- 4- طرح مذکور فقط در صورتی واجب الإجراء است که شترها برای دامداری باشند و چنانچه برای تجارت باشند زکات در جمع قیمت آنها با بقیه سرمایه لازم می‌شود.

نصاب گاو:

گاو اگر به تعداد سی رأس برسند که اغلب سال را در بیابان بچرند و برای دامداری باشند نه برای خرید و فروش به شرح ذیل در آنها زکات لازم است.

- مقدار مقدار واجب در آن نصاب
- از 39 - 30 يك رأس گوساله يكساله، نر يا ماده
(تبيع يا تبیعة)
- از 59 - 40 يك رأس گوساله دو ساله
- از 69 - 60 دو رأس گوساله يك ساله
- از 79 - 70 يك رأس گوساله يكساله و يك رأس دو
ساله
- از 89 - 80 دو رأس گوساله دو ساله
- از 99 - 90 سه رأس گوساله يكساله
- از 109 - دو رأس گوساله يك ساله و يك رأس دو
ساله 100
- از 119 - دو رأس دو ساله و يك رأس يك ساله
110
- آنگاه در هر ده گاو، مقدار واجب از يك ساله
به دو ساله تبديل مي‌شود.
مسأله:
- اگر کسی معدني از طلا، نقره، آهن، مس و غيره در
بيابان يافت يك پنجم آن متعلق به حكومت اسلامي
است و باقيمانده متعلق به يابنده است. در
صورتی كه زمین ملك کسی نباشد، و اگر زمین مملوك
است چهار قسمت آن متعلق به مالك است، و اگر
در خانه ي خويش چنین معدني يافت از نظر امام
اعظم :؛ خمس در آن لازم نیست و از نظر صاحبين
لازم است.

مستحق و مصرف زکات:

کسي که مسکن، نفقه، اسباب و وسايل مورد احتياج (به قدر وسع و توانايي خودش) لوازم اضافه بر حاجت، طلا، نقره، اموال تجارت، وجه نقد و غيره که مجموع کل آنها معادل قيمت 612 گرم نقره که به نرخ روز قيمت شوند، برسد، داشته باشد براي او گرفتن زکات و دادن زکات به او جايز نيست و اگر کمتر از مقدار فوق داشته باشد مستحق زکات است.

مسأله:

ساختن مساجد، مدارس، تکفين ميت، ادای قرض ميت، ساختن پل، حفر چاه، راه سازي، و هر چيزي که در آن تمليك نيست از مال زکات، جايز نيست.

مسأله:

دادن زکات به فقير غير مديون بيش از حد نصاب، يا زکات را از يك شهر و محله به ديگر شهر و محله اي منتقل کردن، مکروه است مگر اينکه در آن شهر خویشاوندان و فاميل او باشند يا محتاج تري وجود داشته باشد. آنگاه مستحب است به آنجا برود.

مسأله:

هر کس طعام و غذای يك روز را داشته باشد سؤال کردن براي خودش حرام است.

صدقه ي فطر:

صدقه فطر بر هر فرد مسلمان، عاقل بالغ که مالک نصاب باشد و آن نصاب زايد بر ديون و حوائج اصليه او باشد، واجب است و اضحيه هم بر چنين فردي لازم مي شود.

صدقه ي فطر را از طرف خود و عائله ي خویش اداء نمايد و وجوب و ادای آن بعد از طلوع فجر روز

عید تا قبل از نماز عید است، و اگر قبل از آن روز در ماه رمضان ادا کرد جایز است. پس کسی که قبل از طلوع فجر روز عید بمیرد، یا بعد از صبح متولد و یا به اسلام مشرف شود، صدقه‌ی فطر بر او واجب نیست.

مقدار صدقه‌ی فطر:

مقدار صدقه‌ی فطر نصف صاع از گندم (250/2 کیلوگرام) یا قیمت معادل آن است. یا یک صاع کامل از خرما و جو بدهد. مستحق گرفتن صدقه‌ی فطر کسی است که استحقاق گرفتن زکات را داشته باشد، و دادن صدقه‌ی فطر به امام مسجد به عنوان حقوق ولو اینکه فقیر هم باشد، جایز نیست.

صدقات نافله:

صدقات نافله را می‌توان به والدین، خویشاوندان، یتیمان، مساکین، همسایه‌ها، سؤال‌کنندگان و غیره داد. بهتر آن است که هر چه اضافه بر حوائج اصلی و دیون و نفقات و حقوق واجب باشد، آن را صدقه کند و در راه‌های نامشروع خرج نکند. پیامبر اکرم p بعد از فتح خیبر نفقه‌ی یک سال را به ازواج مطهرات تحویل داد و هیچ چیز دیگر برای خودشان باقی نگذاشتند، هر چه میسر می‌شد، در راه خدا صدقه می‌کردند و خطاب به بلال r چنین فرمودند: «أنفق یا بلال ولا تخش من ذي العرش أقلالا».

ای بلال! خرج کن آنچه داری و از مالک عرش اندیشه‌ی فقر و تنگدستی را مدار. مال را نباید بیهوده خرج کرد زیرا خداوند بیهوده خرج‌کنندگان را برادران شیطان معرفی

کرده است. خرج بیهوده آن است که در آن، هیچگونه نفع جایز دینی و یا دنیوی نباشد.

کتاب الصوم

يکي ديگر از ارکان اساسي اسلام، روزه است و بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، فرض است که ماه مبارك رمضان را روزه بگیرد. منکر آن کافر و تارك آن فاسق است.

از پیامبر اکرم p روایت شده که خداوند عزوجل فرموده اند:

«هر عمل نيك بني آدم ده برابر اجر و پاداش دارد مگر روزه که براي من است و من خودم پاداش و مزد آن هستم».

شرط ادای آن، نیت و پاک بودن از حیض و نفاس است.

انواع روزه:

روزه بر شش قسم است:

قسم اول: روزهي ماه مبارك رمضان؛

قسم دوم: روزهي قضاء؛

قسم سوم: روزهي نذر معين؛

قسم چهارم: روزهي نذر غير معين؛

قسم پنجم: روزهي كفاره؛

قسم شش: روزهي نفل؛

روزهي ماه رمضان با هر نيتي ادا مي‌شود، مثلاً اگر کسی نیت روزهي مطلق یا نیت نفل و غيره کرد، نیت وي اعتباري ندارد و به جاي روزهي رمضان واقع خواهد شد.

مگر اینکه کسی مسافر یا معذور باشد می‌تواند در آن روزها نیت روزهي قضا یا كفاره کند. اما صاحبين (امام ابو يوسف و امام محمد (رحمهما الله) می‌گویند: در هر صورت هر نيتي بشود، روزهي رمضان به جاي آن حساب می‌شود.

نذر معین با نیت مطلق و نیت نفل ادا می‌شود، و اگر نیت دیگر واجب کرد، به جای همان واجب حساب می‌شود. روزه نفل با نیت مطلق ادا می‌شود و برای نذر غیر معین، قضا و كفاره تعیین نیت شرط است.

نیت روزه :

وقت نیت روزه از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق است، و نیت روزه رمضان و نذر معین و نفل تا قبل از زوال آفتاب هم صحیح است. نیت قضا، كفاره و نذر معین بعد از طلوع جایز نیست. اگر شخصی در شب اول ماه رمضان نیت روزه کرد، سپس در وسط ماه رمضان چند روزی دیوانه شد و با همان حالت دیوانگی، آن روزها را روزه گرفت، آن روزهایی که دیوانه بوده قضا کند، زیرا نیت وجود نداشته و اگر تمام ماه رمضان دیوانه شد روزه ساقط می‌گردد و بعداً قضا لازم نیست. اگر يك لحظه به هوش آمد باز تا آخر ماه دیوانه شد، فقط قضای روزهای قبل از به هوش آمدن را به جای آورد.

رؤیت ماه :

روزه رمضان با رؤیت ماه رمضان یا با تمام شدن سی روز شعبان واجب می‌شود و برای رؤیت ماه رمضان در صورتی که مطلع ابر آلود یا دارای گرد و غبار باشد، شهادت يك مرد یا يك زن عادل کافی است.

برای رؤیت ماه شوال (عید فطر) در صورتی که مطلع صاف باشد لازم است جمع بزرگی ماه را مشاهده کنند آنگاه شهادت آنان مورد قبول واقع می‌شود. اگر شخصی ماه رمضان یا شوال را با چشم

خویش مشاهده نمود ولي قاضي شهادت او را قبول نکرد، افطار براي او جایز نیست بلکه روزه بگیرد و اگر افطار کرد قضا لازم می‌شود، نه کفاره.

روزه‌ي روز شك:

روزه گرفتن (يوم الشك) مکروه است، یعنی سیام شعبان که به لحاظ عدم رؤیت ماه، مشکوک است که این روز از شعبان است یا از رمضان، مگر براي کسی که همیشه اواخر هر ماه روزه می‌گیرد و این روز با همان روزهایی که در آنها روزه نفلي می‌گرفته موافق شود، در چنین صورتی روزه گرفتن نفلي اشکالي ندارد، ولي اگر بعداً ثابت شد که آن روز از روزه‌ي رمضان بوده، به جای یک روز رمضان واقع می‌شود و لو اینکه نیت نفل یا دیگر واجبی کرده باشد.

قضا و کفاره

موارد وجوب قضا و کفاره:

اگر کسی در ماه مبارك رمضان در حالت روزه عمداً جماع کرد یا عمداً غذا و دوا خورد یا آب آشامید، روزه اش فاسد می‌شود و بر وی قضا و کفاره لازم می‌گردد.

براي کفاره باید غلامی آزاد کند یا شصت روز متوالي روزه گیرد

ماه‌هایی را براي روزه گرفتن انتخاب کند که در وسط آنها ماه رمضان، ایام تشریق و عیدین نباشند. اگر در طی دو ماه چند روز را روزه نگرفت، آن روزها از نظر کفاره باطل می‌شوند و

براي كفاره از نو شصت روز بايد روزه گيرد مگر عذر حيفض.
 اگر استطاعت روزه گرفتن ندارد به شصت مسكين طعام دهد يا به مسكيني نصف صاع (250/2) كيلوگرام) گندم يا قيمت آن را بپردازد.
 اگر روزه ي قضا يا كفاره يا نذر را فاسد كرد، كفاره لازم نمي‌شود. اگر در يك رمضان روزه ي چند روز را فاسد كرد، در صورتي كه براي روز اولي يا دومي كفاره نداد، براي همه يك كفاره كافيست، و اگر كفاره داده بود فقط از روزه‌هاي گذشته كفاره واقع مي‌شود و براي بعدي‌ها جديداً كفاره دهد.
 اگر كفاره از دو رمضان بر وي لازم بود، كفاره ي هر رمضان را جداگانه بپردازد.

موارد وجوب قضا:

اگر كسي جبراً افطار كرد، يا حقنه شد؛
 يا در گوش و بيبي‌اش دارو چكانيده شد؛
 يا در زخم شكم يا زخم سر، دارو چكانيده شد و دارو به جوف دماغ رسيد؛
 يا خاك، سنگريزه يا چيزي كه با آن تغذي و تداوي نمي‌شود، فرو برد؛
 يا عمداً به مقدار پري دهان استفراغ نمود؛
 يا به گمان اينكه هنوز شب است سحري خورد، سپس معلوم شد كه فجر طلوع کرده؛
 يا به گمان اينكه آفتاب غروب کرده، افطار نمود و حال آنكه آفتاب غروب نکرده؛
 يا به فراموشي غذا خورد و گمان کرد روزه اش باطل شده سپس عمداً غذا خورد؛
 يا به حلق كسي كه خواب بود آب ريخته شد؛

یا با زنی در حال خواب یا بیهوشی یا دیوانگی جماع شد؛
در همهی این صورتهای فقط قضای آن روز واجب است نه كفاره.
همچنین اگر در رمضان نه نیت روزه کرد و نه نیت افطار و از مفطرات روزه چیزی از او به وقوع نپیوست فقط قضا لازم می‌شود.

موارد عدم وجوب قضا:

اگر در حال فراموشی از روزه، غذا خورد یا آب آشامید یا جماع کرد، روزه اش فاسد نمی‌شود و قضا هم لازم نیست. همچنین از احتلام و انزال با شهوت و استعمال روغن بر بدن و مصرف سرمه در چشم و غیبت کردن و حمامت و استفراغ بدون قصد و اختیار یا استفراغ عمدی که از پری دهان کمتر باشد و رفتن آب در گوش، از همهی اینها روزه فاسد نمی‌شود. اگر در آلت تناسل روغن یا چیز دیگری چکانید روزه فاسد نمی‌شود.
مسأله:

اگر با زنی که مرده است، یا در غیر سبیلین، یا با حیوانی جماع کرد، یا از زن بوسه گرفت یا با شهوت لمس نمود، اگر انزال شد روزه فاسد و قضا لازم می‌شود، و اگر انزال نشد روزه فاسد نمی‌شود. غذایی که در خلال دندانها وجود داشت اگر با دست بیرون آورد و خورد روزه اش فاسد می‌گردد، و اگر با زبان بیرون آورد، در صورتی که از مقدار نخود کمتر باشد روزه فاسد نمی‌شود، و اگر مقدار نخود باشد، روزه فاسد و قضا لازم می‌آید.
و اگر دانه کنجی یا مقدار آن را در دهان انداخته فرو برد، روزه فاسد می‌شود. اگر جوید بطوری که در دهان متلاشی شد، فاسد نمی‌شود.

مسأله:

چشیدن و جویدن چیزی بدون عذر مکروه است، و جویدن غذا برای کودک در صورت ضرورت جایز است. مضمضه، استنشاق، غسل نمودن و پارچه‌تری استفاده کردن برای دفع گرمی، مکروه است زیرا بر بی‌تحملی و بی‌صبری روزه‌دار دلالت می‌کند و این ممنوع است.

اگر در شب جنب شد و تا صبح با همان حالت باقی ماند روزه صحیح است، لیکن مستحب آن است که قبل از طلوع فجر غسل کند.

مسأله:

علما اتفاق نظر دارند که روزه از دروغ گفتن، غیبت کردن و فحش گفتن، فاسد نمی‌شود ولی شدیداً مکروه و از ثواب آن کاسته می‌شود و به قدری گناه دارد که امام اوزاعي:؛ می‌گوید: روزه‌ی او بطور کلی باطل می‌شود، زیرا که رسول اکرم ص فرموده‌اند: «هر کس دروغگویی را ترک نکرد و از معصیتها باز نیامد، خداوند متعال نیازی به روزه‌ی وی ندارد».

یعنی روزه‌اش مقبول بارگاه خداوند نیست. پس شایسته است که شخص روزه‌دار خودش را از تمام منکرات‌گناهان باز نگهدارد تا در روزه‌اش خللی وارد نشود.

مسأله:

اگر شخصی طعام می‌خورد یا جماع می‌کند در عین حال، فجر طلوع کرد، و با مجرد طلوع فجر غذا را از دهان بیرون انداخت و جماع را ترک کرد روزه‌اش صحیح است.

روزه ي مريض و مسافر:

اگر مريض از گرفتن روزه ترس تشديد مريض را داشته باشد، افطار برايش جايز است. همچنين اگر مسافر با گرفتن روزه در مضيقه ي شديد قرار ميگيرد، افطار برايش جايز است. اگر مسافر در حال جهاد باشد يا گرفتن روزه برايش مضر باشد، نگرفتن روزه بهتر است و اگر خوف هلاك باشد افطار واجب مي شود.

اگر مريض و مسافر در همان حالت سفر يا مرض فوت کردند، واجب نمي شود و اگر پس از سالم شدن و اقامت فوت نمودند، هر چند روز که بعد از سالم شدن و مقيم شدن دريافته اند ولي آنها در مقابل هر روز مقدار نصف صاع (250/2 كيلو گرام) گندم يا قيمت معادل آن را به فقرا بپردازد.

شيخ فاني (پير مرد يا پيرزني که در حالت فنا شدن هستند و اميد بهبودي آنان نيست) در صورتي که نتوانند روزه گيرند در قبال هر روز، نصف صاع گندم يا قيمت آن را به فقرا بدهند و چنانچه بعداً قدرت و توان قضا حاصل شد، قضا لازم مي شود.

زن حامله يا شير دهنده اي که بر نفس خود يا بربچه ي خود احساس خطر کند، افطار کند و بعداً قضا بجا آورد. اگر کودكي در اثناي روز رمضان بالغ گرديد، يا کافري مسلمان شد، يا زن حائضه پاك شد، مستحب است که بقيه ي روز را به منظور مشابهت با روزه داران، افطار نکنند و قضاي آن روز فقط بر زن حائض لازم است بر بقيه لازم نيست.

روزه‌های نفلی:

روزه‌ی نفل به محض شروع واجب می‌شود، مگر در روزهای که در آنها گرفتن روزه صحیح نیست مانند: عیدین و سه روز ایام تشریق. افطار روزه‌ی نفلی بدون عذر صحیح نیست، اگر عذری پیش آمد افطار جایز است و بعداً قضا بجا آورده شود. گرفتن روزه در ایام تشریق و عیدین حرام است اگر کسی روزه گرفت، واجب است افطار کند و قضا هم لازم نیست.

روزه‌ی شش روز شوال:

گرفتن روزه‌ی شش روز شوال بعد از عیدالفطر ثواب بسیار دارد و در حدیث آمده که: «هر کس آن شش روز را روزه گرفت، گویا همه‌ی سال را روزه گرفته است».

پیامبر اکرم μ در شعبان اغلب اوقات روزه می‌گرفتند.

روزه‌ی سه روز هرماه:

روزه گرفتن سه روز در هر ماه سنت است گاهی پیامبر اکرم μ ایام بیض (یعنی سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه) را روزه می‌گرفتند، و گاهی اول ماه، گاهی آخر ماه، گاهی از هر ده روز یک روز و گاهی دوشنبه، پنجشنبه و بالعکس روزه می‌گرفتند.

روزه‌ی روز عرفه و عاشورا:

روزه گرفتن روز عرفه یعنی نهم ذی الحجه نیز ثواب بسیار دارد.

همچنین روزه گرفتن روز عاشورا (دهم محرم) بسیار ثواب دارد، و مستحب است که یک روز قبل از

عاشورا یا بعد از عاشورا هم روزه بگیرد تا مشابه با یهودیان نشود.

کراهیت صوم دهر و صوم وصال:

صوم دهر (تمام روزهای زندگی را روزه گرفتن) و صوم وصال (پیاپی روزه گرفتن) مکروه است و بهترین صیام، صیام حضرت داود ص است که یک روز روزه می‌گرفتند و یک روز افطار می‌کردند. خلاصه، بهترین عبادت آن عبادتی است که انسان روی آن مداومت داشته و هیچگاه ترک نکند. اگر زن بدون اجازه‌ی شوهر روزه‌ی نفلی بگیرد روزه‌اش درست نیست. همچنین نوکر و غلام بدون اجازه‌ی مالک نمی‌توانند روزه بگیرند.

اعتکاف:

اعتکاف ده روز آخر ماه رمضان در مسجد سنت است، و اگر کسی اعتکاف نذر کرد، اعتکاف بر او واجب می‌شود و در اعتکاف واجب روزه شرط است، ولی در اعتکاف نفلی روزه لازم نیست. اقل مدت اعتکاف از نظر امام اعظم:؛ یک روز است، و از نظر امام ابویوسف:؛ اکثر روز، و از نظر امام محمد:؛ یک ساعت هم اعتکاف صحیح است. آنچه برای معتکف جایز و یا غیر جایز است: بیرون آمدن معتکف از مسجد صحیح نیست مگر برای قضای حاجت یا غسل و وضو و نماز جمعه و اگر برای نماز جمعه به مسجدی دیگر رفت به محض اینکه نماز تمام شد باید برگردد و اگر آنجا درنگ کرد اعتکاف فاسد می‌شود.

اگر یک لحظه بدون عذر از مسجد بیرون آمد، اعتکاف فاسد می‌شود و از نظر صاحبین اگر اکثر روز را بیرون از مسجد بگذرانند اعتکاف فاسد

می‌شود، و گرنه فاسد نمی‌شود. خوردن و نوشیدن، خواب و معامله بدون احضار کالا در مسجد صحیح است. در حالت اعتکاف جماع و مقدمات جماع مانند: بوسه و غیره جایز نیست. اگر جماع کرد اعتکاف باطل می‌شود، و اگر از بوسه و دست زدن انزال شود، اعتکاف فاسد می‌شود و اِلا نه.

خاموشی مطلق برای معتکف مکروه است بلکه از کلام دنیوی و بیهوده احتراز کند. تلاوت قرآن کریم، نفل و اذکار در حالت اعتکاف ثواب بسیار دارد.

مسأله:

اگر کسی اعتکاف چند روز را نذر کرد، شبهای آن روزها هم اعتکاف لازم می‌شود و اگر یک ماه اعتکاف نذر کرد، یک ماه پیاپی اعتکاف لازم می‌شود.

کتاب التقوی

پس از انجام ارکان و فرایض اسلام، دانستن آنچه حرام، مکروه و مشتبّه است برای یک فرد مسلمان الزامی است. خودداری از مرتکب شدن مشتبّهات به علت احتیاط عدم وقوع در حرام و مکروه، از ضروریات اسلامی است.

بیان خوردنیها:

خوردن گوشت جانوری که به خودی خود بدون ذبح شرعی مرده است و جانوری که آن را کافری غیر اهل کتاب ذبح نموده، حرام است.

همچنین جانوری را که مسلمان یا اهل کتابی ذبح کرده ولی عمداً ترك تسمیه نموده، حرام است، و اگر تسمیه را فراموش کرده حلال است.

خوردن گوشت چهارپایان و پرندگان درنده مانند: گرگ، کفتار، روباه، سگ، شاهین و غیره و جانوران خزنده در زمین مانند: موش، مار و حشرات، مانند: زنبور، لاک پشت و جانورانی که اغلب غذای آنها نجس است، حرام است.

خوردن گوشت زاغ که هم دانه و هم نجاست می خورد، مکروه است.

خوردن گوشت اسب حلال است. زاغی که فقط دانه می خورد و خرگوش و دیگر حیوانات بیابانی حلال اند. از حیوانات دریا فقط انواع ماهی حلال است، بقیه حرام اند.

مسأله:

خوردن طعام و میوه جات به نیت تقویت بر عبادت در حد سیر شدن، مباح و ثواب دارد و خوردن بیش از سیری در حد اسراف و شکم پر کردن حرام است، مگر به قصد روزه یا به خاطر مهمان.

مسأله:

در حالت مخمسه (يعني هنگام اندیشه‌ي مرگ و مواقع اضطراري) اگر طعام حلاي میسر نشود، می‌توان از محرمات به قدری که از مرگ نجات حاصل شود، خورد. بلکه در چنین حالي خوردن فرض است، اگر نخورد و بمیرد گنهکار و مسئول خواهد بود. استفاده از اموال دیگران به مقدار نجات جان جایز است ولي بعداً قیمت آن را به مالک بپردازد.

مسأله:

کلیه‌ي اقسام شراب در صورتی که مست کننده باشند، حرام و نجس هستند. همچنین هر چیز نشه کننده مانند ترياک، هروئین و دیگر مواد مخدر حرام است و از شراب هیچگونه استفاده‌اي حتي به عنوان علاج و مداوا هم جایز نیست.

آداب غذا خوردن و آب آشامیدن:

سنت است که اولاً «بسم الله» گفته شود و در آخر «الحمد لله» و قبل از غذا و بعد از غذا دستها شسته شوند.

آب با سه جرعه با دست نوشیده شود و با هر جرعه «بسم الله» گفته شود.

مسأله:

اگر يك نفر عادل به طهارت یا نجاست آب خیر دهد، قولش مورد قبول است، و اگر فاسق یا مستور الحالی (کسی که عدالت و فسقش معلوم نمی‌شود) به نجاست آب خیر دهد، باید فکر و تأمل کرد و بر غالب رأی خود عمل نمود. پس اگر غالب ظن در راستگویی وي است آبها را بریزد و تیمم کند، و اگر ظن غالب در کذب است می‌تواند هم وضو بگیرد و هم تیمم کند.

مسأله:

گوشتی که از مسلمان یا اهل کتاب خریداری شود حلال است، و گوشتی که از بقیه‌ی کفار خریداری شود، حرام است.

مسأله:

قبول ضیافت و هدایا از امیران، حکام ظالم، زن رقاصه و فاحشه جایز نیست. اگر یقین کند که این هدایا که به او داده می‌شود از طریق حلال به دست آمده، جایز است ولی بهتر بنا بر احتیاط، عدم قبول است.

آداب لباس:

پوشیدن لباس به مقدار ستر عورت و دفع سرما و گرما بر همه‌ی افراد فرض است، و بیشتر از آن مقدار، جهت زینت و اظهار نعمتهای خداوند و ادای شکر مستحب است.

از پوشیدن لباسهای خیلی نازک باید احتراز کرد. بخصوص پوشیدن لباسهای نازک و ظریف برای زنان در صورتی که مسایل شرعی رعایت نشود، حرام است.

مسأله:

پایین بودن شلوار و پیراهن از شتالنگ و قوزک پا جایز نیست.

رها نمودن شله‌ی عمامه به قدر یک وجب یا نیم متر مستحب است.

تکلف در لباس به نیت اسراف و تکبر و خودنمایی حرام است.

پوشیدن لباسی که با زعفران رنگ شده برای مردان حرام است.

پوشیدن لباس قرمز برای مردان مطلقاً مکروه است.

پوشیدن لباسهایی که از ابریشم خالص باشند برای مردان حرام است، و اگر تار و پود آن کاملاً از ابریشم نباشد، اشکالی ندارد. بافتن فرش و پستی از ابریشم خالص از نظر امام اعظم؛ جایز است و از نظر صاحبین جایز نیست. پوشیدن زیور آلات مانند: طلا و نقره برای زنان جایز است، و برای مردان جایز نیست. داشتن انگشتر نقره برای قاضی و پادشاه جهت مهر در انگشت جایز است و برای دیگران جایز نیست¹. استفاده از ظروفی که از طلا یا نقره باشند یا میز و صندلی که از طلا یا نقره ساخته شده اند، نشستن بر آنها و غذا خوردن در آن ظروف مطلقاً حرام است. پوشیدن طلا و نقره به پسر بچه‌ها جایز نیست.

بیان وطی و دواعی آن:

جماع با زن منکوحه‌ی خویش در حالت حیض و نفاس و در محل غیر مشروع (دُبُر) حرام است. همچنین عمل لواط قطعاً حرام و منکر حرمت آن کافر است. نگاه کردن به سوی زن غیر محرم یا به سوی امرؤ (پسر بزرگ) دست زدن، غمزه و اشاره با شهوت حرام است.

مسأله:

نگاه کردن به عورت دیگران حرام است مگر وقت ضرورت شرعی مانند: نگاه دکتر و طبیب، ختنه کننده و قابله. مرد می‌تواند به اعضای مرد به غیر از محل عورت که از ناف تا زانو است نگاه

1 - این نظر مؤلف مرحوم است ولی طبق نظر فقها پوشیدن انگشتر نقره برای مردان جایز است البته پوشیدن انگشتر طلا حرام و غیر جایز است. (م)

کند. نیز زن در مقابل زن از ناف تا زانو عورت است و نگاه زنان هم در این محدوده جایز نیست. خلاصه، نگاه مرد به عورت مرد یا نگاه زن به عورت زن، نیز نگاه مرد به زن غیر محرم و نگاه زن به مرد غیر محرم جایز نیست. چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطُيِّبْنَ فِيهِمْ مَا كَفَرْنَ بِهِ وَأَنْذَرْنَهُمْ فِي طَلْقِهِمْ أَنْ يَطُغُوا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطُيِّبْنَ فِيهِمْ مَا كَفَرْنَ بِهِ وَأَنْذَرْنَهُمْ فِي طَلْقِهِمْ أَنْ يَطُغُوا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطُيِّبْنَ فِيهِمْ مَا كَفَرْنَ بِهِ وَأَنْذَرْنَهُمْ فِي طَلْقِهِمْ أَنْ يَطُغُوا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾

﴿وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطُيِّبْنَ فِيهِمْ مَا كَفَرْنَ بِهِ وَأَنْذَرْنَهُمْ فِي طَلْقِهِمْ أَنْ يَطُغُوا وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿٣٠﴾

... (سوره نور/30-31).

«به مردان مؤمن بگو که چشمانشان را [از دیدن نامحرم] فرو پوشند و پاکدامنی ورزند. این برایشان پاکیزه‌تر است. بی‌گمان خداوند از آنچه می‌کنند با خبر است * و به زنان مؤمن بگو: چشمانشان را [از نگریستن به نامحرم] فرو پوشند و پاکدامنی ورزند و زینت خود را آشکار نکنند مگر آنچه از آن که آشکار است...».

از پیامبر اکرم p روایت شده که: هر کس به سویی زن غیر محرم با شهوت نگاه کند، روز قیامت در چشمهایش سرب گرم و گداخته، ریخته می‌شود.

مسأله:

مرد می‌تواند به تمام بدن زن خویش نگاه کند ولی مستحب است که به عضو مخصوص نگاه نکند. کسی که

قصد ازدواج با زنی را دارد می‌تواند او را نگاه کند.

مسأله:

عزل (یعنی بیرون ریختن منی تا بچه به ظهور نپیوندد) بدون رضایت زن جایز نیست.

آداب کسب و تجارت:

کسب حلال برای امرار معاش یکی از واجبات اسلامی است و بهترین کسبها آن است که انسان خودش کار کند و امرار معاش نماید. زیرا حضرت داود ص از عمل خویش کسب معاش می‌کرد. و همچنین بقیه‌ی پیامبران † هر یکی دارای کسب و کاری بودند و از آن، امرار معاش می‌کردند. بهترین کسبها تجارت است در صورتی که خالی از دروغ، قسم بیجا و فریب باشد.

معامله‌ی باطل:

اگر مبیع (چیزی که روی آن معامله صورت گرفته) مال نباشد مانند میته، خون، و غیره چنین معامله‌ای را در اصطلاح شرع «باطل» می‌گویند. همچنین اگر مال باشد ولی مال با ارزش شرعی نیست مانند: پرنده در هوا یا فروش ماهی در دریا، مشروب، [مواد مخدر]، خوک، این نوع معامله هم باطل است. فروش شیر در پستان حیوان و حمل در شکم حیوان نیز باطل است.¹

1- یکی از شرایط انعقاد و صحت بیع، مال بودن مبیع است و «مال» را فقها چنین تعریف کرده‌اند که: شریعت به آن ارزش مالیت داده باشد و در حالات عادی استفاده از آن جایز و مباح باشد. روی این اساس، انواع مواد مخدر مال متقوم شرعی نیستند و خرید و فروش آنها بیع

حکم معامله‌ی باطل:

حکم بیع باطل آن است که مشتری اصلاً مالک جنس نمی‌شود و آن شیء به فروشنده برمی‌گردد. حکم بیع فاسد آن است که: در ملک مشتری داخل می‌شود ولی فسخ آن معامله واجب است.

معامله‌ی فاسد:

معامله‌ای که نتیجه‌اش به جدل و درگیری برسد، فاسد است، مانند: معامله‌ی پشم بر پشت گوسفند، یا معامله‌ی یک چیز غیر معین، یا مجهول بودن مدت پرداخت ثمن.

پس اگر معامله صورت گرفت و هیچ‌گونه مسئله‌ای به وجود نیامد، دوباره معامله صحیح می‌شود. معامله با شرط، فاسد است. شرط فاسد آن را گویند که: مقتضی معامله و از لوازم آن، نباشد و یک نوع نفع اضافی برای فروشنده یا خریدار در آن، قید شده باشد مانند اینکه: منزل یا دکانی فروخته شود و شرط شود که یک ماه یا یک سال دیگر، فروشنده از آن استفاده کند، آنگاه به مشتری تحویل دهد و امثال اینگونه شرطها.

حرمت ربا:

ربا و سود چه در معامله باشد و چه در قرض، قطعاً حرام است گرفتن.

دادن سود، از گناهان کبیره است که باید از آن دوری کرد. منکر حرمت آن کافر می‌شود.

سود بر دو نوع است:

باطل است و هیچ نوع عقدي روی آن منعقد نمی‌شود. مراد زهی.

1- سود در فروختن نقد به نسیه یعنی نقد را به نسیه فروختن.

2- سود در مقدار یعنی اندک را به بسیار فروختن. برای حرام بودن سود، شرط است که دو چیز موجود باشند، آنگاه هر دو نوع سود حرام می‌شود. یکی «اتحاد جنس» دوم «اتحاد قدر» یعنی کیل و وزن.

اگر یکی از این دو یافت شود و دیگری موجود نباشد، سود نسیه حرام است ولی اضافه گرفتن در مقدار جایز است. مثلاً اگر گندم به گندم یا نخود به عوض نخود یا خرما به خرما، طلا به طلا، نقره به نقره، آهن به آهن فروخته شود، هر دو شرط اینجا موجودند، پس نسیه و اضافه هر دو حرام می‌شوند.

و اگر گندم به نخود یا طلا به نقره یا جو به گندم فروخته شود، اضافه حلال است ولی نسیه دادن حرام می‌شود. زیرا گندم، نخود و جو، هر سه کیلی و پیمانه‌ای هستند و طلا و نقره هر دو وزنی و در قدر مشترک‌اند، اما جنس همه با هم تفاوت دارد. لذا در يك صورت حلال و در صورت دیگر حرام است.

اگر پارچه به پارچه یا گوسفند به گوسفند یا شتر به شتر اضافه فروخته و تعویض شود حلال است ولی نسیه حرام، زیرا وحدت جنس موجود است، ولی کیل و وزن موجود نیست. و اگر هر دو یعنی اتحاد جنس و قدر یافت نشوند، هم اضافه و هم نسیه حلال است مثلاً گندم به نقره یا عدس به آهن فروخته و تعویض شود، چون اتحاد جنس موجود نیست و اتحاد قدر هم موجود نیست، زیرا گندم و عدس کیلی و نقره و آهن وزنی می‌باشند.

یادآوری می‌شود معیار در کیلی و وزنی بودن اشیاء، فرموده‌ی پیامبر اکرم p و تعامل آن زمان است، و تغییرات و تحولات مردم عصرهای بعدی در آنها اعتباری ندارد.

مسأله:

تبدیل و معامله‌ی گندم به آرد گندم و خرماي تر به خرماي خشك و انگور به کشمش بطور مساوي جایز است. معامله‌ی اجناس نو و لوکس که در بازار ارزش خوبی داشته باشند با جنس بنجل و از قیمت افتاده در صورتی که از يك جنس باشند، بطور مساوي جایز است و کم و بیش جایز نیست.

مسأله:

قرضی که در آن هر گونه استفاده از مقروض به قرض دهنده برسد، حرام است.

اجاره‌ی فاسد:

همانطور که دوری و اجتناب از بیع فاسد و سود لازم است، از اجاره‌ی فاسده هم لازم است. اجاره را شرطهای غیر مناسب فاسد می‌کند مثلاً يك مغازه اجاره می‌شود اما مدت اجاره یا اجرت آن معلوم نیست، این اجاره فاسد است. یا عقد اجاره تمام می‌شود و چیزی که روی آن اجاره شده در آن وقت به مستأجر تحویل داده نمی‌شود بلکه ده روز یا يك ماه بعد تسلیم می‌شود این هم فاسد است.

مسأله:

چیزی که از کار کارگر به دست می‌آید دادن مقداری معین از آن به کارگر به عنوان اجرت، جایز نیست و چنین اجاره‌ای فاسد است. مانند اینکه بگوید: این مقدار گندم یا علف را درو کن و از هر ده دسته يك دسته یا از ده من يك

من اجرت تو می‌باشد. چنین اجاره‌ای معمولاً خیلی رواج دارد ولی مردم از آن آگاه نیستند، لذا باید احتراز نمود.

مسأله:

در اجاره‌ی فاسد به کارگر اجر مثل داده می‌شود اما از مقداری که قبلاً تعیین شده اضافه داده نمی‌شود.

کم فروشی:

کم فروشی (یعنی از میزان تحویل جنس به مشتری کم دادن و برای مشتری کم کردن در ثمن متعین) حرام است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿لَا يَجْرِي الْكَيْفُ فِي أَشْيَاءِ الْحَدِيثِ﴾

﴿لَا يَجْرِي الْكَيْفُ فِي أَشْيَاءِ الْحَدِيثِ﴾ جهنم ویل، مخصوص کم فروشان است که در پیمانہ، وزن و ثمن کمی می‌کنند. أعاذنا الله.

مسأله:

تأخیر در ادای ثمن مبیع یا در مدت قرضی که بر او لازم و مدت آن معلوم است و تأخیر در مزد کارگر بدون عذر ممنوع است، زیرا پیامبر اکرم ص فرموده اند: «درنگ کردن غنی در تحویل ثمن یا دیون ظلم است و به کارگر مزدش را بدهید قبل از اینکه عرقش خشک شود».

مقروض اگر از مقدار قرض متعین به قرض دهنده بیشتر بدهد فروشنده از مقدار جنس تحویلی جنس اضافه بدهد یا مشتری از ثمن آنها اضافه بدهد، با رضایت و بدون قید و شرط قبلی، جایز بلکه مستحب است.

نیرنگ در معامله:

نیرنگ، حیلہ بازی و دروغ در معامله جایز نیست و کسب حلال را حرام می‌کند و برکت را از بین

می‌برد. رسول اکرم p روزی در بازار مقداری گندم دیدند که برای فروش تهیه شده بود، دست مبارک خویش را در آن گندمها فرو کردند دیدند داخل گندمها خیس و تر است، فرمودند: «چرا اینها تر هستند؟» فروشنده گفت: بر اثر باران. پیامبر اکرم p در جواب فرمودند: «چرا گندمهای تر را ظاهر نگذاشتی تا مردم متوجه بشوند. هر کسی که با مسلمان در معامله نیرنگ بازی کند از امت من نیست.»

مسأله:

اگر مشتری بعد از تمام شدن عقد معامله پشیمان شود و فروشنده از حق خود بگذرد و معامله را فسخ کند، اجر و مزد بسیار به او می‌رسد و گناهان او بخشوده می‌شود.

بیع مراجعه و بیع تولیه:

بیع بر دو قسم است-1: بیع مراجعه-2 بیع تولیه «مراجعه» آن را گویند که: فروشنده جنس را طبق خرید خودش با نفع اضافی بفروشد. «تولیه» آن است که بر حسب خرید بدون نفع اضافی بفروشد.

در صورت بیع تولیه، فروشنده موظف است واقعیت خرید را بگوید، و چنانچه از نظر کرایه و همای مقداری روی آن اضافه خرج کرده، باید بگوید: این جنس این قدر تا اینجا برایم تمام شده و من به نرخ تمام شده می‌فروشم. نگوید: من این جنس را این قدر خریده‌ام، زیرا دروغگو حساب می‌شود.

مسأله:

اگر کسی پارچه‌ای را مثلاً به صد تومان بفروشد و مشتری وجه ثمن را هنوز به بائع نسپرده قبل از آن، فروشنده آن پارچه را از مشتری به مبلغی

کمتر از صد تومان خریداری می‌کند، چنین معامله‌ای شرعاً صحیح نیست، زیرا حکم ربا را دارد.
مسئله:

اگر کسی جنس کیلی یا وزنی را طبق کیل و وزن خریداری می‌کند و سپس به دیگری می‌فروشد برای مشتری دوم استفاده و تصرف در آن صحیح نیست تا زمانی‌که آن جنس را خودش دوباره کیل و وزن نکند، زیرا احتمال اشتباه در کیل و وزن اولی وجود دارد و جنبه‌ی احتیاط باید رعایت شود.
مسئله:

فروش اموال منقول قبل از قبض جایز نیست، مثلاً شخصی ماشینی خریداری می‌کند اما هنوز آن را در تصرف و اختیار خود نیاورده و تحویل نگرفته است، آن را به دیگری می‌فروشد این صحیح نیست لذا اول باید آن را تحویل گیرد آنگاه بفروشد.

معاملات غیر جایز:

انواع معاملات ذیل از نظر شرع مقدس اسلام صحیح نیستند و باید از آنها احتراز نمود:

1- بیع نَجَش:

شخصی در میان مشتریها قیمت و ارزش يك جنس را به این لحاظ بالا می‌برد که بقیه‌ی مشتریها را تشویق کند و خودش قصد خرید ندارد. مثلاً می‌گوید: من این جنس را به یکصد تومان خریدار هستم اگر کسی حاضر شود به صد تومان بخرد، باز می‌گوید: من به یکصد و پنجاه تومان خریداری می‌کنم و علی‌هذا القیاس این يك دلایلی است و جایز نیست.

2- معامله بر معامله‌ی دیگران:

شخصی در صدد خرید جنسی است یا در صدد داماد شدن هست تا زمانی‌که مسئله‌اش قطعی و تمام نشود و به صورت لاینحل بماند، برای دیگران صحیح نیست که در معامله‌ی او دخالت کنند و خود را خریدار آن جنس و یا نامزد معرفی نمایند.

3- تَلَقَّي الْجَلْب:

آن را گویند که: کاروانی مثلاً گندم و یا جنسی دیگر به يك شهر و محل وارد می‌کند و شخص می‌رود قبل از اینکه آن جنسها به شهر وارد شوند همه را خریداری می‌کند با این هدف که به قیمت بالاتری به اهل شهر بفروشد. این عمل مکروه است زیرا به مردم ضرر وارد می‌شود.

4- بیع الحاضر لیلبادی:

آن را گویند که: شخصی از روستاها گندم به شهر می‌آورد و در شهر مردم نسبت به آن گندم و یا جنس دیگر در مضیقه و تنگنای قرار دارند، یکی دیگر از ساکنین شهر به صاحب گندمها می‌گوید: من با تو شريك هستم یا در قبال مزد، نماینده و وکیل تو هستم تا این گندمها را از قیمت معمول به نرخ بالاتری بفروشم این مکروه است.

5- معامله بعد از اذان جمعه:

این هم صحیح نیست زیرا خداوند متعال به طور صراحت در قرآن از معامله بعد از اذان جمعه منع فرموده است.

مسأله:

خرید و فروش مدفوع انسانها در صورتی که با خاک و مانند آن مخلوط باشد، جایز است و اگر با خاک مخلوط نباشد جایز نیست.

خرید و فروش سرگین و فضولات حیوانات جایز است.
مسأله:

هر چیزی که خرید و فروشش جایز نیست استفاده از آن هم جایز نیست.

احتکار:

احتکار (انبار و ذخیره کردن اموال و اجناس و نفروختن آنها) در صورتی که ضررش متوجه عموم مردم بشود جایز نیست.

مسأله:

دولت نمی‌تواند برای اموال و اجناس مردم نرخ و قیمت تعیین کند، مگر زمانی که تورم و گرانی بالا رود و بازار سیاه درست شود، آن گاه نرخگذاری برای دولت جایز است و مجازات متخلفین هم طبق قوانین اسلامی صحیح است.

آداب زندگی، حقوق الناس و بعضی از گناهان

مسابقه و جوایز آن:

مسابقه در تیراندازی، اسب دوانی، شترسواری و الاغ سواری جایز است. اگر برای برنده جایزه تعیین شود، مشروط بر این که بازنده این جایزه را باید بدهد، در صورتی که شرط از یک طرف باشد، جایز و حلال است و اگر از هر دو طرف باشد، صحیح نیست.

آنچه از طرف بازنده یا شخص ثالثی به عنوان جایزه برای برنده در نظر گرفته شود، لازم نیست که حتماً پرداخت شود، و اگر مسئله به پیش قاضی و حاکم برده شد، قاضی نمی‌تواند اجبار کند که این جایزه حتماً باید داده شود بلکه میلی و رضایتی است. نیز اگر دو نفر طلبه یا دو نفر عالم در مسئله‌ای بحث و مناظره کنند و از طرف یکی از آن دو یا از طرف دیگران برای کسی که دعایش موافق با واقع باشد و بتواند مسئله را با دلایل و منطق ثابت کند، جایزه و حقی در نظر گرفته شود، صحیح است، مشروط بر اینکه چنین شرطی هم یک طرفه باشد.

طعام ولیمه:

طعام ولیمه به هنگام برگزاری مراسم عقد نکاح سنت است و کسی که به آن دعوت می‌شود، دعوت را قبول کند، زیرا قبول کردن دعوت لازم است، اگر قبول نکند گنهگار خواهد شد، به شرطی که در آن جلسه دعوتی، منکرات و مسائل خلاف شرع و سنت نباشد.

اگر شخصی به جلسه‌ای دعوت شد و آنجا رفت و مشاهده کرد که منکرات وجود دارد، آنها را منع کند اگر باز نیامدند جلسه را ترک کند.

رقص و سرود:

رقص، سرود، طبل زدن، سرودن اشعار به همراه موسیقی حرام است و از آنها باید اجتناب کرد. مگر طبل و شیپوری که ارتش مجاهدین اسلام به هنگام جهاد، در مقابل کفار بزنند، جایز است. سرودن اشعاری که در آنها مدح خدا Ψ و رسول ρ و بزرگان و ائمه باشد جایز است ولی سرودن اشعار عشقی و خلاف دستورات خداوند و شرع مقدس اسلام جایز نیست.

اخلاص و تصحیح نیت:

یک فرد مسلمان در تمام اعمالش اخلاص و حسن نیت داشته باشد زیرا انجام هر عمل جهت تعریف و تمجید مردم، ریا حساب می‌شود و ثواب عبادت را باطل می‌کند و می‌سوزاند، زیرا پیامبر اسلام ρ فرموده‌اند: «هر آن کسی که به این نیت عبادت و عمل کند که مردم ببینند و وی را تعریف و ستایش کنند، این شرک خفی است». لذا در نتیجه، ریا شرک است و از آن باید دوری جست.

غیبت، سخن‌چینی و بدگویی:

غیبت، نمایی، و سخن‌چینی، فحش‌گویی و دشنام دادن به هر نحوی که باشد و هر آن چیزی که باعث هتک حرمت یک فرد مسلمان بشود، حرام است. رسول اکرم ρ فرموده‌اند: «حرمت آبرو و مال مسلمانان مانند حرمت خون آنهاست». آن حضرت ρ روزی خطاب

به كعبه شريفه فرمودند: «اي كعبه تو را خداوند چه قدر احترام و شرف داده و ليكن حرمت مسلمان و حرمت خون و مال و آبروي او به پيشگاه خداوند از تو بالاتر است»¹.

دروغگويي:

دروغ گفتن جايز نيست مگر براي صلح و آشتي ميان دو كس، يا براي دفع ظلم ظالم، يا براي خشنود كردن زن خويش.

بدترين دروغ، شهادت دروغين و قسم دروغين است كه به وسيله آن، حق مسلماني تلف و پايمال شود. خداوند دروغ را مساوي با گناه شرك بيان نموده

و فرموده است: ﴿مَنْ كَذَبَ بِيَوْمِهِ فَكَذَّبَ بِمَا كُفِّرُ بِهِ﴾

﴿مَنْ كَذَبَ بِيَوْمِهِ فَكَذَّبَ بِمَا كُفِّرُ بِهِ﴾

﴿مَنْ كَذَبَ بِيَوْمِهِ فَكَذَّبَ بِمَا كُفِّرُ بِهِ﴾

﴿مَنْ كَذَبَ بِيَوْمِهِ فَكَذَّبَ بِمَا كُفِّرُ بِهِ﴾

﴿مَنْ كَذَبَ بِيَوْمِهِ فَكَذَّبَ بِمَا كُفِّرُ بِهِ﴾ (سوره

حج / 30 - 31).

«پس از پليدي بتان احترام كنيد و از سخن (شهادت) دروغ دور مانيد * در حالي كه براي خداوند پاكدين غير مشرك به او باشيد».

دادن رشوه فقط براي دفع ضرر و ظلم صحيح است در غير اين صورت صحيح نيست. البته مظلوم در اين صورت گناهكار نمي شود ولي براي ظالم به هيچ وجه گرفتن رشوه جايز نيست.

1 - شاعر مي گويد:

باني كعبه خليل آذر است قلب مؤمن جاي رب اكبر است

رجوع به شریعت:

هر اختلاف و جدالی که رخ دهد باید به محضر شرع مقدس اسلام ارجاع داده شود تا طبق قوانین شرعی حل و فصل شود، و چنانچه از طرفین دعاوی کسی را شرع مقدس محکوم نمود، این محکومیت از طرف شرع نباید اثری بر قلبش بگذارد و نگران هم نشود زیرا اگر دستورات و قوانین شرع را با طیب خاطر نپذیرد این امر انسان را به کفر نزدیک می‌سازد.

خود بزرگبینی:

عجب، کبر، خودبینی و خویش را از دیگران بهتر پنداشتن و دیگران را حقیر شمردن، حرام است.

خداوند می‌فرماید: ﴿لَا تَكْبُرُوا فِي أَعْيُنِنَا وَالضَّالِّينَ أَهْلُهَا﴾

﴿مَنْ يَكْبُرْ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّا نَكْبُرْهُ﴾

﴿وَمَنْ يَكْبُرْ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّا نَكْبُرْهُ﴾

﴿وَمَنْ يَكْبُرْ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّا نَكْبُرْهُ﴾

﴿وَمَنْ يَكْبُرْ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّا نَكْبُرْهُ﴾

﴿وَمَنْ يَكْبُرْ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّا نَكْبُرْهُ﴾

﴿وَمَنْ يَكْبُرْ فِي الْأَرْضِ فَإِنَّا نَكْبُرْهُ﴾ (سوره نجم / 32).

«او [خداوند] به [حال] شما وقتی که شما را از زمین پدید آورد و هنگامی که شما در شکم مادرانتان جنینهایی بودید داناتر است. پس خودتان را به پاکی مستایید. او به پرهیزگاران داناتر است».

پیامبر اکرم p فرموده‌اند: «خداوند افرادی را از اهل بهشت قرار داد ولی فردی هست که تمام عمر خود را صرف اعمال جهنمی می‌کند، تا اینکه در لحظات آخر تائب می‌شود و به بهشت می‌رود. و بسیاری افراد را از اهل جهنم نوشته که بعضیها تمام عمر خویش را صرف اعمال بهشتی می‌کنند تا اینکه

در لحظات آخر تقدیر ازلی غالب می‌آید و اعمال جهنمی انجام می‌دهند و به جهنم می‌روند». اعذنا الله.

سعدي در باره ي خودستايي مي‌گويد:

مرا پير داناي روشني شهاب
دو اندرز فرمودي برروي آب
يکي آنکه بر خویش خوشبين
مباش دوم آنکه بر غير بدبين باش

بازيهاي بيهوده:

بازي با شطرنج، نرد، و ديگر بازيهاي مَرَّوَج بيهوده، خلاف شرع است و در چنين بازيهايي اگر براي برنده، مال شرط شود، قمار و گناه کبيره است که منکر حرمت آن کافر و مرتکب آن فاسق است.

نيز کبوتر بازي، مسابقه و جنگاندين خروسها، سگها و غيره هم جايز نيست.

مسأله:

گرفتن اجرت براي اذان، تعليم قرآن و تدريس علوم ديني جايز است، و دادن اجرت به رقاصه، سراينده و گرفتن اجرت بر بالا بردن حيوان نر بر حيوان ماده حرام است.

مسأله:

سفر کردن براي زن خانواده بدون شوهر و يا محرم شرعي جايز نيست. نيز همنشيني مرد بيگانه با زن بيگانه، تنها حرام است.

امر به معروف و نهي از منکر:

امر به معروف و نهي از منکر بر همگان واجب است اگر کسي توان دارد که جلو منکرات را با قدرت

بگیرد، باید بگیرد و گرنه با زبان منع کند، و اگر این توان را هم ندارد، قلباً ناراحت شود و آن را زشت پندارد و صحبت اهل منکر را ترک کند. اگر چنین نکند و ساکت بنشیند، از زمره ی آنان حساب می‌شود و در روز قیامت مؤاخذه و محاسبه خواهد شد.

مسأله:

همنشینی با علما و نیکوکاران ثواب بسیار دارد. کثرت درود بر پیامبر اکرم p و اصحابش ؓ در تمام جلسات ثواب دارد.

آن حضرت p فرمودند: «مجلسی که از ذکر خدا و درود بر من خالی باشد، نتیجه ی آن، برای اهل جلسه حسرت و خسران خواهد بود».

مشابَهت مردان و زنان:

برای مردها حرام است که خودشان را چه در لباس و چه در زینت و آرایش شبیه زنان بکنند و برای زنان هم حرام است که با مردان تشبه بکنند. مسلمانان هم نباید در آداب و رسوم و لباس و دیگر خصایل، از کفر و مشرکان تبعیت نموده، با آنها تشبه نمایند، زیرا «**من تشبه بقوم فهو منهم**» هر کس با هر گروهی مشابَهت کند، از زمره ی آنان محسوب می‌شود.

مسأله:

کشتن جانوران موذی جایز است و کشتن حیواناتی که گوشت آنها حلال است، برای غیر خوردن جایز نیست.

حقوق مسلمان:

هر مسلمان بر مسلمان دیگر شش حق دارد:

1- عیادت مریض؛

2- شرکت در نماز جنازه؛

- 3- پذيرفتن دعوت (در صورتي كه آنجا مسايل شرعي رعايت شوند)؛
- 4- سلام دادن به يكدیگر؛
- 5- جواب عطسه را با «يَرْحَمُكَ اللهُ» گفتن؛
- 6- نصيحت و خيرخواهي براي هر مسلمان در ظاهر و باطن؛
- مسلمان بايد براي ديگران آنچه را بپسندد كه براي خويش ميپسندد و آنچه را براي خويش نميپسندد، براي ديگران هم نپسندد. اگر كسي سلام بدهد، جواب سلام واجب است.

انواع گناهان:

گناه بر دو قسم است:

- 1- گناه كبيره
- 2- گناه صغيره
- گناه كبيره با توبه و استغفار معاف ميشود و از بين ميرود و گناه صغيره با انجام عبادت و اعمال نيك، محو و نابود ميشود.

گناهان كبيره:

گناهان كبيره بر سه نوع هستند:

- 1- أكبرالكبائر- يعني بزرگترین گناهان كبيره كه كفر و شرك و دارا بودن عقايد خرافي باطل است.
- 2- تعدي و تجاوز به حقوق بندگان خدا در جان و مال و آبروي آنان.
- 3- حقوق الله، خداوند متعال فقط حقوق خودش را عفو ميكند، حقوق بندگان را عفو نميكند و خود بندگان بايد از حق خود بگذرند.
- آنچه در احاديث از آنها به عنوان گناه كبيره نام برده شده به شرح ذيل ميشوند:

- 1- شريك و همتا گرفتن براي خداي يگانه؛
 - 2- نافرمانی پدر و مادر؛
 - 3- قتل نفس بی‌گناه؛
 - 4- قسم دروغین خوردن؛
 - 5- شهادت و گواهی دروغین؛
 - 6- فحاشی و دشنام؛
 - 7- خوردن مال یتیم؛
 - 8- خوردن ربا و سود؛
 - 9- گریختن از میدان و جبهه‌ی نبرد با کفار؛
 - 10- عمل جادوگری؛
 - 11- قتل فرزندان - آن‌گونه که مشرکان و کفار دختران خویش را به قتل می‌رساندند؛
 - 12- عمل زنا - مخصوصاً با همسایه که در حدیث روایت شده اگر کسی با ده زن، عمل زنا انجام دهد آنقدر گناه نیست که با همسایه‌اش یکبار زنا کند.
 - 13- دزدی و سرقت؛
 - 14- راهزنی و راه را بر مردم بستن که این را خداوند، محاربه با خدا و رسول تعبیر نموده است.
 - 15- بغاوت بر حکومت اسلامی و عادل؛
- پیامبر اکرم p فرموده‌اند: بزرگترین گناهان آن است که کسی والدینش دشنام دهد. صحابه (رضی‌الله عنهم) گفتند: چگونه انسان والدین خود را دشنام می‌دهد؟
- آنحضرت فرمودند: والدین دیگران را دشنام می‌دهد و بد می‌گوید دیگران هم متقابلاً به والدین او توهین می‌کنند و فحش می‌گویند، پس این فرزند، خودش به والدینش دشنام داده و اهانت کرده است.

تعریف از شخص فاسق:

تعریف و تمجید از شخص فاسق حرام است. از پیامبر اکرم p روایت شده: «هر کس فاسقی را مدح و ستایش کند، خداوند به خشم و غضب می‌آید و عرش عظیم خداوند هم به تکان در می‌آید». اگر کسی دیگری را لعن و نفرین کند، در صورتی که شخص نفرین شده، مستحق لعن و نفرین نباشد، آن لعنت و نفرین توسط فرشتگان به خود نفرین کننده باز می‌گردد.

نشانه‌های منافق:

علائم و نشانه‌های منافق عبارتند از: دروغ گفتن، خلاف وعده عمل کردن، خیانت در امانت، عهد شکنی و پایبند نبودن به عهد و میثاق، فحاشی و دشنام دادن در حین مجادله.

تراشیدن و کوتاه کردن ریش:

تراشیدن ریش و کوتاه کردن آن کمتر از مقدار یک قبضه (یک مشت) حرام است و اگر کسی چنین کرد فاسق می‌شود. گرفتن موهای سفید و کندن آنها از سر و ریش مکروه است. گذاشتن ریش سنت مؤکده است و تراشیدن سبیلها و موی زیر بغل و موی ناف و قطع ناخنها هم سنت است.

حقوق شوهر:

حقوق شوهر آن قدر بر زن مهم است که رسول گرامی p فرموده‌اند: «اگر سجده برای غیر خدا جایز می‌بود، زنها را امر می‌کردم تا شوهرهایشان را سجده کنند. و اگر فرضاً شوهر به زنش دستور دهد که سنگهای فلان کوه زرد را به کوه سیاه

برسان و از کوه سیاه را به کوه سفید برسان، زن شرعاً موظف است، اطاعت امر کند». آن حضرت p فرمودند: «بهترین شما کسی است که با زن و بچه هایش خانه خوب باشد و من برای اهل بیت خود خوب و خوش خلق هستم، زن از پهلوی چپ خلق شده و هرگز راست نخواهد شد، بر کجی او باید صبر کرد و نیکویی نمود، نباید با زن کینه و دشمنی ورزید، اگر کسی از زنش راضی نیست در عوض این که با وی از در جنگ و ستیز وارد شود، طلاقش بدهد، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿مَنْ طَلَّقَ زَوْجَتَهُ بِغَيْرِ عِلْمٍ مِنْ رَبِّهَا فَهُوَ كَافِرٌ﴾

(سوره بقره / 229).

«پس [از آن باید زن را] به شایستگی نگاه داشتن یا به نیکی رها کردن». یعنی: زن را به خوبی باید در خانه نگه داشت و یا این که به خوبی او را رها نمود و طلاق داد. بارالها! به همهی ما توفیق عنایت فرما تا بر دستورات تو و ارشادات پیامبر بزرگوارت p عمل نموده، خودمان را در قالب قرآن و سنت بگنجانیم.

«لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ، سُبْحَانَكَ لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ».
گر قبول افتد زهی سعادت.

ابوالحسن عبدالجید مرادزهی خاشی
حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان
27 رمضان المبارک 1415 هجری
24 اردیبهشت 1374 ش

کتاب الحج

تصویر داخل خانه کعبه:

مقدمه

نحمده و نصلي علي رسوله الكريم

با توجه به اینکه حج یکی از ارکان و فرایض پنج گانه ی اسلام است و در کتاب «مالابدمنه» بحث حج آورده نشده است و مؤلف کتاب علت نیاوردن آن را چنین بیان داشته که: در هندوستان در آن زمان افرادی که واجد شرایط حج باشند تعدادشان بسیار اندک بوده، ضرورتی برای ذکر بحث حج در این کتاب احساس نشد لذا از بیان آن صرفنظر گردیده است مانند بحث زکات گاو، گوسفند، و شتر که در کتاب مالابدمنه نیاورده است.

اما در حال حاضر که سفر حج و عمره در دیار ما به کثرت صورت می‌گیرد، لازم است مردم از احکام و مسایل آن، آگاهی داشته باشد. به همین منظور لازم دانستم ضمیمه ی حج و عمره را در آخر کتاب «مالابدمنه» که خوانندگان و استفادہ کنندگان زیادی دارد، اضافه کنم.

احکام و مسایل حج بطور مختصر و به شیوه ای جدید بیان شده است، البته برای جلوگیری از طولانی نشدن کتاب، مباحث احصار، حج بدل و جزئیات را ذکر نکردم که انشاء الله در کتاب مستقلی در زمینه ی حج و عمره بطور مفصل از آنها بحث خواهد شد.

امید است خداوند متعال این عمل ناچیز را به بارگاه خویش بپذیرد و توفیق تشریف به دیار مقدس حرمین را بار بار عنایت فرماید. آمین

ابوالحسن عبدالحمید مرادزهی خاشی

آذر ماه - 1383 زاهدان.

خانه‌ی کعبه:

شهر مکه‌ی مکرمه گرامی‌ترین و بهترین قسمت روی زمین است و تقریباً در وسط آن قرار دارد. در این شهر، «بیت الله» (خانه‌ی خدا) به موازات «بیت المعمور»¹ قرار دارد که دو هزار سال قبل از پیدایش زمین آفریده شده². و اولین سازنده‌ی آن، فرشتگان هستند و بعدها توسط حضرت آدم، حضرت شیث بن آدم، حضرت ابراهیم و حضرت اسماعیل - علیهم السلام - و در زمان رسول خدا μ در سال 18 ق هـ. توسط قریش بازسازی شده است. رسول اکرم μ در این بازسازی نیز شرکت داشتند و «حجر اسود» را با شرکت سران قریش در محل خاص آن قرار دادند. بعد از اسلام در سال 65 هـ. توسط حضرت عبدالله بن زبیر τ و در سال 74 هـ. توسط حجاج بن یوسف و در سال 1040 هـ. توسط سلطان مراد عثمانی و اخیراً در سال 1417 هـ. توسط ملک فهد پادشاه عربستان سعودی بازسازی شده است.

این خانه به شکل مربع است و ابعاد آن در حال حاضر به قرار ذیل است:

1 - «بیت المعمور» در آسمان قرار دارد که برای اهل آسمان مانند خانه‌ی کعبه برای اهل زمین حرمت و کرامت دارد و هر روز در آن، هفتاد هزار فرشته نماز می‌خوانند که تا قیامت دیگر نوبت به آنان نمی‌رسد. تفسیر ابن کثیر. 407 / 7.

2 - مجمع الزوائد للهیثمی. 288 / 3.

ارتفاع خانه ي كعبه:	14 متر
طول ضلعي كه ملتزم در آن است:	12 / 84 م
طول ضلعي كه حطيم در آن است:	11 / 28 م
طول ضلع بين حطيم و ركن يمانى:	12 / 11 م
طول ضلع بين ركن يمانى و حجر اسود:	11 / 52 م

حجر اسود:

حجر اسود سنگي است كه از بهشت آورده شده و طبق فرموده ي رسول اكرم μ هنگامى كه از بهشت آورده شد رنگ آن از شير سفيدتر بود ولي بر اثر گناهان فرزندان آدم سياه شد¹.

طول اين سنگ حدود 25 سانتيمتر و عرض آن حدود 17 سانتيمتر است كه در سنگ بزرگترى در يك حلقه ي نقره اي قرار داده شده است.

مسجد الحرام:

به خانه ي كعبه، مَطَاف (مکان وسیع محل طواف اطراف آن) و سالنهایی كه در اطراف آن برای نماز ساخته شده، «مسجد الحرام» ميگویند. پیامبر اكرم μ فرموده اند:

«²»

ثواب يك نماز در مسجد الحرام از يكصد هزار نماز در ديگر مساجد بيشتر است (يعني از نماز پنجگانه و پنج سال و شش ماه و بيست شب در ديگر مساجد).

1 - جامع الترمذي رقم: 877.

2 - سنن ابن ماجه: رقم 1406. ترجمه: يك نماز در مسجد الحرام افضل است از هزار نمازيكه در ديگر مساجد خوانده شود.

توسعه‌ي مسجد الحرام در طول تاريخ:
در طول تاريخ اسلام، مسجد الحرام ده بار توسط خلفا و حاکمان اسلامي به شرح زير توسعه داده شده است:

- سال
- 1- حضرت عمر بن خطاب τ 17 هـ . / 639 م
 - 2- حضرت عثمان بن عفان τ 26 هـ . / 648 م
 - 3- حضرت عبدالله بن زبير رضي الله 65 هـ . / 685 م
عنهما
 - 4- وليد بن عبدالملك؛ 91 هـ . / 709 م
 - 5- أبو جعفر منصور عباسي 137 هـ . / 755 م
 - 6- محمد مهدي عباسي 160 هـ . / 777 م
 - 7- المعتضد العباسي 284 هـ . / 897 م
 - 8- المقتدر العباسي 306 هـ . / 918 م
 - 9- ملك عبدالعزيز 1375 هـ . / 1955 م
 - 10- ملك فهد بن عبدالعزيز 1409 هـ . / 1988 م

در حال حاضر مجموع مساحت مسجد الحرام نزديك به دو ميليون و چهار صد هزار متر مربع است كه ظرفيت بيش از يك ميليون نماز گزار را دارد. اين مسجد داراي (95) دروازه و (9) مناره هر کدام به ارتفاع (89) متر مي‌باشد¹. خداوند بر عزت، ابهت و شرف اين مكان مقدس خويش هر روز بيفزايد و خادمان آن را توفيق مزيد خدمت عنايت فرمايد. آمين.

1 - ياد آوري مي‌شود مجري طرح توسعه‌ي اخير، شركت بن لادن بوده است.

فرضیت حج و حکمت مشروعیت آن:
حج، رکن پنجم از ارکان اساسی اسلام است که بر مسلمانان فرض گردیده .
مسلمان در حج، نهایت بندگی و فروتنی خویش را به بارگاه خداوند متعال به نمایش می‌گذارد.
حج، هم عبادت بدنی است مانند نماز و هم عبادت مالی است مانند زکات.
بطور خلاصه حج را می‌توانیم چنین تعریف کنیم:
«قصد سفر به سوی خانه‌ی خدا با احرام به نیت حج برای انجام فرایض آن از قبیل: طواف خانه‌ی کعبه و وقوف به عرفات».
خداوند متعال حج را با آیه‌ی ذیل قرآن بر مسلمانان فرض کرده است:

﴿وَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْأَكْبَرُ إِنَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ نَافِلًا إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ وَيَعْلَمُ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّارِ ۚ فَبَشِّرِ الْقَائِلِينَ وَالْقَائِلِينَ﴾
﴿وَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْأَكْبَرُ إِنَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ نَافِلًا إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ وَيَعْلَمُ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّارِ ۚ فَبَشِّرِ الْقَائِلِينَ وَالْقَائِلِينَ﴾
﴿وَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْأَكْبَرُ إِنَّهُ يَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ نَافِلًا إِنَّ اللَّهَ يَسْمَعُ وَيَعْلَمُ ۚ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّارِ ۚ فَبَشِّرِ الْقَائِلِينَ وَالْقَائِلِينَ﴾
(سوره آل عمران /

. (97)

«خداوند حج را بر مردم فرض کرده است بر کسانی که توان سفر به خانه‌ی او را داشته باشند و هر کس احکام الهی را منکر شود، پس خداوند از جهانیان بی‌پرواست».

و پیامبر گرامی اسلام نیز در این باره چنین می‌فرماید:

» : «¹.

«ساختمان اسلام بر پنج چیز استوار است:

- 1- گواهي به يگانگي خداوند و نبوت حضرت رسول اکرم
- 2- برپا داشتن نماز
- 3- دادن زکات
- 4- روزه ي ماه رمضان
- 5- حج خانه ي کعبه».

حکمت مشروعيت حج:

هر حکمي از احکام خداوند حکمت و دليلي دارد که بر اساس آن، مشروع شده. براي حج نيز حکمتها و فلسفه هاي ديني و دنياوي اي وجود دارد که حکمتهاي حج را بطور خلاصه به شرح زير مي توانيم بيان کنيم:

- 1- حج مظهر بندگي، تسليم و فرمانبردار شدن در بارگاه خداوند متعال است زيرا حاجي، خود را از تمام اسباب و وسايل رفاهي دنياوي يکسو کرده لباسهاي گرانبها و زيباي خویش را کنار مي گذارد و دو تکه لباس ساده ي کفن مانند مي پوشد. از مشاغل دنياوي فارغ شده مشغول ياد الهي مي شود و صرفا براي خشنودي خداوند خانه ي او را طواف مي کند؛ ميان صفا و مروه سعي مي کند، به ميدان عرفات مي رود و به بارگاه الله پناهنده مي شود و عفو و بخشودگي گناهان و خطاهاي خویش را از او مي خواهد و تا پايان

1 - أخرجه البخاري في أول كتاب الإيمان 1/7، و مسلم 1/34 و نحوه في حديث جبريل.

مراسم حج از بسیاری از چیزهای حلال، خود را دور نگه می‌دارد.

2- مسلمانان از سراسر دنیا با رنگهای مختلف، نژادهای مختلف، زبانهای مختلف، لباسهای مختلف و سلیقه‌های مختلف در یکجا گرد می‌آیند. وحدت و برادری ایمانی خویش را به نمایش می‌گذارند و از مشکلات یکدیگر آگاه می‌شوند و برای رفع مشکلات خود و تمام مسلمانان جهان، دعا و تضرع می‌کنند؛ و چنان احساس می‌کنند که میلیونها دل و جسد به يك دل و جسد تبدیل شده و همه پشت سر يك امام در مسجد الحرام و مسجد النبي نماز می‌خوانند و از توطئه‌ها و کینه‌توزیهای یهود و نصارا و دشمنان اسلام، علیه مسلمانان و قرآن، آگاه می‌شوند و در آن مکانهای مقدس، برای مبارزه، جهاد و مقاومت در مقابل دشمنان دین اسلام، با پروردگار خویش و با رهبر خویش حضرت محمد بن عبدالله p و یاران با وفایش، عهدي دوباره بسته و تجدید پیمان می‌کنند.

3- در حج، آدمی جان خویش را در مشقت می‌اندازد و مال خویش را خرج می‌کند و نعمت تندرستی جان و دارا بودن مال، باعث انجام این فریضه‌ی بزرگ می‌شوند لذا به اهمیت این دو نعمت آگاه شده و شکر آنها را بجا می‌آورد و این خود نعمتی بزرگ است (یعنی به جا آوردن شکر نعمت به خودی خود علاوه بر اجر و ثواب حج، ثواب و اجر مستقل دارد).

4- حج، بزرگترین تربیت‌گاه روح و جسم آدمی است، زیرا سفر حج پر مشقتترین سفرهاست و تحمل مشقات سفر و نیز تحمل سلیقه‌های مختلف دیگر افراد همراه در کاروان حج، روح انسان مؤمن را تربیت می‌کند

و تحمل ناملثمات را در مسیر زندگی اسلامی در آینده برای آدمی آسان می‌سازد.

5- سفر حج، یادآور خاطرات زیبای پیامبران بزرگ و بندگان نیک خداوند متعال است. هنگام طواف خانه‌ی کعبه، خاطره‌ی حضرت ابراهیم و فرزند دلبندش حضرت اسماعیل - علیهما السلام - تجدید می‌شود زیرا این دو بزرگوار بانیان آن بیت عظیم بوده‌اند. هنگام سعی میان صفا و مروه خاطره‌ی پر مهر و پر عطوفت حضرت هاجر علیها السلام نسبت به فرزندش اسماعیل علیه السلام در ذهن وارد می‌شود که برای دسترسی به آب اندکی میان آن دو کوه «صفا» و «مروه» با دله‌ره و اضطراب می‌دوید.

در وادی منی خاطره‌ی مبارزه‌ی عظیم حضرت ابراهیم و با ابلیس لعین دشمن بشریت و سنگ باران شدن وی از سوی منادی بزرگ توحید، ابراهیم بت شکن و مغلوب شدن آن دشمن سرکش بنی آدم در این مبارزه، در ذهن تداعی می‌شود.

و اما در صحرائی عرفات در آن مجمع بزرگ، منظره‌ی شیرین و زیبای دیگری در جلو دیدگان ما ترسیم می‌شود، منظره‌ی حجة الوداع آخرین حج پیامبر عظیم اسلام حضرت محمد μ که بر ناقه‌ی خویش سوار و گرداگرد او بیش از یکصد هزار از عاشقان وی پروانه‌وار حلقه زده‌اند و ایشان با سوز و گداز خاصی دست نیاز را به بارگاه رب العزت دراز نموده برای خیر و صلاح امت مشغول دعا و تضرع اند و امور مهمی را به امت اعلام و توصیه می‌کنند.

علاوه بر این موارد، حج، برکات و ثمرات بیشمار دیگری نیز دارد که در این رساله محل بیان و تفصیل آن نیست.

فضیلت حج:

ρ: «¹.

از حضرت ابو هريره τ روایت است که رسول اکرم ρ فرمودند: «هر کس حج کند و در آن فحش نگوید و بدگویی نکند و مرتکب گناهی نشود، چنان از گناهان پاک می‌شود که گویا تازه از مادر متولد شده است».

ρ: «

»².

از حضرت ابو هريره τ روایت است که رسول اکرم ρ فرمودند: «حج کنندگان و عمره کنندگان، مهمانان خداوند هستند اگر او را بخوانند، اجابت شان خواهد کرد و اگر از او طلب بخشایش کنند، مورد آمرزش شان قرار خواهد داد».

احادیث دیگری در فضیلت حج وارد شده است که بیان همه‌ی آنها در این رساله ممکن نیست و بر همین دو حدیث بسنده می‌کنیم.

شرایط فرضیت حج:

برای اینکه حج بر آدمی فرض شود شش شرط وجود دارد، و چنانچه یکی از این شرطها موجود نباشد، فرضیت حج ساقط می‌شود و آن شرطها عبارتند از:

- 1- اسلام.
- 2- عقل.

1 - أخرجه الستة إلا أبا داود.

2 - أخرجه ابن ماجه برقم (2892) والنسائي 85 / 5.

- 3- بلوغ.
- 4- آزادي (يعني غلام و برده نباشد).
- 5- مستطيع باشد. (يعني توانايي سفر و هزينه ي آن و مخارج خانوادهي خويش را تا زمان برگشت داشته باشد).
- 6- امنيت راه سفر.
- 7- وجود محرم و يا همسر براي زن و نبودن وي در عده ي طلاق و يا وفات.

شرائط صحت حج:

براي اينکه حج آدمي صحيح واقع شود، پنج شرط وجود دارد که چنانچه يکي از اين شرطها يافته نشود، حج صحيح نخواهد شد. آن پنج شرط عبارتند از:

- 1- اسلام.
 - 2- عقل.
 - 3- ميقات زماني.
- حج بايد در ماهها و زمانهاي مخصوص خود انجام گيرد و ماههاي حج: شوال، ذي القعدة، و ده روز اول از ذي الحجه ميباشند.
- 4- ميقات مكاني.
- مکانهاي هستند که اعمال حج مي‌بایست در همان مکانهاي مشخص انجام گيرد مثلاً وقوف به عرفه بايد در صحراي عرفات باشد. تفصيل اين مکانها بعداً در بحث چگونگي ادای حج بيان خواهد شد.
- 5- احرام.
- احرام براي حج مانند نيت براي نماز است و در احرام نيت همراه با تلبیه شرط است.

ارکان حج:

در حج دو رکن و فرض وجود دارد:

- 1- وقوف به عرفات.
 - 2- طواف زیارت.
- چگونگی وقوف و طواف بعداً بیان می‌شود.

واجبات حج:

در حج پنج چیز بطور مستقل واجب است:

- 1- سعی بین صفا و مروه.
 - 2- وقوف در مزدلفه.
 - 3- رمی جمرات.
 - 4- حلق یا تقصیر (تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر).
 - 5- طواف وداع (طواف صدر).
- اگر کسی یکی از این واجبات را بدون عذر ترک کرد، گناهکار است و برای جبران آن، فدیة «دَم» لازم می‌شود.
- چگونگی انجام این اعمال و فدیة بعداً بیان خواهد شد.

سنت‌های حج:

برای حج، آداب و سنت‌های متعددی وجود دارد ولی سنت‌های اصلی و مستقل حج به شرح زیر است:

- 1- طواف قدوم.
 - 2- خطبه‌های سه گانه‌ی امام:
- الف: خطبه‌ی اول، روز هفتم ذی‌الحجه در مکه برای آموزش احکام مسایل حج.
- ب: خطبه‌ی دوم، در روز عرفه (نهم ذی‌الحجه) در میدان عرفات برای تشویق حجاج به دعا و تضرع و بیان باقیمانده‌ی مسایل حج

ج: خطبه‌ی سوم، روز یازدهم ذی الحجه (روز دوم عید قربان)

3- مَبِيت در «مِني» در شب عرفه (يعني شب عرفه را در مِني سپري کردن و پنج نماز کامل را در آنجا خواندن).

4- شب عید را در «مُزْدَلِيفَه» ماندن.

5- شبهاي ايام تشریق را در مِني ماندن.

(يعني شبهاي يازدهم و دوازدهم ذی الحجه).

6- ماندن در «وادي مُحْصَب».

(يعني هنگام بازگشت از مِني و پايان يافتن مناسک در وادي محصب که در ورودی مکه میان دو کوه و جنب قبرستان «حُجُون» واقع است و الان تقریباً بین قصر ملك و «جَبَانَةُ الْمُعَلِي» قرار دارد، سنت است که در یکی از مساجد آنجا بماند و نمازهاي ظهر، عصر، مغرب، و عشاء را بخواند بعداً به مکه برود).

توضیحات بیشتر بعداً بیان خواهد شد.

اینها سنتهاي مؤکده و اصلي حج بودند سنتها و آداب دیگری نیز برای حج وجود دارد که در کتابهاي بالاتر بیان میشوند.

انواع حج:

فريضه‌ی حج به یکی از طرق زیر انجام می‌گیرد. به عبارتی حج بر سه نوع است:

1- تَمَتُّع.

و آن اینکه هنگام احرام بستن در ماههاي حج فقط نیت عمره را می‌کند، به مکه می‌آید و اعمال عمره را بجا می‌آورد، سپس از احرام خارج می‌شود در مکه می‌ماند و در روز هشتم ذی الحجه دوباره برای حج احرام می‌بندد و اعمال حج را بجا می‌آورد.

2- قِرَان.

آن است که هنگام احرام بستن، نیت ادای حج و عمره هر دو را می‌کند و تا پایان حج در احرام می‌ماند.

3- اَفْرَاد.

آن است که هنگام احرام بستن، فقط نیت ادای حج را می‌کند.

چگونگی ادای حج طبق برنامه‌ی روزانه:

در این قسمت به صورت مختصر، چگونگی انجام اعمال و مناسک حج تا پایان آن بیان می‌شوند:
پس از سالیان دراز، آرزوهای دیرینه‌ی سفر به حرمین و زیارت آن مکانهای مقدس به فضل و لطف الهی بر آورده شده و اینک آماده‌ی سفر به سرزمین وحی هستی و خودت را برای زیارت گنبد خضرا و روضه‌ی مطهر رسول اکرم μ آماده می‌کنی، پس به منظور انجام درست اعمال حج، مطالب زیر را با دقت مطالعه و بر آن عمل کن:

آمادگی سفر:

قبل از حرکت به سوی حرمین از خداوند متعال بخواه تا این سفر را برایت آسان و مبارک گرداند و از برکات و ثمرات آن بهره‌مند شوی و از آفات، گزند و منکرات آن در پناه او بجانی.
از گناهان و خطاهای گذشته‌ی خویش طلب مغفرت کن و تصمیم محکم بگیر تا در آینده از گناهان و منکرات دوری کنی.

حقوق اهل حقوق را به آنان بسپار و از کسانی که به نوعی بر تو حقی دارند حلالی بخواه.

هنگام خداحافظي با دوستان و خویشاوندان این دعا را در حق آنان بخوان: «¹».

«شما را به خدایي می‌سپارم که سپرده‌ها به وي نابود نمی‌شوند و خطري آنان را تهدید نمی‌کند». و براي کسانی که با حاجي خداحافظي می‌کنند، مستحب است این دعا را در حق وي بخوانند: «²».

«دین تو را، امانت تو را و سرانجام کارت را به خدایي یگانه می‌سپارم». سپس دو رکعت نماز نافله با خشوع و خضوع بخوان که در آنها سوره ي (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و سوره ي (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) خوانده شود. و هنگام خروج از خانه این دعا را بخوان: «³».

مواقیت احرام:

مکانهایی تعیین شده اند که عبور کردن از آنها بدون احرام و رفتن به سوی خانه ي خدا جایز نیست به این مکانها «مقیقات» گفته می‌شود و به قرار ذیل می‌باشند:

- 1- میقات اهل مدینه «ذُو الْحَلِيفَةِ».
- 2- میقات اهل شام «الْجُحْفَةَ».

1 - الأذکار للإمام النووي / 278.

2 - أخرجه أبو داود في الجهاد: 34 / 3.

³ - «به نام خدا، بر خدا توکل کردم، و هیچ قدرت و توانایی جز از طرف خدا نیست».

- 3- میقات اهل نجد «قَرْنُ الْمَنَازِل».
- 4- میقات اهل یمن «يَلْمَلَم».
- 5- میقات اهل عراق «ذَاتِ عِرْق».
- «جُحْفَه» در حال حاضر از بین رفته است و حجاج سرزمین شام و مناطق شمالی از شهر «رابغ» که مقداری قبل از جحفه قرار دارد، احرام می‌بندند.

احرام و چگونگی آن:

بستن احرام قبل از مواقیت نیز جایز است و چون حجاج در ایران با هواپیما سفر می‌کنند بهتر است که از فرودگاه احرام ببندند.

احرام چنین است که نخست غسل و نظافت کامل انجام دهی و لباسهای عادی را بیرون آوری و دو تکه لباس یکی به جای پیراهن و دیگری به جای شلوار بپوشی کفش و کلاه را نیز بیرون آوری و به جای کفش، دم پایي خاص که استخوان پشت پا ظاهر باشد بپوشی سپس دو رکعت نماز احرام بخوانی و بعد از نماز نیت کنی و تلبیه بگویی.

سنتهاي احرام:

الف: غسل کردن.

ب: استفاده از عطر و بوی خوش در بدن.

ج: دو رکعت نماز احرام.

د: تلبیه گفتن.

پس از نماز احرام متصل با صدای بلند تلبیه بگو، و برای حج یا عمره و یا هر دو، نیت کن نیت این است:

اگر تنها حج باشد فقط کلمه «أريد الحج» و اگر تنها عمره باشد «العمرة» را بگویند. تلبیه این است:

»

«.

«پروردگارا! به بارگاه تو بار بار حاضرم. به بارگاه تو حاضرم، هیچ شریکی برایت نیست. همانا حمد و نعمت و پادشاهی مختص تو است هیچ شریکی برایت نیست.»

حالا مُحْرِم شدي (یعنی در احرام قرار گرفتی) پس از خدا بترس و از ممنوعات احرام دوری کن و چنانچه مرتکب امری که از ممنوعات احرام است بشوی، جریمه مالی (دَم و فدیة) بر تو لازم می‌شود.

ممنوعات احرام:

در حالت احرام، بسیاری از چیزها برای آدمی حرام می‌شود که بطور خلاصه به شرح ذیل است:

- 1- پوشیدن لباس دوخته شده، کفش و کلاه.
- 2- گرفتن ناخن و موی از بدن.
- 3- استفاده از عطر و بوی خوش چه بر لباس و چه بر بدن.
- 4- کشتن شکار و نیز کندن درخت و نباتات حرم.
- 5- جماع و بیان مقدمات آن.
- 6- جدال و درگیری.

احرام زن:

زن در همان لباس عادی خویش احرام ببندد و سرش را نیز بپوشاند و با صدای بلند تلبیه نگوید.

ورود به مکه:

زمانی که به مکه مکرمه نزدیک شدي، بدان که در حرم امن الهي قرار گرفته اي. آنگاه این دعا را بخوان:

»

«.

«پروردگارا! این حرم تو و مکان امن تو است پس گوشت مرا، و خون و موی و پوست مرا بر آتش دوزخ حرام بگردان و در روز رستاخیز از عذابت امان بده و مرا از بندگان نیک و فرمانبردار خویش قرار بده.»

هنگامی که به شهر مکه وارد شدي این دعا را بخوان:

»

«¹.

«بار الها! این شهر، شهر توست و بیت، بیت توست، طالب رحمت آمده ام، و قصد فرمانبرداری تو دارم و به قضا و قدر تو راضی ام، و تسلیم امر تو هستم، از تو می خواهم مانند خواستن بیچاره به بارگاهت، و ترسان از عذابت، اینکه با عفو تو از من استقبال کنی و از خطاهایم در گذر فرمایی و وارد بهشت کنی.»

سپس به مسجد الحرام می روی و هنگام افتادن نگاهت بر وی این دعا را می خوانی: »

«.

طواف خانه‌ی کعبه:

آنگاه طواف خانه‌ی کعبه را شروع کن طواف باید از پشت «حطیم» باشد با شروع طواف، تلبیه را قطع کن آغاز طواف از حجر اسود و پایان آن نیز به حجر اسود است. هفت شوط گرداگرد خانه‌ی کعبه، یک طواف به حساب می‌آید.

طواف باید با وضو انجام گیرد. پس از یک طواف، به مقام ابراهیم برو و دو رکعت نماز طواف را در آنجا اگر ازدحام نبود، بخوان و إلا هر جا در مسجد که میسر شد دو رکعت را بخوان سپس به جایی که آب زمزم است برو از آن بنوش و دعا کن.

سنت‌های طواف:

- 1- اضطباع (برای مردان)¹.
- 2- رمل درسه شوط کامل (برای مردان)².
- 3- شروع طواف از جهت رکن یمنی نزدیک حجر اسود.
- 4- استلام حجر اسود و بوسیدن آن در صورتی که برای دیگران زحمتی ایجاد نشود.
- 5- استلام رکن یمنی.
- 6- نزدیک بودن به خانه کعبه هنگام طواف (برای مردان).

1 - اضطباع یعنی قرار دادن وسط شال احرام زیر بغل راست به گونه‌ای که دو طرف شال روی شانه‌ی چپ قرار گیرند و شانه‌ی راست برهنه باشد.

2 - رمل: یعنی گام برداشتن با سرعت و حرکت دادن شانه‌ها مانند پهلوانان.

7- انجام پیای اشواط طواف.

سعی بین صفا و مروه:

پس از نوشیدن آب زمزم و دعا، به «مسعی» (محل سعی) برو.

سعی میان دو کوه کوچک به نام «صفا» و «مروه» که در حال حاضر در طرح توسعه مسجد الحرام قرار گرفته‌اند به عنوان سنت حضرت هاجر ' مادر حضرت اسماعیل v انجام می‌گیرد.

کوه کوچک صفا در جهت جنوبی خانه‌ی کعبه و به فاصله‌ی 130 متر و کوه مروه در جهت شمال شرقی خانه‌ی کعبه و به فاصله‌ی 300 متر از آن قرار دارد. «مسعی» به مسیر بین صفا و مروه گفته می‌شود که فاصله‌ی آن 394/5 متر است.

سعی از صفا شروع و به مروه ختم می‌شود و هفت بار شوط بین صفا و مروه یک سعی کامل است.

سنت‌های سعی:

- 1- اشواط سعی پیای باشند.
- 2- سعی با طهارت انجام گیرد.
- 3- هنگام قرار گرفتن بر صفا و بر مروه روبروی خانه‌ی کعبه بایست و تکبیر (الله أكبر) و تهلیل (لا إله إلا الله) بگو و درود و دعا بخوان.
- 4- میان دو ستون سبز رنگ، سرعت سعی را بیشتر کن و حالت دوندگی آرام به خود بگیر و این دعا را بخوان:

1.

1 - أخرجه الطبرانی في الأوسط، انظر: مجمع الزوائد: 248/

﴿اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ وَسَلِّمْ﴾¹

5- هنگام شروع نماز جماعت، شوط سعی را قطع کن و به جماعت بپیوند و پس از سلام، شوط را از سر شروع کن.

6- هنگامی که روی صفا و یا مروه قرار می‌گیری این دعا را سه بار بخوان:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَيَّ مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَيَّ مَا أَوْلَانَا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، يُخَيِّ وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَخَدَهُ، أَنْجَزَ وَعَدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَرَمَ الْأَحْزَابَ وَخَدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»².

1- «پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ نجات ده».

2 - الأذکار للنووي: 250. یعنی: «الله بزرگتر است، الله بزرگتر است، الله بزرگتر است، ستایش الله را، الله بزرگتر است بر اینکه ما را هدایت داده است، هیچ معبودی جز خدای یکتا وجود ندارد، او شریکی ندارد، پادشاهی و ستایش از آن او است. او زنده می‌کند و می‌میراند، و او زنده ای است که هرگز نمی‌میرد، نیک و بد در دست اوست، و او بر هر چیزی تواناست، جز او معبود دیگری «بحق» وجود ندارد، یگانه است، اوست که وعده اش را تحقق بخشید، و بنده اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه‌ها را شکست داد، جز او کسی دیگر را عبادت نمی‌کنیم، همه‌ی ما با اخلاص او را بندگی می‌کنیم هر چند کافران دوست نداشته باشند».

خروج از احرام برای مُعْتَمِر و مُتَمَتِّع:
 پس از فارغ شدن از سعی، سر خود را بتراش و یا موها را کوتاه کن.
 با این عمل از احرام عمره و یا حج تمتع خارج می‌شوی.
 «مُفَرِّد» و «قَارِن» حلق و قصر نمی‌کنند بلکه در احرام باقی می‌مانند.

ماندن در مکه:

سپس تا روز هشتم ذی الحجه در مکه مکرمه بمان و به کثرت طوافهای نافله انجام بده و بکوش تا نمازها را با جماعت در مسجد الحرام بخوانی. و نیز زمانی که در مسجد الحرام هستی پیوسته نگاهت را بر خانه‌ی کعبه قرار بده زیرا نگاه کردن به خانه‌ی کعبه عبادت است.

رسول اکرم p فرمودند:

«يك نماز در مسجد من بیش از هزار نماز در دیگر مساجد ثواب دارد مگر مسجد الحرام که يك نماز در آن، بیش از یکصد هزار نماز ثواب دارد».
 (یعنی به اندازه‌ی نماز پنج‌جاه و پنج سال و شش ماه و بیست شب در دیگر مساجد).

روز ترویبه (هشتم ذی الحجه):

پس از خواندن نماز فجر این روز در مکه مکرمه، برای حج احرام ببند مانند احرام عمره و بعد از دو رکعت احرام این دعا را با تلبیه بخوان:

»

.....».

و قبل از ظهر به سوی منی حرکت کن و تا طلوع آفتاب روز عرفه در آنجا بمان و پنج نماز کامل

يعني: ظهر، عصر، مغرب، عشاء و نماز فجر را در مني بخوان.

این احرام برای کسی است که نیت حج تمتع کرده باشد، برای حاجي «مُفْرِد» و «قَارِن» احرام جدیدی لازم نیست با همان احرام به سوی مني حرکت می‌کنند.

روز عرفه:

پس از ادای نماز فجر روز عرفه در مني، تا طلوع آفتاب منتظر باش پس از طلوع آفتاب به سوی صحرائ عرفات برای ادای رکن بزرگ حج، حرکت کن و در مسیر راه مشغول تلبیه، دعا و توجه به سوی خدا باش و مستحب است که هنگام حرکت این دعا را بخوانی: «

«¹.

وقوف به عرفات:

هنگامی که به محدوده‌ی عرفات وارد شدي در آنجا وقوف کن و تمام محدوده‌ی عرفات محل وقوف است مگر «بطنِ عُرْنَة» که وقوف در آن صحیح نیست. بهتر این است که نزدیک جبل الرحمة (کوه رحمت) وقوف کنی.

در میدان عرفات رو به روی قبله بایست و دستها را به بارگاه مولاي کریم بلند کن و با خشوع و خضوع برای حال زار خود و مسلمین دعا کن و با اصرار و زاری تمام از خداوند بخواه زیرا در این روز خداوند با رحمتهاي خاص خود به سوی بندگان خویش در عرفات متوجه می‌شود.

گردد هم آمدن حجاج در میدان عرفات یاد آور حشر در میدان محشر روز قیامت است پس آن روز را نیز بیاد آور، هر دعایی که یاد داشته باشی و با هر زبانی که بخوانی اشکالی ندارد ولی بهتر است که این دعا را بسیار بخوانی: «¹»

نماز ظهر و عصر را در وقت نماز ظهر بخوان برای این دو نماز یک اذان و دو اقامه گفته می‌شود. لازم است که تا غروب آفتاب در عرفات بمانی و بعد از غروب آفتاب به سوی مزدلفه حرکت کنی.

شب گذرانی در مُزْدَلِفَه:

تا غروب آفتاب در عرفات بمانی وقتی آفتاب غروب کرد، به سوی مزدلفه با آرامش و وقار حرکت کن و به دعا و یاد الهی و اذکار و اوراد، مشغول باش. نماز مغرب را در عرفات بخوان بلکه پس از اینکه به مزدلفه رسیدی، نماز مغرب و عشا را جمع کن. و بهتر این است که نزدیک مشعر الحرام «جبل قزح» قرار بگیری و إلا هر کجا که میسر شد، مگر در «وادی مُحَسَّر» که در آنجا وقوف صحیح نیست. شب عید را باید در مزدلفه باشی. در این شب مشغول عبادت، دعا، تلاوت قرآن و تلبیه باش و پیش از طلوع فجر مقصداری بخواب و پس از ادای نماز فجر نیز در آنجا وقوف کن. در مزدلفه نیز هر دعایی که برایت میسر شود بخوان.

1 - أخرجه الترمذی 2/198. یعنی: «بجز الله یگانه، دیگر معبودی نیست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته اوست، و او بر هر چیز تواناست».

گرد آوري سنگريزه‌ها از مزدلفه:
از مزدلفه هفتاد عدد سنگريزه مقدارى بزرگتر از
دانه‌ي نخود براي رمي جَمَرَات (زدن شيطان) گرد
بياور.

حرکت به سوي مِني:
پيش از طلوع آفتاب و بالا آمدن آن، از مزدلفه
به سوي مِني حرکت کن و در بين راه به دعا و
اذکار مشغول باش و بسيار تلبیه بگو وقتي به مِني
رسيدي اين دعا را بخوان:
»

«¹.

روز عيد:
وقتي به مِني رسيدي اعمال مهمي را بايد در اين
روز انجام بدهي اين اعمال عبارتند از:
1- رمي «جمرة العقبة».
2- ذبح قرباني.
3- تراشیدن و يا کوتاه کردن موي سر.
4- طواف زیارت و سعی بين صفا و مروه اگر قبلاً
سعی نکردي.

رمي جمرة العقبة:
با میسر شدن زمان مناسب براي رمي و کم شدن
ازدحام، به سوي جمرة العقبة حرکت کن و با هفت
عدد سنگريزه آن را رمي کن. با پرتاب هر سنگ

به سوي شيطان، تكبير بگو و با اولين سنگ، تلبیة را قطع کن و این دعا را بخوان:

«.

سنگها را به گونه اي پرتاب کن که به خود جمره اصابت کند و یا در دایره ي اطراف آن واقع شود. پس از رمي و هنگام بازگشت، این دعا را بخوان:

«

و در روزهاي عيد تكبير را زیاد بخوان.

قرباني (دم شکر).

سپس به قربانگاه برو و گوسفند سالم و چاق را به عنوان شکر نعمت الهي و اینکه تو را توفیق داده تا حج و عمره را در يك سفر انجام دهی، ذبح کن و از گوشت آن خودت بخور و به فقرا و مساكين نیز بده.

حلق یا تقصیر:

سپس موهاي سرت را بتراش و یا کوتاه کن و تراشیدن موها از کوتاه کردن آن ثواب بیشتر دارد. البته زنان فقط کوتاه کنند.

طواف زیارت:

وقتي از تراشیدن سر فارغ شدي براي ادای ركن مهم دیگر حج، یعنی طواف زیارت به مکه برو و خانه ي کعبه را طواف کن، و اگر قبلاً میان صفا و مروه سعی کرده اي، سعی پس از این طواف، لازم نیست و رمل و اضطباع هم مسنون نیست، اما اگر قبلاً سعی نکرده اي، حالا سعی کن و رمل و اضطباع هم در این صورت سنت است.

خروج از احرام:

پس از تراشیدن سر در منی از احرام خارج شده‌ای و تمام ممنوعات احرام برایت جایز می‌شوند مگر همبستر شدن با زن که پس از انجام طواف زیارت برایت حلال می‌شود.

ایام تشریق و اعمال آنها:

ایام تشریق، روزهای: یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه هستند. لذا پس از طواف زیارت به منی برگرد و شب یازدهم را در منی سپری کن.

رمی جمرات سه‌گانه:

در روز دوم عید (روز یازدهم ذی الحجه) واجب است که هر سه جمره رمی شوند. پس از زوال آفتاب به «جمره ی صغری» (جمره ی کوچک اول) نزدیک «مسجد خیف» برو و آن را رمی کن و هنگام رمی همان دعایی را که قبلاً ذکر شد بخوان. سپس به گوشه ای برو و مقداری مکث کن و به دعا و اذکار مشغول باش بعد از آن به «جمرة الوسطی» (جمره ی دوم) برو و آن را مانند جمره ی قبلی رمی کن. آنگاه به سوی «جمرة العقی» (جمره ی سوم) برو و آن را نیز رمی کن و پس از رمی، توقف نکن بلکه به سوی محل اقامت خویش حرکت کن. وقت رمی این روز تا طلوع فجر روز بعد است.

رمی روز دوازدهم:

بعد از زوال آفتاب وقت رمی شروع می‌شود و در این روز نیز مانند روز گذشته جمره های سه گانه

را رمی کن و وقت رمی این روز تا طلوع فجر روز بعد ادامه دارد. در این شبها و روزها در منی مقیم باش و اوقات خویش را با تلاوت قرآن، دعا و اذکار سپری کن، و اگر میسر باشد نمازها را در مسجد خیف بخوان. در پایان روز دوازدهم، از منی به سوی مکه حرکت کن و در مسیر راه در محل «وادی مُحَصَّب» که در مدخل مکه بین دو کوه قرار دارد، مقداری توقف کن و در یکی از مساجد آنجا نمازهای فرضی را بخوان و یا هر مقدار که میسر شد مکتب کن سپس به مکه برو.

طواف وداع:

هنگام قصد بازگشت به خانه و پایان مناسک حج، آخرین طواف را که به «طواف وداع» (طواف خداحافظی) معروف است انجام بده در این طواف، رمل، اضطباع و سعی نیست. بعد از طواف دو رکعت نماز طواف را بخوان و از آب زمزم بنوش و آخرین نگاه‌هایت را بر خانه‌ی کعبه بیفکن، کنار ملتزم بیا و با چسباندن خویش به آن، دعاها و آرزوهای دنیوی و اخروی خویش را به بارگاه خداوند متعال عرضه کن و با این دعا با خانه‌ی کعبه خداحافظی کن:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ بَعْدَ الْعَوْدِ، الْمَرَّةَ بَعْدَ الْمَرَّةِ، إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ. وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُقْبُولِينَ عِنْدَكَ يَا ذَ الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

زیارت مدینه‌ی منوره و روضه‌ی مطهره:

زیارت مدینه‌ی منوره، مسجد النبی و روضه‌ی مطهره‌ی رسول گرامی اسلام p از صدر اسلام تا به حال معمول و مروج بوده و باعث اجر و برکات

بي شماری است. و مستحب است که با طهارت وارد مدینه منوره شوي و هنگام مشاهده آثار و درختان مدینه این دعا را بخوان:

«¹.

هنگام ورود به مسجد النبي این دعا را بخوان:

«.

هنگام خروج نیز همین دعا خوانده شود و در آخر «و افْتَحْ لِي أَبْوَابَ فَضْلِكَ» بخوان.

سپس دو رکعت نماز تحية المسجد بخوان آنگاه به سوي حجره شريفه که در آن، قبر رسول گرامی اسلام ρ است برو، روبروي قبر کنار پنجره با ادب و انضباط تمام بایست و بر ایشان با این الفاظ سلام بفرست:

»

«.

»

«.

سپس مقداری به سمت راست برو و قبر سیدنا حضرت ابوبکر صدیق τ را زیارت کن و چنین بر وی سلام بفرست:

»

.«

آنگاه مقداری به سمت راست جلوتر برو و قبر سیدنا حضرت عمر فاروق τ را زیارت کن و چنین بر وی سلام بفرست:

»

.«

آداب اقامت در مدینه:

تا زمانی که در مدینه هستی، بکوش تا نمازها را در مسجد نبوی بخوانی زیرا یک نماز در مسجد نبوی بیش از پنجاه هزار نماز دیگر مساجد بجز مسجد الحرام ثواب دارد. خواندن نماز میان حجره‌ی شریفه و منبر رسول اکرم p نیز ثواب دارد زیرا آنجا قطعه‌ای از بهشت است که به نام «ریاض الجنة» معروف است چنان که در حدیث وارد است:

«مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»¹.
 «میان خانه و منبر من، باغی از باغهای بهشت است».

زیارت اماکن خاص در مدینه منوره:
 هنگام اقامت در مدینه منوره مستحب است که
 اماکن ذیل را زیارت کرد:

1- قبرستان بقیع.

وقتی به آنجا می‌روی چنین بگو:

»

«.

«سلام بر شما ای مردم مؤمن، همانا ما - إن شاء الله - به شما ملحق خواهیم شد، شما پیش روان هستید و ما بعد آینده گان، همانا ما نیز - إن شاء الله - به شما ملحق خواهیم شد، خدایا، اهل بقیع غرقد را بیامرز، خدایا، ما و ایشان را بیامرز».

2- زیارت شهدای احد.

در دامنه کوه احد شهیدان به خون غلتان غزوه احد خوابیده‌اند که در میان شان سید الشهداء حضرت حمزه عموی رسول اکرم p نیز حضور دارد به آنجا برو سلام بگو، و برای آنان که جانهای خود را فدای اسلام کردند دعا کن و چنین بگو:

2

3- زیارت مسجد قباء.

1 - رواه البخاری و مسلم.

2- [گویند: نظر] به بردباریتان سلام بر شما باد، پس جزای آن سرای چه نیک است!.

مسجد قباً نخستین مسجدی است که در اسلام ساخته شده و شخص رسول اکرم p سنگ بنای آن را نهادند و درباره‌ی همین مسجد قرآن می‌فرماید:

﴿لَا يَسْتَوِي الَّذِينَ آمَنُوا بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبُاطِلِ﴾

﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبُاطِلِ﴾

﴿الَّذِينَ آمَنُوا بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا بِالْبُاطِلِ﴾ (سوره

توبه / 108).

«به راستی مسجدی که از روز نخست بر تقوی بنیان نهاده شده است سزاوارتر است که در آن بایستی». به آنجا برو دو رکعت نماز تحیة المسجد در آن بخوان و دعا کن.

رسول اکرم p هر هفته روز شنبه به آنجا می‌آمدند و دو رکعت نماز در آن می‌گزاردند¹.

وداع با مدینه:

هنگام بازگشت از مدینه به مسجد النبی برو و دو رکعت نماز در آن بخوان و سپس بر روضه‌ی حضرت رسول اکرم p حضور پیدا کن و چنان که قبلاً ذکر شد بر ایشان سلام بفرست و در آنجا دعا بکن و در آخر این دعا را بخوان:

»

«.

و هنگام خروج از مدینه بعد از خواندن دعای سفر، آیه‌ی الکرسی و معوذتین، این دعا را بخوان، زیرا رسول اکرم p آن را خوانده‌اند:

1 - صحیح بخاری باب اتیان مسجد قباء.

»

«¹.

عمره و چگونگی ادای آن:
عمره نیز اجر و ثواب زیادی دارد چنان که رسول
اکرم p فرموده اند:

»

«².

از حضرت ابو هريره τ روایت است که پیامبر اکرم
p فرمودند: «تمام گناهایی که بین فاصله ی زمانی
دو عمره انجام گیرند، عمره ی بعدی نابود کننده ی
آن گناهان است و پاداش حج مبرور فقط بهشت است».

«³.

»:

:

.«

»:

از حضرت عبدالله بن عباس رضي الله عنهما روایت
است که پیامبر اکرم p فرمودند: «ثواب يك عمره
در رمضان با يك حج برابر است و در يك روایت
برابر با حجي است که همراه با من ادا شود».

1- یعنی: «توبه کنان، عبادت کنان و حمدگویان برای
پروردگاران، باز می‌گردیم، خداوند وعده اش را تحقق
بخشید، بنده اش را نصرت کرد و به تنهایی گروه ها را
شکست داد».

2 - أخرجه البخاري في باب العمرة: 2 / 3 و مسلم في فضل
الحج والعمرة: 107 / 4.

3 - أخرجه البخاري في عمرة رمضان 3 / 3 و مسلم: 62 / 4.

زمان عمره:

عمره در تمام سال جایز است البته در ماه مبارک رمضان ثواب بیشتری دارد و در پنج روز: نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه عمره جایز نیست.

فرائض عمره:

در عمره دو چیز فرض است:

1- احرام.

2- طواف.

واجبات عمره:

در عمره دو چیز واجب است:

1- سعی بین صفا و مروه.

2- تراشیدن و یا کوتاه کردن موها.

بقیه اعمال در عمره سنت و آداب اند.

چگونگی ادای عمره:

از میقات یا قبل از آن به روشی که در بحث حج بیان شد، احرام ببند وقتی به خانه‌ی کعبه رسیدی آن را با رمل و اضطباع طواف کن (به ترتیبی که قبلاً بیان شد)¹. پس از طواف و خواندن دو رکعت طواف و نوشیدن آب زمزم، میان صفا و مروه سعی کن (به طریقی که قبلاً ذکر گردید) بعد از پایان سعی، موهای سرت را بتراش و یا کوتاه کن پس از تراشیدن سر و یا کوتاه کردن موها خودت را از احرام خارج کن و این يك عمره به حساب می‌آید.

1 - به صفحه‌ی 159 و 160 نگاه کن.

تا زمانی که در مکه مکرمه هستی می‌توانی عمره‌های متعددی انجام بدهی و هر قدر طواف که بخواهی بجا آوری.

در دوران اقامت در مدینه منوره روزه‌ی مطهره رسول اکرم p ، شهدای احد و مسجد قبا را به تفصیلی که در بحث حج بیان شد، زیارت کن. طواف «قدوم» و طواف «وداع» بر عمره کننده لازم نیست زیرا این دو طواف مختص اعمال حج هستند.

هدی:

«هدی» به آن گوسفند، گاو و شتر گفته می‌شود که در حرم ذبح شود.

شرایط هدی همان شرایط قربانی است یعنی: گوسفند حداقل یک ساله، گاو دو ساله و شتر پنج ساله باشد بره‌ی بالاتر از شش ماه که چاق باشد و با گوسفند یک ساله تفاوتی نداشته باشد نیز جایز است.

هدی تمتع، قران و نافله در روزهای عید بعد از رمی جمره‌ی عقبه ذبح می‌شود و تمام هدایا باید در محدوده‌ی حرم ذبح شوند.

مستحب است که صاحب هدی از گوشت آن بخورد. البته استفاده از هدی جنایات (گوسفند، گاو و یا شتر) که به عنوان جریمه بر حاجی لازم شده‌اند) برای صاحب آن و نیز برای افراد غنی جایز نیست.

انواع هدی:

هدی بر چهار قسم است:

1- هدی نافله.

که حاجی یا عمره کننده بدون جهت خاصی صرفاً برای رضای خداوند متعال ذبح می‌کند و برای هر حاجی و هر عمره کننده‌ای که توان خرید آن را

داشته باشد مستحب است که به عنوان پیروی از سنت رسول اکرم p آن را ذبح کند. زیرا که آن حضرت p در حجة الوداع یکصد شتر هدی ذبح کردند¹.

2- هدی واجب.

هدی است که به عنوان شکرانه‌ی توفیق ادای حج بر حاجی متمتع و قارن واجب می‌شود.

3- هدی واجب جریمه.

هدی است که پس از ارتکاب ممنوعات حج به عنوان جریمه و «دم جبران نقصان» بر حاجی و یا عمره کننده لازم می‌شود.

استفاده از این هدی برای حاجی و یا افراد غنی جایز نیست بلکه باید آن را بر فقرا صدقه کرد.

4- هدی نذر.

آن هدی است که حاجی در آنجا نذر می‌کند. استفاده از این هدی نیز برای نذر کننده و افراد غنی جایز نیست.

جنایات و جریمه‌های آن:

جنایت در حج عبارت است از:

«ارتکاب عملی از اعمال ممنوع در حج و یا ترک واجبی از واجبات آن».

جنایت بر دو قسم است:

1- جنایت در حرم.

2- جنایت در احرام.

جنایت در حرم این است که کسی به صید حرم مستقیماً یا با اشاره و راهنمایی تعرض کند یا درختان و نباتات حرم را با قطع کردن و یا از بیخ برکندن مورد تعرض قرار دهد که در این

صورت مرتکب این عمل چه فرد محرم چه غیر محرمی باشد جریمه می‌شود و این عمل او «جنایت» محسوب می‌شود.

جنایت در احرام این است که شخص محرم در حال احرام مرتکب عملی از ممنوعات حج شود و یا عمل واجبی از واجبات حج را ترک کند.

جنایت در احرام بر شش قسم است:

اول- جنایتی که حج را فاسد می‌کند و با جریمه جبران نمی‌شود مانند: جماع قبل از وقوف عرفه.

دوم- جنایتی که جریمه آن یک شتر و یک گاو است و این در دو حالت است:

الف: جماع بعد از وقوف قبل از حلق.

ب: طواف زیارت در حالت جنابت.

سوم- جنایتی که جریمه آن یک گوسفند و یا یک هفتم گاو و یا شتر است و این در موارد ذیل لازم

می‌شود:

1- پوشیدن لباس دوخته شده بدون عذر شرعی.

2- دور کردن موهای سر و ریش بدون عذر.

3- پوشیدن چهره یک روز کامل.

4- چیدن ناخنهای یک دست و یک پا.

5- ترک طواف صدر.

6- ارتکاب مقدمات جماع.

7- بوی خوش زدن به یک عضو کامل از اعضای بدن

مانند: سر، صورت، ران، ساق و بازو و نیز

پوشیدن لباسی که بوی خوش به آن زده شده است.

چهارم- جنایتی که جریمه آن صدقه است به

اندازه‌ی نصف صاع (250/2) کیلوگرام) گندم و یا

قیمت معادل آن و این در موارد زیر است:

1- تراشیدن کمتر از یک چهارم سر یا کمتر از یک

چهارم ریش.

- 2- گرفتن ناخن يك انگشت و يا دو انگشت.
 3- بوي خوش زدن به کمتر از يك عضو.
 4- پوشیدن لباس دوخته شده و يا بوي خوش زده شده کمتر از يك روز كامل.
 5- پوشیدن سر و يا صورت کمتر از يك روز.
 6- بجا آوردن طواف قدوم و يا طواف صدر با بي‌وضويي.
 7- ترك رمي يك سنگريزه از يكي از جمرات.
پنجم - جنايتي كه جریمه‌ي آن کمتر از نصف صاع صدقه است و اين در صورتي است كه شپش و يا ملخي را به قتل رساند.
ششم - جنايتي كه جریمه‌ي آن قيمت معادل لازم است و اين در صورتي است كه صيد بياباني در حرم كشته شود و يا در كشتن آن مشاركت داشته باشد در اين صورت قيمت آن لازم است چه صيد حلال باشد و چه صيد حرام.
 اللهم وفقنا كرة بعد كرة لزيارة بيتك المكرم.
 ومن الله التوفيق وعليه التوكل والاعتماد.
 ابو الحسن عبدالمجيد مرادزهي خاشي
 زاهدان 7/10/1383 - مطابق با 15 ذي قعدة 1425 هـ.
 ق.